



نشانی پستی دفتر مجله:  
تهران، صندوق پستی: ۶۵۸۵-۱۵۸۷۵  
تلفن دفتر مجله: ۹-۸۸۳۱۱۶۱ (داخلی ۳۱۲)  
تلفن مستقیم: روزهای چهارشنبه ۸۳۰۵۷۷۱  
پیام گیر نشریات رشد: ۸۳۰۱۴۸۲  
مدیرمسئول: ۱۰۲/ دفتر مجله: ۳۱۲/ امور مشترکین: ۱۱۴  
وب گاه: www.roshdmag.ir  
رایانامه: goran@roshdmag.ir  
تلفن امور مشترکین: ۷۳۲۶۶۵۶، ۷۳۲۶۶۵۵  
شمارگان: ۱۲۰۰۰  
چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

مدیرمسئول: محمد ناصری  
سر دبیر: سید محسن میر باقری  
مدیر داخلی: یونس باقری  
هیئت تحریریه: فریا انجمنی، یونس باقری،  
سید مهدی سیف، دکتر زهرا کاشانی ها، دکتر مجید معارف،  
سید محسن میر باقری، سید محمد حسین میر باقری  
و مسعود وکیل  
طراح گرافیک: نوید اندرودی  
ویراستار: کبری محمودی

## سرمقاله / ۲

۴۰ توشه اخلاقی از میان بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی / ۴

نتیجه می گیریم / ۹

مبانی فهم و تفسیر قرآن از نگاه شهید مطهری / دکتر حسین علوی مهر / ۱۰

چرا نماز را فارسی نخوانیم / ۱۶

سیاست گذاری آموزشی در مدارس علوم و معارف اسلامی / حمید توسلی صباغ / ۱۷

پایگاه های پرسش و پاسخ قرآنی و اسلامی / فریا انجمنی / ۲۲

سوگند و قسم در قرآن / حجة الاسلام دکتر محی الدین بهرام محمدیان / ۲۴

سرباز گم نام / ۲۹

پیوستگی لفظی و مفهومی آیات و بخش های سوره بقره / مریم فرنگ / ۳۰

موجودات زنده؛ آری، خیر / ۳۵

هرمنوتیک در قرآن کریم / محمد جواد پیشوایی / ۳۶

جلسات قرآن را احیا کنیم / ۴۳

جام ظهور / گفت و گو با حجة الاسلام حقیقت / ۴۴

کتیبه / معرفی کتاب / ۴۸

برنامه درسی آشنایی با مفردات قرآن کریم / یونس باقری / ۵۰

شهدا سند استقلال کشورند / ۵۵

گزارش نشست هم اندیشی مجلات رشد و برنامه درسی ملی / ۵۶

تکلم به قرآن / ۶۰

تشکل های قرآنی کشور / ۶۳

## قابل توجه نویسندگان و پژوهشگران:

مجله ی رشد آموزش قرآن، نوشته ها و گزارش تحقیقات پژوهشگران و متخصصان تعلیم و تربیت به ویژه معلمان دوره های مختلف را در صورتی که در نشریات عمومی درج نشده و مرتبط با موضوع مجله باشد، می پذیرد. لازم است در مطالب ارسالی، موارد زیر رعایت شود:  
چکیده ای از کل محتوای ارسال شده حداکثر در ۲۵۰ کلمه، همراه مطلب ارسال شود. پی نوشت ها و منابع کامل باشد و شامل نام اثر، نام نویسنده، نام مترجم، محل نشر، ناشر، سال انتشار و شماره ی صفحه ی مورد استفاده باشد. در متن های ارسالی تا حد امکان از معادل های فارسی واژه ها و اصطلاحات استفاده شود. اصل مقاله های ترجمه شده به پیوست آن، ارسال شود. نثر مقاله روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه های علمی و فنی دقت شود. شکل قرار گرفتن جدول ها، نمودارها و تصاویر به، پیوست در حاشیه ی مطلب مشخص شود. مطالب یک خط در میان و در یک روی کاغذ نوشته و در صورت امکان تایپ شود. مطالب مندرج در مجله، الزاماً مبین نظر دفتر انتشارات کمک آموزشی نیست و مسؤلیت پاسخگویی به پرسش های خوانندگان، با خود نویسنده یا مترجم است. مقاله های دریافتی در صورت پذیرش یا رد، بازگشت داده نمی شود. مجله در پذیرش، رد، ویرایش و یا تلخیص مقاله های رسیده مجاز است.



# مدرسه قرآن

هر سال تحصیلی پس از نه ماه تلاش و کوشش، با آمدن تابستان به پایان می‌رسد. تعطیلی مدارس و آغاز سفرهای تابستانی، هرگونه برنامه منظم و جدی را به‌ویژه در عرصه تعلیم و تربیت، به چالش می‌کشد. از سوی دیگر، مسئولان و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت درصدد آن هستند که با اتخاذ تدبیر، از بریده شدن ریشه فعالیت‌های آموزشی و پرورشی مانع شوند. از مرحوم شهید دکتر باهنر نقل است که مدرسه تعطیل می‌شود، ولی تعلیم و تربیت تعطیل نمی‌شود! هرچند فعالیت‌های آموزشی و پرورشی، پیوستگی کامل دارند، اما تداوم برنامه‌ها و فعالیت‌های پرورشی و عدم انقطاع آن‌ها، از ضرورت بیش‌تری برخوردار است.

تشکیل مدرسه قرآن از اقدامات قرآنی وزارت آموزش و پرورش در سال تحصیلی ۸۹-۹۰ بود. باید سعی شود از همه امکانات و فرصت‌های به‌دست آمده، برای توسعه و تعمیق فعالیت‌های قرآنی بهره‌جست. برخی از مدارس موفق به تأسیس مدرسه قرآن شده‌اند. سایر مدارس نیز باید با فراهم آوردن شرایط لازم، به تأسیس

این مدارس اقدام کنند. فرصت تابستان زمان خوبی است تا با توسعه کمی و کیفی فعالیت‌های این مدارس، دستاوردهای قرآنی آموزش و پرورش را ارتقا بخشیم. به این منظور، برخی از این فعالیت‌ها را که راه‌اندازی یا توسعه آن‌ها در مدرسه قرآن ممکن است، معرفی می‌کنیم.

۱. گردهمایی جمعی از دبیران و معلمان به منظور برنامه‌ریزی و مدیریت فعالیت‌های قرآنی در مدرسه قرآن

۲. ارائه برنامه‌های تابستانی به صورت روشن و مدون و ثبت نام از دانش‌آموزان علاقه‌مند و داوطلب

۳. توجه به تنوع و جذابیت لازم در برنامه‌ها و فعالیت‌های قرآنی مانند کلاس‌های آموزش قرائت، مفاهیم، حفظ، فعالیت‌های هنری قرآنی (داستان‌نویسی، شعر، نمایش‌نامه‌های قرآنی، نقاشی و...)

۴. تشکیل کتابخانه، نوارخانه و سایر ابزارهای صوتی و تصویری قرآنی  
۵. تشکیل کلاس‌های آموزش قرآن در رشته‌ها و سطوح گوناگون ویژه والدین، بخصوص مادران دانش‌آموزان

۶. تشکیل جلسات و محافل انس با قرآن کریم ویژه دبیران و معلمان علاقه‌مند در مدرسه و در خانه



# تاخیر پله پله

## ۴۰ توشه اخلاقی از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی

**۴. مثل آینه باشید:** عزیزان من! باید با قرآن انس پیدا کنید. زبان ما، زبان قرآن نیست. می‌توانیم به ترجمه قرآن مراجعه کنیم، اما عمق‌یابی مضامین قرآنی فقط با مراجعه به ترجمه حاصل نمی‌شود، با تدبر به دست می‌آید. با قرآن باید مثل آینه مواجه شد؛ پاکیزه، براق و بی‌زنگار، تا قرآن در دل ما منعکس شود.

**۵. از خدا بخواهید:** همه‌چیز حاجت را می‌شود از خدا خواست و باید خواست؛ حتی حاجت‌های کوچک. اما درخواست‌های خود را به این حاجت کوچک منحصر نکنید. حاجت بزرگ‌تری هست، آن‌ها را از یاد نبرید.

بزرگ‌ترین آن‌ها «مغفرت الهی» است. حاجت بزرگ دیگر «محبت الهی» است. حاجت بزرگ دیگر «اصلاح امور امت اسلامی» است.

**۶. برکت‌های دعا را بدانید:**

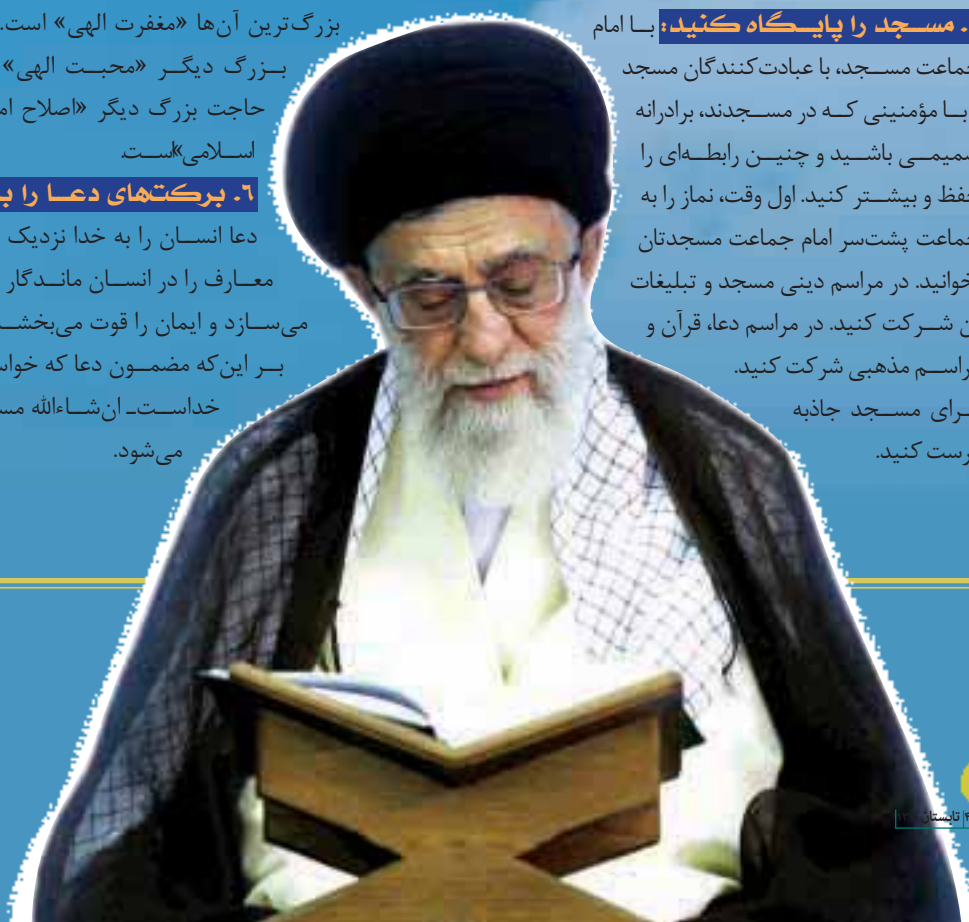
دعا انسان را به خدا نزدیک می‌کند، معارف را در انسان ماندگار و مؤثر می‌سازد و ایمان را قوت می‌بخشد. علاوه بر این که مضمون دعا که خواستن از خداست، ان‌شاءالله مستجاب می‌شود.

**۱. قدر جوانی را بدانید:** مهم‌ترین مظهر قدردانی از جوانی همین است که از این صفا و نورانیت و از این نالودگی و پیراستگی طبیعی انسان جوان، استفاده کنید و خود را در زمینه‌های تزکیه و اخلاق پیش ببرید. این موضوع ان‌شاءالله ذخیره همه زندگی شما خواهد شد.

**۲. یک ساعت برای خدا:** دعا کنید، نافله بخوانید، توجه پیدا کنید و متذکر باشید. در شبانه‌روز یک ساعت را برای خودتان و خدای خودتان قرار بدهید. با خدا و با اولیای خدا و با ولی عصر (عجل‌الله تعالی فرجه) مأنوس شوید. با قرآن مأنوس باشید و در آن تدبر کنید.

**۳. مسجد را پایگاه کنید:** با امام

جماعت مسجد، با عبادت‌کنندگان مسجد و با مؤمنینی که در مسجدند، برادرانه صمیمی باشید و چنین رابطه‌ای را حفظ و بیشتر کنید. اول وقت، نماز را به جماعت پشت‌سر امام جماعت مسجدتان بخوانید. در مراسم دینی مسجد و تبلیغات آن شرکت کنید. در مراسم دعا، قرآن و مراسم مذهبی شرکت کنید. برای مسجد جاذبه درست کنید.





## فرصت دعا را مغتنم بشمارید. خدای متعال این دعاها را مستجاب خواهد کرد و خواسته‌ها برآورده خواهند شد

### ۱۲. همه می‌توانید با خدا ارتباط برقرار کنید؛

همه مردم و بالخصوص جوانان عزیز، این ارتباطی را که به برکت این روزهای مبارک و شب‌های نورانی ماه رمضان با خدای متعال پیدا کرده‌اند، نگذراند قطع شود. این رابطه با خدا را حفظ کنید. وسیله حفظ این رابطه هم در اختیار همه هست. اگر همین نماز پنج‌گانه، با توجه و با حضور قلب خوانده شود، بهترین رابطه است و روزبه‌روز دل شما را نورانی‌تر خواهد کرد. آن جوان‌هایی که شب‌های قدر در مساجد، حسینیه‌ها و حرم‌های مطهر گرد هم آمدند، گریه کردند، دعا خواندند، قرآن سر گرفتند، احیا گرفتند و دل‌هایشان را با نور محبت الهی نورانی کردند، این رابطه را حفظ کنند، از آن بهره‌مند خواهند شد.

۱۳. اهل دعا باشیم؛ زمان را قدر بدانید. فرصت دعا را مغتنم بشمارید. خدای متعال این دعاها را مستجاب خواهد کرد و خواسته‌ها برآورده خواهند شد. جامعه ما اگر جامعه دعا و معنویت و تقوا باشد، بسیاری از مشکلات مادی آن هم قطعاً رفع خواهد شد.

۱۴. علامت بد را درک کنیم؛ نمی‌دانم روایت از معصوم (علیه‌السلام) است یا عبارتی غیر از معصوم. هر چه هست، عبارت حکمت‌آمیزی است. می‌گوید: «انا من ان اسلب الدعاء اخوف من ان اسلب الأجابة». از این که دعا از من گرفته شود، بیشتر می‌ترسم تا این که اجابت از من گرفته شود. گاهی حال دعا از انسان گرفته می‌شود. این علامت بدی است. اگر دیدیم در وقت دعا، در وقت تضرع و در وقت توجه و تقرب، هیچ نشاط و حوصله دعا نداریم، علامت خوبی نیست. البته می‌شود درستش کرد. انسان می‌تواند با توجه با التماس و با خواستن، حال دعا را به‌طور جدی از خدا بگیرد.

### ۱۵. در دعا هرچه می‌خواهد دل تنگت بگو؛

در روایات آمده است، وقتی برای حاجاتی دعا می‌کنید، دعا و خواسته خود را زیاد ندانید. یعنی هرچه مایل هستید و از خدا می‌خواهید، از خدا طلب کنید. نگویید این زیاد است، کمتر بخواهم تا بشود. در امید به دعا را به روی خودتان

۷. هر روز و هر روز قرآن بخوانید؛ هر روز حتماً قرآن بخوانید؛ هر مقداری می‌توانید. آن‌هایی که ترجمه قرآن را می‌فهمند، با تدبیر به ترجمه نگاه کنند. آن‌هایی که ترجمه قرآن را نمی‌فهمند، یک قرآن با ترجمه خوب که الحمدلله زیاد هم داریم کنار دستشان بگذارند و به ترجمه آن نگاه کنند. ممکن است ده دقیقه صرف وقت کنید و یک یا دو صفحه بخوانید، اما هر روز بخوانید.

۸. بگذارید قرآن در ذهنتان حک شود؛ قرآن یک اقیانوس عظیم است. هر چه بیش‌تر جلو بروید، تشنه‌تر و علاقه‌مندتر می‌شوید و دل شما روشن‌تر می‌شود. در قرآن باید تدبیر کرد. من باز هم از شما جوانان خواهش می‌کنم که با معانی قرآن انس پیدا کنید و ترجمه آن را بفهمید. بگذارید این مفاهیم در ذهن جوان شما حک شوند.

۹. هنوز از تدبیر در قرآن فاصله داریم؛ قرآن کتاب نور، کتاب معرفت، کتاب نجات، کتاب سلامت، کتاب رشد و تعالی و کتاب قرب به خداست. ما این خصوصیات را چه وقت از قرآن به دست می‌آوریم، برادران عزیز! همین که قرآن را در جیبمان بگذاریم کافی است؟ این که هنگام سفر، از زیر قرآن رد شویم کافی است؟ این که حتی قرآن را با صدای خوش تلاوت کنیم، یا تلاوت خوش را بشنویم و از آن لذت ببریم، کافی است؟ نه، چیز دیگری لازم دارد. آن چیست؟ آن تدبیر در قرآن است.

۱۰. بازگشت به خدا کنید؛ نباید گناه را کوچک دانست. در روایات، باب «استحقار الذنوب» داریم که در آن، حقیر شمردن گناهان را مذمت کرده‌اند. علت این که خدای تعالی می‌فرماید: «می‌آموزیم»، این است که بازگشت به خدا، خیلی مهم است. نه این که گناه کم و کوچک است، گناه، عمل بسیار خطرناکی است. منتها بازگشت و توجه به خدا و ذکر او، این قدر اهمیت دارد که اگر کسی آن را صادقانه و درست و حقیقی انجام دهد، آن وقت آن بیماری صعب‌العلاج از بین می‌رود.

۱۱. حضور قرآن در ذهن نعمت است؛ شما جوانان و نوجوانانی که قرآن را فرا می‌گیرید، این را بدانید که یک ذخیره مادام‌العمر برای اندیشیدن و فکر کردن را برای خودتان فراهم می‌کنید. به موازات بالا رفتن سطح معلومات و پیشرفت علمی، از آیات قرآن که در حافظه و ذهن شما قرار دارد، بیشتر استفاده می‌کنید. حضور قرآن در ذهن انسان، نعمت بسیار بزرگی است. انس با قرآن در دوران کودکی و نوجوانی تا دوران جوانی، یک نعمت بسیار بزرگ است.

## در دعا همت بلند داشته باشید. درخواستهای بزرگ بکنید. سعادت دنیا و آخرت را بخواهید. برای خدای متعال اینها چیزی نیست

دعا چندبار تکرار گردید و مستجاب نشد، نباید مأیوس شد؛ به خصوص در مسائل بزرگ، به خصوص در مسائل مربوط به سرنوشت انسان و سرنوشت کشور و سرنوشت ملت‌ها. چون گاهی طبیعت کارهای بزرگ چنین است که تحققش زمان می‌طلبد.

**۲۰. شب نیمه شعبان را به خاطر بسپار:** یکی از مهم‌ترین روزهای سال، روز نیمه شعبان است که هم مصادف با ولادت ذی‌جود و مسعود حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) شده است و هم شب و روز نیمه شعبان - قطع نظر از ولادت این بزرگوار در این شب و روز - از لیالی و ایام متبرکانه. شب نیمه شعبان شب بسیار متبرکی است. تالی تلو لیالی قدر و دقت، توجه، تذکر و توسل به ذیل عنایات باری تعالی و طلب و درخواست است. اعمال و ادعیه‌ای هم دارد که اگر موفق شده‌اید و آن‌ها را انجام داده‌اید، ان شاء الله مشمول قبول پروردگار باشد.

**۲۱. امیدوار باشیم:** مردم ما، جوان‌های ما، زن و مرد ما با این شب‌ها حقیقتاً قصد پالایش خود را دارند. دل‌ها نرم می‌شود. روزه هم کمک کرده است. ما باید امیدوار باشیم، دعا کنیم و بکوشیم از این شب‌ها برای عروج معنوی خود استفاده کنیم. چون نماز، معراج و وسیله عروج مؤمن است. دعا هم معراج مؤمن است. شب قدر هم معراج مؤمن است. کاری کنیم که عروج کنیم و از مزبله مادی که بسیاری از انسان‌ها در سراسر دنیا اسیر و دچار آن هستند، هرچه می‌توانیم، خود را دور کنیم.

**۲۲. توکل کن:** در راه‌های طولانی، گاهی انسان قوه هم دارد، زانو و پاها اصلاً خسته نشده‌اند، اما آدم از حرکت، خسته روحی می‌شود. این خستگی روحی، انسان را از رسیدن به اهداف بازمی‌دارد. برای این که خستگی روحی پیش نیاید - که از خستگی جسمی گاهی خطرش هم بیشتر است - استمداد از پروردگار، توکل به خدا و امیدواری به کمک الهی لازم است.

**۲۳. برای رسیدن به خدا خودسازی و اخلاص داشته باش:** اولین و مهم‌ترین قدم خودسازی این است که انسان به خود و به اخلاق و رفتار خود با نظر انتقادی نگاه کند. عیوب خود را با روشنی و دقت ببیند و سعی در برطرف کردن آن‌ها داشته باشد. یکی از ویژگی‌هایی که برای خودسازی بسیار مهم است، «اخلاص» است. اخلاص عبارت است از کار را خالص انجام دادن و این که کار را معشوش انجام ندهیم. خالص بودن عبادت و خالص بودن عمل، این است که برای خدا باشد. بسیاری از عبادات یا اغلب عبادات، و روایاتی که بین خود انسان و کارهای نیک است، باید بین خود انسان و خدا بماند.

نبندید. البته باز در روایات دارد: «لنهی من الاستعجال فی الدعاء.» یعنی در دعا عجله نکنید. اگر چیزی را خواستید و برآورده نشد، نگویید که خدای متعال دعای مرا مستجاب نکرد، نه «الامور مرهونه باوقاتها.»

**۱۶. همت بلنددار:** در دعا همت بلند داشته باشید. درخواست‌های بزرگ بکنید. سعادت دنیا و آخرت را بخواهید. برای خدای متعال اینها چیزی نیست. عمده این است که شما به معنای حقیقی کلمه و با همین شرایط، طلب کنید. خدای متعال این طلب را اجابت خواهد کرد. گاهی هم انسان نمی‌داند کاری که انجام گرفت، اجابت دعای او بوده. خود انسان غافل است.

**۱۷. دعا، نقدترین دستاورد است:** دعا مخصوص وقت گرفتاری نیست، همیشه باید دعا کرد. بعضی خیال می‌کنند وقتی گرفتاری و بلا و مصیبتی بود، باید دعا کرد. به تعبیر یکی از روایات، صدای خود را برای فرشتگان در ملکوت اعلا آشنا کنید. دعا همیشه لازم است. بزرگ‌ترین فایده‌های دعا، ایجاد رابطه با خدای متعال و احساس محبت و شوق به تقرب با پروردگار عالم است.

**۱۸. باز بخواهید و بخواهید:** یکی از شرایط استجابات دعا این است که آن را با توجه مطرح کنیم. گاهی لقلقه زبان، جملاتی چون «خدایا ما را بیامرز»، «خدایا به ما سعه رزق بده» و «خدایا قرض ما را ادا کن» است. ده سال انسان این گونه دعا می‌کند، اصلاً مستجاب نمی‌شود. باید تضرع کنید و جدی بخواهید. باید از خدای متعال با الحاح بخواهید، باز بخواهید و باز بخواهید. در این صورت البته خدای متعال دعاها را مستجاب خواهد کرد.

**۱۹. عمل و تلاش اقبال و استجابات دعا را بیشتر می‌کند:** در دعا، طلب کردن و خواستن از خدای متعال و حقیقتاً مطالبه کردن لازم است. این دعا مستجاب می‌شود. اگر عمل و تلاش در راه اهداف بزرگ همراه این دعا باشد، اقبال و استجابات این دعا واقعاً بیشتر است. اگر دیده شد که یک

## بزرگترین عذاب خدا بر یک ملت این است که آن ملت غافل بشوند. بدترین درد برای یک جامعه، غفلت آن جامعه است. از خدا غافل نشویم

به درگاه پروردگار، با دعا، با توجه، با تربیت و تهذیب نفس، با تقویت اخلاق، با عبادت و با توسل از پیش پا بردارید. اگر دل ما سالم نباشد، نمی‌توانیم دنیای سالمی درست کنیم. اگر در درون خودمان معیوب باشیم، نمی‌توانیم عیب جامعه و جهان را برطرف کنیم. نماز با توجه، انس با قرآن، دعا و توسل، تضرع، روزه ماه رمضان و عبادات نیمه شعبان، مخصوصاً برای جوانان که تأثیرپذیری‌شان زیاد است، می‌تواند مذهب نفس باشد.

**۲۰. بدترین درد غفلت است؛** برادران غفلت نکنیم. بزرگ‌ترین عذاب خدا بر یک ملت این است که آن ملت غافل بشوند. بدترین درد برای یک جامعه، غفلت آن جامعه است. از خدا غافل نشویم.

**۲۱. کلید موفقیت، توجه و خشوع است؛** وقتی نماز جماعت می‌خوانید، نماز شما باید همراه با توجه به پروردگار و خشوع در مقابل او باشد. وقتی اعتکاف می‌کنید، وقتی روزه می‌گیرید، وقتی اجتماعات مذهبی تشکیل می‌دهید، باید همراه با توجه به خدای متعال و همراه با اخلاص باشد. کلید موفقیت این‌هاست.

**۲۲. بالاترین خطر غفلت است؛** اگر بخواهیم استغفار- این نعمت الهی- را به دست بیاوریم، دو خصلت را باید از خودمان دور کنیم؛ یکی غفلت و دیگری غرور. غفلت یعنی انسان به کلی متوجه و متنبه نباشد که گناهی سر می‌زند. غفلت، دشمن بسیار عجیب و خطر بزرگی است. شاید واقعاً برای انسان هیچ خطری بالاتر و هیچ دشمنی بزرگ‌تر از غفلت نباشد.

**۲۳. تمرین مراقبت کنید؛** توصیه من این است که در این سه روزی که شما [در حال اعتکاف] در مسجد هستید، تمرین مراقبت از خود بکنید، حرف که می‌زنید، غذا که می‌خورید، معاشرت که می‌کنید، کتاب که می‌خوانید، فکر که می‌کنید، نقشه که برای آینده می‌کشید، در همه این‌ها مراقب باشید. رضای الهی و خواسته الهی را بر هوای نفستان مقدم بدارید. تسلیم هوای نفس نشوید. تمرین این چیزها در این سه روز می‌تواند درسی باشد برای

**۲۴. طبیب خود باشیم؛** طبیب خودتان باشید. بهترین کسی که می‌تواند بیماری ما را تشخیص دهد، خودمان هستیم، بیاورید روی کاغذ بنویسید «حسد»، بنویسید «بخل»، بنویسید «بدخواهی برای دیگران (وقتی کسی به خیری می‌رسد، ما ناراحت می‌شویم)»، بنویسید «تنبلی در کار»، بنویسید «روح بدبینی به نیکان و صالحان»، بنویسید «بی‌اعتنائی به وظایف»، بنویسید «علاقه به خود «شدیداً به خودمان علاقه داریم». ماه رمضان فرصتی است تا یکی یکی این بیماری‌ها را تا آن جایی که بشود، برطرف کنیم.

**۲۵. پولادین خواهید شد اگر...؛** در درجه اول جوان دانشجو و دانش‌آموز باید خودسازی کند. خودتان را با تربیت دینی بسازید. امور تربیتی خوب است. معلم تربیتی خوب است. گوینده تربیتی خوب است. اما آن کسی که از درون خود، موعظه‌کننده و تربیت‌کننده‌ای نداشته باشد- واعظ من نفسه- این تربیت‌ها به کارش نمی‌آید. خودتان را بسازید. با نفس مبارزه کنید. اجرای حکم الهی را در محدوده شخص خودتان بزرگ شمارید و به نماز، به توجه به خدا، به دعا و به توکل اهمیت بدهید. این شما را پولادین خواهد کرد.

**۲۶. خاکریزهایتان را محکم کنید،** مراقب باشید و مواظب باشید. خاکریزهایتان را محکم کنید تا دشمن نتواند در سنگرهای شما نفوذ کند، با روحیه ایمانی و استوار است که می‌توانید شاخ استعمار را بشکنید و اسلحه را از دستش بگیرید تا ملتتان بتواند نفس بکشد. تا بتوانید کشور را بسازید.

**۲۷. شکستن بت‌های درون لازم است؛** ما باید سعی کنیم که روح بندگی را در خودمان زنده نماییم. بندگی، یعنی تسلیم در مقابل خدا، یعنی شکستن آن بتی که در درون ماست. اگر ما بتوانیم این من درونی، این هوای نفس، این فرعون باطنی، این شیطان را که در درون ماست، مهار کنیم، یا اقلاً قدری مهار کنیم، همه امور اصلاح خواهد شد.

**۲۸. حتی بند کفش را هم از خدا بخواهید؛** چیزی را که خدا می‌دهد، قبلاً باید از خدا بخواهیم. چرا بخواهیم؟ که به حوائج و عجز و حقارت و تهی‌دستی خودمان توجه پیدا کنیم. اگر خدای متعال کمک نکند، همان بند کفش هم به دست ما نخواهد رسید. هر چیز را از خدا بخواهید، حتی بند کفش را؛ حتی کوچک‌ترین اشیا را و قوت روزانه خود را.

**۲۹. موانع درونی را بردارید؛** راه برای ما روشن است. موانع راه هم برای ملت ایران روشن است. باید این موانع را بردارید؛ هم موانع درونی و هم موانع بیرونی را. موانع درونی را باید با تضرع





علویات- که آن هم با ذکر و دعا حاصل خواهد شد- ممکن نمی‌شود. ماه رمضان فرصت این عروج معنوی است.

**۳۷. ما عزیزتر نیستیم:** من و شما پیش خدای متعال عزیزتر نیستیم از کسانی که قبل از ما بودند و از کسانی که بعد از ما خواهند آمد، مگر این که عملمان خوب باشد، تقوایمان بیشتر از آن‌ها باشد. این را توجه داشته باشید، اگر تقوای بیشتری به خرج دادیم، از خودمان بیشتر مراقبت کردیم، بهتر کار کردیم، بهتر به وظایفمان عمل کردیم، به قانون بیشتر احترام گذاشتیم و در جهت این اهداف، بیشتر پیش رفتیم، پیش خدای متعال عزیزتر خواهیم بود.

**۳۸. فقط صورت‌سازی نباشد:** در مراسم مذهبی، به روح مراسم توجه کنید. فقط صورت‌سازی نباشد، انسان شعری بخواند، اشکی بگیرد یا بریزد. روح دعا و نماز عبادت است از ارتباط با خدا، آشنا شدن با خدا، بهره بردن از معنویت، پاکیزه کردن و پیراستن روح و پالایش کردن ذهن از وسوسه‌ها. نماز را با توجه و اول وقت بخوانید. تحجر بد است. فکر نکردن در لایه‌های زیرین ظواهر، عیب بزرگی است. مواظب باشید به این عیب دچار نشوید.

**۳۹. هم‌پای دانایی حرکت کنید:** توصیه می‌کنم که به عمق‌ها توجه کنید و آن را بطلبید. از ظواهر هم دست نکشید. این خطاست که کسی خیال کند یا توهم کند که باید باطن را درست کرد، ظاهر مهم نیست. نه خیر. همین ظاهر، انسان را به وادی‌های گوناگون می‌کشاند. ظاهر دینی، همین مجالس دعا، همین مجالس توسل به ائمه اطهار علیهم‌السلام، لازم است. منتها همه این‌ها را با دانایی همراه کنید.

**۴۰. ذکر و توبه را فراموش نکنید:** ذکر یعنی یاد. یاد در مقابل غفلت است. غفلت از خدا. غفلت از وظیفه و مسئولیت، غفلت از هنگام حساس مواجهه با مأموران الهی در عالم ملکوت. عالم بعد از عبور از جسمانیت و محاسبه بزرگ انسان در مقابل خدا در قیامت. این یادها تعیین‌کننده است. (...) نکته دیگر توبه است. ممکن است کسی بگوید ما که جوانیم و هنوز عمری از ما نگذشته که مثل شما گناه زیادی کرده باشیم و محتاج توبه باشیم. نه، این درست نیست. توبه وظیفه همیشگی انسان است. پاک‌ترین انسان‌ها هم باید توبه کنند.

خود آن عزیزان و برای ماها که این‌جا نشستیم و با غبطه نگاه می‌کنیم به حال جوانان عزیزمان که در حال اعتکاف هستند.

**۳۴. منتظران حقیقی آماده شوند:** بزرگ‌ترین وظیفه منتظران امام زمان این است که از لحاظ معنوی و اخلاقی و عملی و پیوندهای دینی و اعتقادی و عاطفی، با مؤمنین و هم‌چنین برای پنجه در افکندن با زورگویان، خود را آماده کنند. کسانی که در دوران دفاع مقدس، سر از پا نشناخته، در صفوف دفاع مقدس شرکت می‌کردند، منتظران حقیقی بودند. کسی که وقتی کشور اسلامی مورد تهدید دشمن است، آماده دفاع از ارزش‌ها و میهن اسلامی و پرچم برافراشته اسلام است، می‌تواند ادعا کند که اگر امام زمان بیاید، پشت سر آن حضرت در میدان‌های خطر قدم خواهد گذاشت. کسی که در انتظار آن مصلح بزرگ است، باید در خود زمینه‌های صلاح را آماده سازد و کاری کند که بتواند برای تحقق صلاح بایستد.

**۳۵. مبارک خواهد شد، اگر:** فرصت روزه و امساک و فضای عبادت و معنویت را قدر بدانیم و قدری خودمان را به خدا نزدیک کنیم. از گناهان دوری کردن، به قربات و اعمال عبادی هرچه نزدیک‌تر شدن، اخلاق و رفتار و صفات و خصال انسانی را هرچه بیشتر در خود زنده و فعال کردن، اموری است که در این راه می‌تواند حقیقتاً برای هر کسی و برای هر مجموعه‌ای مایه برکت باشد. قدری در هدف از خلقت خود، در آفرینش خود و در وظایف عظیمی که بر دوش ماست، تأمل و تدبر کنیم. آن وقت ماه رمضان حقیقتاً ماه مبارکی خواهد شد.

**۳۶. روحانیت بیش از دیگران احتیاج دارد:** علاوه بر این که هر فرد مسلمانی احتیاج دارد به این که در این ماه توشه تقوا و پرهیزگاری و تهذیب و تزکیه را برای خود فراهم کند، ما روحانیون، بیشتر از دیگران به این معنا احتیاج داریم. به قول آن عارف معروف که می‌گوید: این جان شما، معارف شما، نصایح شما، بلکه خود قلب و روح شما، همان ماء طهوری است که ناپاکی‌ها را از انسان می‌زداید، اما خود این ماء طهور به تدریج به تصفیه و تزکیه احتیاج پیدا می‌کند و تزکیه و تصفیه آن، جز با یک عروج معنوی، جز با یک گردش معنوی به سمت





## اوفوا بعهدی اوف بعهدکم

بقره ۴۰/

### نتیجه نمی‌گیرم

شخصی حضور امام صادق (ع) مشرف شد و گفت: «در قرآن دو آیه هست که من طبق دستور آن دو آیه عمل

می‌کنم، ولی نتیجه نمی‌گیرم.»

امام صادق (ع) فرمود: «آن دو آیه کدام است؟»

او عرض کرد:

«۱. ادعونی استجب لکم (بخوانید مرا که من دعای شما را مستجاب می‌کنم) [مؤمن/ ۴۰].

۲. و ما انفقتم من شیء فهو یخلفه و هو خیر الرازقین (و هر چیزی را که در راه خدا انفاق کنید، خدا جای آن را پر

می‌کند و او بهترین روزی‌دهندگان است) [سبأ/ ۳۹].

من دعا می‌کنم، ولی دعایم به استجابت نمی‌رسد، و انفاق می‌کنم، ولی عوضش را نمی‌بینم.»

امام صادق (ع) در مورد آیه اول فرمود: «آیا فکر می‌کنی که خداوند از وعده خود تخلف کند؟»

او عرض کرد: «نه.»

فرمود: «پس علت عدم استجابت دعا چیست؟»

او عرض کرد: «نمی‌دانم.»

امام فرمود: «ولی من به تو خبر می‌دهم، کسی که اطاعت خدا کند در آن چه امر به دعا کرده، و جهت دعا را رعایت

کند، دعایش اجابت خواهد شد.»

او عرض کرد: «جهت دعا چیست؟»

امام فرمود: «نخست حمد خدا کنی، نعمت او را یادآور شوی و شکر کنی. بعد درود بر پیامبر (ص) فرستی. سپس

گناهانت را به خاطر آوری و اقرار کنی و از آن‌ها به خدا پناه ببری و توبه نمایی. این است جهت دعا.

و اما در مورد آیه دوم، آیا فکر می‌کنی خداوند خلف وعده می‌کند؟

او عرض کرد: «نه.»

امام فرمود: «پس چرا جای انفاق پُر نمی‌شود؟»

او عرض کرد: «نمی‌دانم.»

امام فرمود: «اگر کسی از شما مال حلالی به دست آورد و در راه حلال انفاق کند،

هیچ دره‌می را انفاق نمی‌کند، مگر این‌که خدا عوضش را به او خواهد داد.

پس شرط نتیجه‌گیری از انفاق، به دست آوردن مال از راه حلال و هم‌چنین، انفاق

آن در راه حلال است.»\*

\* اصول کافی، ج ۲، ص ۴۸۶

## اشاره

مبانی فهم و تفسیر، از عناوین جدید در مباحث قرآن پژوهی است. استاد شهید مطهری همان طور که در بسیاری از علوم اسلامی تخصص و تبحر کافی داشت، در مباحث تفسیر و علوم قرآنی نیز از دانشمندان صاحب نظر بود؛ ولی عمر شریف وی اجازه نداد تا کتابی مستقل در مباحث برون قرآنی یا تفسیری به طور کامل به نگارش درآورد.

استاد مباحث برون قرآنی را به طور گذرا و خلاصه، با عنوان «شناخت قرآن» مطرح کرده است که برخی از موضوعات آن با عنوان مبانی فهم و تفسیر ارائه می شود. مبانی فهم و تفسیر قرآن، به مباحثی بنیادی و زیرساختی می گویند که زمینه های دست یابی به مراد خداوند را فراهم می سازد.

مبانی صدور، به صدور قرآن مجید از ناحیه ذات اقدس حق تعالی و مبانی دلالتی به فرایند فهم مراد خداوند مربوط اند. استاد شهید، مبانی اول را اصالت انتساب و مبانی دوم را اصالت مطالب و معارف قرآن نامیده اند که از این رهیافت به اصل دیگری، یعنی الهی بودن قرآن به عنوان معجزه ای جاوید می توان دست یافت. برخی از این دلایل را در شماره قبل ملاحظه کردید و اینک ادامه آن در پیش روی شماست.

## ۴. وجود آیات متشابه و محکم در قرآن

این موضوع اگرچه از دلایل تفسیر قرآن به قرآن است، ولی به عنوان یک مبنا و اساس در فهم آیات و تفسیر آیات قرآن قابل طرح است. کسی که می خواهد قرآن را خوب بفهمد و خوب تفسیر کند، باید از آیات محکم، برای فهم متشابهات استفاده کند. چنان که خود قرآن، آیاتش را بر دو قسم نموده است؛ یکی محکمت که آن ها اصل و مادر هستند، و دیگری متشابهات: «منه آیات محکمت هنّ امّ الكتاب و آخر متشابهات» [آل عمران/ ۷].

مفهوم ام بودن (هنّ ام الكتاب) مرجعیت محکمت برای متشابهات را روشن می سازد؛ به این معنا که محکمت، مبین متشابهات و برطرف کننده تشابه و ابهام آن هاست [علامه طباطبایی، ۱۳۹۱ ق، ج ۳: ۴۳]. بنابراین، اگر جایی از قرآن (مانند آیات متشابه) برای انسان قابل فهم نبود، باید در جای دیگری از قرآن به دنبال آن بود. این مبنا در آموزه های ائمه اطهار (علیهم السلام) نیز، با صراحت بیان شده است. امام رضا (ع) می فرماید: «من ردّ متشابه القرآن الی محکمه هدی الی صراط مستقیم»: کسی که متشابهات قرآن را به محکمت آن برگرداند، به راه راست هدایت شده است [علامه مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۹۳: ۳۷۷].

علامه طباطبایی رحمت الله علیه پس از بیان روایاتی درباره تفسیر متشابهات می نویسد: از روایات، همان مطلبی که ما بیان کردیم، یعنی ارجاع متشابهات به محکمت



# مبانی فهم و تفسیر قرآن از نگاه شهید مطهری

دکتر حسین علوی مهر

عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه

بخش دوم و پایانی



استفاده می‌شود و تشابه در متشابهات قابل رفع است؛ چرا که محکمت می‌تواند متشابهات را تفسیر کنند [علامه طباطبایی، ۱۳۹۱ ق، ج ۳: ۶۸]. استاد شهید این آیه را روش قرآن‌شناسی و شناخت روش قرآن می‌دانند [مطهری، ۱۳۷۵، ج ۳: ۱۳۳].

در جای دیگر استاد شهید می‌نویسد: قرآن برای جلوگیری از مشتبه شدن آن معانی شامخ و عالی با معانی مادی می‌گوید: متشابهات را به محکمت ارجاع کنید. سپس در توضیح آیه‌ی فوق می‌نویسد: برخی آیات آن محکم هستند؛ یعنی دارای چنان استحکامی هستند که نمی‌توان آن‌ها را از معنای خود خارج کرد و معانی دیگری را نتیجه گرفت. این آیات ام‌الکتاب، یعنی آیات مادرند؛ یعنی درست همان‌گونه که طفل به مادر رجوع می‌کند و مادر مرجع فرزند است و یا شهرهای بزرگ - ام‌القری - مرجع شهرهای کوچک محسوب می‌شوند، آیات محکم نیز مرجع آیات متشابه به حساب می‌آیند. آیات متشابه برای فهمیدن و تدبر کردن هستند؛ اما در آن‌ها، باید به کمک آیات محکم تدبر کرد. بدون کمک آیات مادر، آن‌چه که از آیات متشابه اخذ شود، درست و معتبر نخواهد بود [مطهری، ۱۳۷۵: ۲۴ و ۲۳].

استاد شهید ضمن تأکید بر تزکیه‌ی نفس و روشنائی قلب برای شناخت حقیقی قرآن، پرهیز از کارهای ناشایست را لازم می‌داند. هواپرستی‌ها و شهوت‌ها، روح انسان و جامعه را تیره و کدر می‌کند و کشش‌ها و گرایش‌های پاک را از انسان می‌گیرد. ایشان پس از ذکر آیاتی از جمله (آل عمران، ۸؛ بقره، ۷ و...) می‌نویسد: قرآن صریحاً عنوان می‌کند که آن عشق‌ها و ایمان‌ها و بینش‌ها و گرایش‌های متعالی و آن اثرگذشتن‌های قرآن و پندپذیری از آن و... همه بستگی به این دارد که انسان و جامعه‌ی انسانی از ذالت‌ها و دنائت‌ها و هواپرستی‌ها و شهوت‌رانی‌ها دور بماند [مطهری، ۱۳۷۵، ج ۱: ۶۴ و ۶۳].

در جای دیگر می‌افزاید: عامل مؤثر دیگر در ایجاد خطا که قرآن از آن یاد می‌کند، پیروی از هوای نفس و تمایلات نفسانی و داشتن غرض و مرض است و به قول مولوی:

چون غرض آمد هنر پوشیده شد

صد حجاب از دل به سوی دیده شد

در هر مسئله‌ای، تا انسان خود را از شر اغراض بی‌طرف نکند، نمی‌تواند صحیح فکر کند؛ یعنی عقل در محیطی می‌تواند درست عمل کند که هوای نفس در کار نباشد [مطهری، ۱۳۷۵، ج ۱: ۵۷]. ایشان می‌افزاید، در زمان ما

نیز استعمار هر جا که پا می‌گذارد، روی همان موضوعی تکیه می‌کند که قرآن درباره‌اش هشدار داده است. یعنی می‌کوشد تا دل‌ها را فاسد کند دل که فاسد شد، دیگر از عشق کاری بر نمی‌آید [همان، ص ۶۵].

### ۵. دوری از گمان در تفسیر

شرح و توضیح کلام خداوند، با امور ظنی و احتمالی، از مصادیق سخن گفتن بدون علم درباره‌ی قرآن است که احتمال تفسیر به رأی و شبهه‌ی «افتراء علی‌الله» در آن وجود دارد. قرآن کریم به این نکته توجه کرده است و هشدار می‌دهد: «و لا تقف ما لیس لک به علم» [اسراء/ ۳۶]: از چیزی که به آن علم نداری، پیروی مکن. امام صادق (ع) از پدران رسول خدا (ص) نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: از ظن دوری کن؛ زیرا اعتماد بر ظن و گمان، اعتماد بر دروغ‌ترین دروغ‌هاست [حر عاملی، ج ۱۸: ۳۸].

## یکی از عوامل مؤثر در ایجاد خطا که قرآن از آن یاد می‌کند، پیروی از هوای نفس و تمایلات نفسانی و داشتن غرض و مرض است

### ۶. جهان‌بودن قرآن

بدون تردید، یکی از اصول و راه‌های فهم صحیح قرآن این است که قرآن کریم را مختص به مردم قریش یا حجاز یا یک منطقه مانند عربستان ندانیم. اگر این مبنای فکری هر مفسر یا اندیشمند باشد، هرگز دچار لغزش‌های بزرگ مانند تأثیر قرآن از فرهنگ قوم و اختصاص داشتن برخی از معارف و احکام آن به همان قوم و سرایت ندادن به دیگر ملت‌ها نخواهد شد. به همین سبب، قرآن کریم مطالب خود را برای همه‌ی جهانیان می‌داند و رسالت پیامبر اکرم را رسالت جهانی و همه‌ی مردم را مخاطب خود می‌داند.

استاد شهید می‌نویسد: یکی دیگر از نکاتی که در شناخت تحلیلی می‌باید از قرآن استنباط کرد، تعیین

نمی‌گوید که مثلاً صرفاً برای تأمین منافع فلان طبقه آمده است. مثلاً نمی‌گوید: تنها و تنها هدفش حمایت از طبقه‌ی کارگران است یا پشتیبانی از طبقه‌ی کشاورزان. قرآن در مورد خودش تأکید می‌کند که کتابی است برای برقراری عدالت [مطهری، ۱۳۷۵، ج ۱: ۱۴۴].

#### ۷. جاودانگی قرآن

قرآن کریم آخرین کتاب آسمانی برای هدایت بشر است. از این رو، باید قوانین آن به صورتی باشد که تا روز قیامت، بتواند نقش هدایت‌گری را برای فرد و جامعه ایفا کند. لازمه‌ی این کار، برخوردار بودن از احکام جاودانه و انطباق با زمان‌های حال و آینده و نیز برخورداری از باطنی عمیق است. امام باقر(ع) می‌فرماید: اگر این طور باشد که وقتی آیه‌ای درباره‌ی قومی نازل شد، پس از آن که آن قوم مردند آیه نیز بمیرد، چیزی از قرآن باقی نمی‌ماند، ولی قرآن کریم تا آسمان و زمین هست، جاری است [عیاشی، ۱۳۸۰، ق، ج ۱: ۱۱].

استاد مطهری شناخت قرآن را از این جهت بسان شناخت طبیعت می‌داند که رازهایی در هر دو وجود دارد که حل نشده است و در آینده حل خواهد شد. ایشان می‌نویسد: قرآن نیز چون طبیعت، کتابی است که برای یک زمان نازل نشده است. اگر غیر از این بود، همه‌ی رازهای قرآن کشف می‌شد و این کتاب آسمانی جاذبه، تازگی و اثربخشی خود را از دست می‌داد. حال آن که استعداد تدبیر و تفکر و کشف جدید همیشه برای قرآن هست و این نکته‌ای است که پیامبر و ائمه آن را توضیح داده‌اند. در حدیثی از پیامبر نقل شده است که فرمودند: مثل قرآن، مثل خورشید و ماه است و مثل آن دو همیشه در جریان است؛ یعنی ثابت و یکنواخت نیست و یک‌جامیخکوب نمی‌شود. نیز فرمود: قرآن ظاهرش زیبا و باطنش ژرفاست (ظاهره اَنیق و باطنه عمیق). «در عیون اخبار الرضا» از قول امام رضا(ع) نقل شده است که از امام جعفر صادق (ع) پرسیدند: چه سرتی است که قرآن هرچه زمان بیشتری بر او می‌گذرد و هرچه بیشتر تلاوت می‌شود، بر طراوت و تازگی‌اش افزوده می‌گردد؟ امام فرمود: «لان القرآن لم ينزل لزمان دون زمان و لناس دون ناس». برای این که قرآن تنها برای یک زمان و نه زمان دیگر و برای یک مردم و نه مردم دیگر نازل نشده، بلکه برای همه‌ی زمان‌ها و همه‌ی مردم نازل شده است. فرود آورنده، آن را طوری ساخته است که در هر زمان با وجود همه‌ی اختلاف‌هایی که در طرز فکر و معلومات و وسعت اندیشه‌ها به چشم می‌خورد، باز هم بر زمان‌ها و افکار پیشی گیرد. در عین حال که در هر

و تشخیص مخاطبان قرآن است. در قرآن تعبیراتی نظیر «هدی للمتقین» و «هدی و بشری للمؤمنین» زیاد آمده است. این جا می‌توان سؤال کرد که هدایت برای پرهیزگاران لزومی ندارد، زیرا آن‌ها خود پرهیزگارند. از سوی دیگر در قرآن می‌بینیم که خود را چنین معرفی می‌کنند: «إن هو إلا ذکر للعالمین و لتعلمن نبأه بعد حین» [ص، ۸۷]: این قرآن نیست، مگر مایه‌ی بیداری همه‌ی جهانیان و خیرش را بعد خواهید شنید.

این آیه از آیات عجیب قرآن است. در هنگام نزول آیه، پیامبر در مکه بود و در واقع با اهل یک دهکده گفت‌وگو می‌کرد. برای مردم مضحک بود که فردی تنها، با این اطمینان بگوید که خبر این آیه را بعد خواهید شنید؛ به زودی خواهید شنید که این کتاب در اندک مدت با جهانیان چه خواهد کرد [مطهری، ۱۳۷۵، ج ۱: ۴۳].

باز در آیه‌ی دیگر، پروردگار سبحان خطاب به پیامبر

**استاد مطهری شناخت قرآن را از این جهت بسان شناخت طبیعت می‌داند که رازهایی در هر دو وجود دارد که حل نشده است و در آینده حل خواهد شد**

می‌گوید: «و ما أرسلناک إلا رحمة للعالمین» [انبیا/ ۱۰۷]: ما تو را نفرستادیم، مگر آن که رحمتی برای همه‌ی عالمیان هستی.

آیاتی که خطاب قرآن به همه‌ی مردم عالم است، در واقع می‌خواهد بگوید، قرآن به قوم و دست‌های خاصی اختصاص ندارد. هر کس به سمت قرآن بیاید، نجات پیدا می‌کند و اما در آیاتی که از کتاب هدایت بودن، برای مؤمنین و متقین نام می‌برد، می‌خواهد این نکته را روشن کند که در نهایت چه کسانی رو به سوی قرآن خواهند آورد و چه گروه‌هایی از آن دوری خواهند گزید. قرآن از قوم خاص و قبیله‌ی معینی به عنوان علاقه‌مندان و ارادتمندان خود یاد نمی‌کند. نمی‌گوید قرآن در تبول این یا آن قوم قرار دارد. قرآن برخلاف سایر مکاتب، انگشت روی منافع طبقه‌ای خاص نمی‌گذارد و





دوره، مجهولاتی برای خوانندگان در بردارد، اما آن قدر معانی و مفاهیم قابل درک و استناد نیز عرضه می‌کند که ظرفیت زمانه را اشباع می‌سازد [مطهری، ۱۳۷۵، ج ۱: ۳۰-۲۹].

استاد اساس جاودانگی قرآن را وجود قوانین ثابت و استوار می‌داند: اسلام ضمن اعلام ختم نبوت، جاویدان ماندن خویش را اعلام کرد. «حلال محمد حلال الی یوم القیامة و حرام محمد حرام الی یوم القیامة» [کلینی، ۱۴۰۸، ج ۲: ۱۷].

آن چیزی که همواره در تغییر و تحول است، ماده و ترکیبات مادی جهان است. قانون‌ها و نظام‌ها، خواه نظام‌های طبیعی و یا نظام‌های اجتماعی منطبق بر نوامیس طبیعت، مشمول این قانون نیستند. ستارگان و منظومه‌های شمسی پدید می‌آیند و پس از چندی فرسوده و فانی می‌گردند، اما قانون جاذبه هم‌چنان پابرجاست. گیاهان و جانوران به دنیا می‌آیند و زندگی می‌کنند و می‌میرند، ولی قوانین زیست‌شناسی هم‌چنان زنده است.

هم‌چنین است حال انسان‌ها و قانون زندگی آن‌ها. انسان‌ها از جمله شخص پیامبر می‌میرد، ولی قانون آسمانی باقی و ارزنده است.

مصطفی را وعده داد الطاف حق

گر بمیری تو، نمیرد این سبق [مطهری، ۱۳۷۵، ج ۳: ۷۷].

## ۸. وجود سطوح معانی و فهم قرآن

قرآن کریم کتابی است که برای هدایت عموم مردم نازل شده است. با وجود این، از چینش الفاظ، ساختار خاص، تعابیر و اصطلاحات دقیق، ژرفایی عمیق، لایه‌ها و سطوح‌های معانی برخوردار است. استاد شهید، با توجه به روایتی که «قرآن دارای عبارات، اشارات، لطایف و حقایق است»، قرآن کریم و فهم معانی آن را، درجه درجه و سطح به سطح می‌داند. یک سطح قرآن برای یک سطح از افکار و سطح دیگر برای سطح فکر بالاتری است [مطهری، ۱۳۷۵، ج ۴: ۵۵].

بنابراین، فهم‌های مختلفی می‌تواند برای قرآن وجود داشته باشد؛ یک فهم ظاهری و یک فهم عمیق. آن چه می‌تواند عامل مهم فهم برای دو سطح باشد، تدبر و اندیشیدن در آیات قرآن است. هم ظاهر قرآن و فهم ظاهری آن، به تدبر نیاز دارد و هم ژرفای عمیق آن. قرآن کریم در آیات مختلفی دعوت به تدبر می‌کند و می‌فرماید: «فلا یتدبرون القرآن» [محمد، ۲۴ و نساء، ۸۲]. آیا در قرآن نمی‌اندیشید؟! در این آیه‌ی کریمه، توبیخ و سرزنش بزرگی برای ترک تدبر در قرآن مطرح شده است

[خوبی، ۱۳۶۴: ۲۹].

به همین دلیل که فهم‌ها متفاوت است، برای تدبر نیز مراتبی را قائل شده‌اند. برخی براساس آیه‌ی شریفه‌ی «کتاب انزلناه الیک مبارک لیدبروا آیاته و لیتذکر اولوا الالباب» [ص، ۲۹]: (کتابی است که آن را به سوی تو نازل کردیم. بسیار با برکت است، برای این که در آیات آن ژرف بیندیشید و برای این که خردمندان متذکر شوند)، دو مرحله تدبر را برای فهم بیان کرده‌اند: تعبیر «لیدبروا آیاته» نظر به عموم مردم دارد [تدبر عام]. ولی تعبیر «لیتذکر» به‌طور اختصاصی مرتبه‌ی اولوا الالباب [خردمندان] را نظر دارد که عنوان مشترک مرتبه (اشاره، لطایف و حقایق) است. گویا آنان از مرتبه‌ی تدبر عمومی گذشته و به مرتبه‌ی تذکر به حقایق به دست آورده رسیده‌اند [نقی‌پور، ۱۳۷۱: ۴۸۷].

استاد شهید درباره‌ی ضرورت تدبر می‌نویسد: قرآن در برابر جمود و خشک‌اندیشی اخباریون و نظایر آن‌ها و هم‌چنین در

## قرآن کریم کتابی است که برای هدایت عموم مردم نازل شده است. با وجود این، از چینش الفاظ، ساختار خاص، تعابیر و اصطلاحات دقیق، ژرفایی عمیق، لایه‌ها و سطوح‌های معانی برخوردار است

مقابل انحرافات و برداشت‌های ناروای باطنیه و دیگران، راه وسطی را پیشنهاد می‌کند که عبارت است از تأمل و تدبر بی‌غرضانه و منصفانه. قرآن نه تنها مؤمنان، که حتی مخالفان را به تفکر و اندیشه درباره‌ی آیات خود فرا می‌خواند و گوشزد می‌کند که به جای جبهه‌گیری در برابر آن، به تأمل درباره‌ی آیاتش بپردازد. در خطاب به مخالفان قرآن می‌گوید: چرا به تدبر در قرآن نمی‌پردازند. این دل‌ها چگونه دل‌هایی است که گویی بر آن‌ها مهر زده است! در آیه‌ی دیگر می‌فرماید: «کتاب انزلناه الیک مبارک» کتابی است پرثمر و پربرکت که ما به سوی تو فرود آوردیم. چرا؟ «لیدبروا آیاته». برای این فرود نیاوردیم که ببوسند و بالای طاقچه بگذارند، بلکه برای این که در آیاتش بیندیشند و تدبر کنند «و لیتذکر اولوا الالباب» و آنان که دارای فکر و خرد هستند آگاهی یابند [مطهری،



۱۳۷۵، ج ۱: ۲۹] و مشابه این مطلب را در کتاب «اصول فلسفه و روش رئالیسم» [صفحه ۲۵] بیان کرده است. استاد در جایی دیگر می‌نویسد: دأب قرآن دعوت مردم به تفکر است؛ نه تنها از راه این که بگوید بروید فکر کنید، بلکه قرآن گاهی از یک طرف دعوت به تدبیر می‌کند و از طرف دیگر به شکلی ذکر می‌کند که افکار برانگیخته شوند و درباره‌ی آن زیاد فکر کنند تا بهتر به عمق مطالب برسند [مطهری، ۱۳۷۶: ۱۷۲ و ۱۷۰].

### ۹. ممنوعیت تفسیر به رأی

از جمله دغدغه‌های این دانشمند بزرگ اسلامی - که در این عصر نیز وجود دارد - روش انحرافی و تفسیری التقاطی است که از تحمیل رأی بر قرآن برخاسته است و آن همان تفسیر به رأی است که عرفای افراطی (متصوفه) و منافقان به

**خداوند در میان مردمی درس ناخوانده، پیامبری درس ناخوانده فرستاد که آیات خداوند را بر مردم تلاوت می‌کند. آن‌ها را از آلودگی‌ها پاک می‌نماید و کتاب (قرآن) و حکمت به آن‌ها تعلیم می‌دهد**

آن دست زده‌اند. درباره‌ی داستان حضرت **ابراهیم (ع)** و ذبح پسرش **اسماعیل (ع)**<sup>۷</sup>، برداشتی را از متصوفه نقل کرده است که آن‌ها گفته‌اند: مقصود از ابراهیم، ابراهیم عقل است و مقصود از اسماعیل، اسماعیل نفس و عقل در این جا مقصد آن داشت تا نفس را ذبح کند. روشن است که چنین برداشتی، بازی کردن با قرآن است و ارائه‌ی نوعی شناخت انحرافی.

درباره‌ی همین برداشت‌های انحرافی و مبتنی بر خواست‌ها و امیال شخصی و گروهی است که پیامبر فرمود: «من فسر القرآن برأیه، فلیتوبء مقعدہ فی النار»؛ هر که قرآن را به میل خود تفسیر کند، جایگاهش در آتش مهیا شده است. این چنین بازی کردن با آیات، خیانت به قرآن محسوب می‌شود، آن هم خیانتی بسیار بزرگ [مطهری، ۱۳۷۵: ۲۸].

### شرایط فهم و تفسیر قرآن

مفسران و دانشمندان علوم قرآنی، برای مفسر برخوردار از دانش‌های متعددی را در تفسیر آیات قرآن لازم دانسته‌اند. **سیوطی** در کتاب «الاتقان فی علوم القرآن»، عالم بودن به پانزده شاخه دانش را برای شناخت صحیح قرآن کریم لازم دانسته است که عبارت‌اند از:

(۱) لغت؛ (۲) نحو؛ (۳) تصریف؛ (۴) اشتقاق؛ (۵) معانی؛ (۶) بیان؛ (۷) بدیع؛ (۸) قرائات؛ (۹) اصول دین؛ (۱۰) اصول فقه؛ (۱۱) اسباب نزول و قصص؛ (۱۲) ناسخ و منسوخ؛ (۱۳) فقه؛ (۱۴) احادیث تفسیری؛ (۱۵) علم موهبت [سیوطی، ۱۳۸۰، ج ۴: ۱۷۸] (و آن علمی است که خداوند به کسی که اهل علم باشد، عطای می‌کند).

استاد مطهری بر اهمیت داشتن برخی از موارد و دانش‌های فوق تأکید بیشتری داشته‌اند. از جمله‌ی آن‌ها زبان عربی است که در بردارنده‌ی علم لغت، نحو، تصریف، اشتقاق، و نیز معانی، بیان و بدیع می‌شود. از جمله موارد دیگر، یکی آشنایی با تاریخ اسلام است که در بردارنده‌ی اسباب نزول و قصص است و دیگری علم به سنت و احادیث است.

استاد شهید این دانش‌ها را با عنوان شرایط آشنایی با قرآن مطرح نموده‌اند: ۱. یکی از شرط‌های ضروری شناخت قرآن، آشنایی به زبان عربی است. همان طور که شناخت **حافظ** و **سعدی** بدون دانستن زبان فارسی ممکن نیست، آشنایی با قرآن نیز که به زبان عربی نگاشته شده است، بدون دانستن زبان عربی امکان‌پذیر نیست.

۲. شرط دیگر، آشنایی با تاریخ اسلام است. قرآن مثل تورات یا انجیل نیست که یکباره توسط پیامبر ارائه شده باشد، بلکه این کتاب در طول ۲۳ سال دوران زندگی پیامبر - از بعثت تا وفات - در ضمن جریان پرفراز و نشیب تاریخ اسلام نازل شده است. به همین سبب است که آیات قرآن به اصطلاح شأن نزول دارند. شأن نزول چیزی نیست که معنای آیه را در خود محدود کند؛ بلکه به عکس، دانستن شأن نزول تا حد زیادی در روشن شدن مضمون آیات مؤثر و راه‌گشاست.

۳. شرط سوم، آشنایی با سخنان پیغمبر اکرم (ص) است. ایشان به نص خود قرآن، اولین مفسر این کتاب است. مفسر یعنی بیان کننده. در قرآن آمده است که: «... و انزلنا الیک الذکر لتبین للناس ما نزل الیههم...» [نحل / ۴۴]: ما قرآن را بر تو فرود آوردیم تا تو آن چه را که بر آن‌ها فرود آمده، برایشان توضیح دهی.

یا در آیه‌ی دیگر می‌فرماید: «هو الذی بعث فی الامیین رسولاً منهم یتلوا علیهم آیاته و یرزقهم و یرزقهم العلم کتاب و الحکمة...» [جمعه/ ۲].

خداوند در میان مردمی درس ناخوانده، پیامبری درس ناخوانده فرستاد که آیات خداوند را بر مردم تلاوت می‌کند. آن‌ها را از آلودگی‌ها پاک می‌نماید و کتاب (قرآن) و حکمت به آن‌ها تعلیم می‌دهد.

طبق نظر قرآن، پیامبر اکرم (ص) خود مبین و مفسر این کتاب است و آن‌چه که از پیامبر رسیده است، ما را در تفسیر قرآن یاری می‌دهد. برای ما که به آن‌چه خداوند به پیامبر اعطا کرده است، اعتقاد داریم که آن‌چه را پیامبر از ناحیه‌ی خدا داشته، به اوصیای گرامی‌اش منتقل کرده است. روایات معتبری که از ائمه رسیده، همان اعتبار روایات معتبری را دارد که از ناحیه‌ی رسول خدا رسیده است. بنابراین، روایات موثق ائمه کمک بزرگی است در راه شناخت قرآن.

استاد شهید افزون بر مباحث مطرح شده، بحث‌های دقیق دیگری را نیز مطرح کرده است که بسیاری از آن‌ها با موضوعات شناخت قرآن و علوم قرآن نیز مرتبط است. از میان آن‌ها می‌توان به اعجاز قرآن، کرانه‌های اعجاز، گرایش فلسفی در تفسیر، وحیانی بودن متن قرآن، تأثیر مکاتب مادی در برداشت‌های قرآن و... اشاره کرد.

#### پی‌نوشت

۱. ر.ک: آذرتاش، آذرنوش. فرهنگ معاصر عربی-فارسی. ماده‌ی نبی؛ و فرهنگ عمید، ماده‌ی مبنی.
۲. ر.ک: شاکر. ۱۳۸۲: ۱۱۶-۱۲۴.
۳. احمد خلف‌الله. ۱۹۷۲م: ۱۵۳ و هبه زحیلی. ۱۴۱۱ق، ج ۱: ۱۲۵.
۴. ر.ک: عمید زنجانی، ۱۳۷۳، ۲۸۷.
۵. شاکر، ۱۳۸۲، ص ۴۲.
۶. علامه طباطبایی، ۱۳۹۱، ج ۱: ۳ و ج ۳: ۸۵ به بعد.
۷. طباطبایی، ۱۳۹۱ق، ج ۱۲، ۲۶۱.
۸. برای اطلاع بیشتر ر.ک: علی اوسی، ۱۳۸۱ش، ۲۱۰.
۹. صافات/ ۱۰۲.

#### منابع

۱. قرآن کریم.
۲. الاتقان فی علوم القرآن. جلال‌الدین سیوطی. فخر دین. قم (چ ۱). ۱۳۸۰ ق.
۳. آداب الصلوه، روح‌الله موسوی خمینی. نهضت زنان مسلمان. تهران. ۱۳۶۰.
۴. اسلام و مقتضیات زمان. مرتضی مطهری. صدر. قم (چ ۱۰). ۱۳۷۶.
۵. اصول فلسفه و روش رئالیسم. مرتضی مطهری. صدر. بی‌جا (چ ۵). ۱۳۷۴.
۶. اصول کافی. محمد بن یعقوب کلینی. دارالکتب الاسلامیه. تهران. ۱۴۰۸ ق.
۷. بحارالانوار. محمد باقر مجلسی. دار احیاء التراث العربی. بیروت

- (چ ۳). ۱۴۰۳ ق.
۸. پژوهشی پیرامون تدبیر در قرآن. ولی‌الله نقی‌پور. اسوه. قم (چ ۱). ۱۳۷۱ ق.
۹. التفسیر المنیر. وهبه زحیلی (ج ۱). دارالفکر المعاصر. بی‌جا. ۱۹۹۱ م. ۱۴۱۱ ق.
۱۰. التفسیر و المفسرون محمد هادی معرفت. دانشگاه رضوی. بی‌جا (چ ۱). ۱۴۱۸ ق.
۱۱. التفسیر. محمد بن مسعود عیاشی سمرقندی. انتشارات علمیه‌ی اسلامیة. تهران. ۱۳۸۰.
۱۲. روش‌شناسی تفسیر. رجبی. پژوهشکده‌ی حوزه و دانشگاه. بی‌جا (چ ۱). ۱۳۷۹ ش.
۱۳. السن القصص فی القرآن الکریم. احمد خلف‌الله. قاهره. ۱۹۷۲ م.
۱۴. شناخت قرآن. مرتضی مطهری. صدر. قم (چ ۱۰ و ۱۱). ۱۳۷۵ ش.
۱۵. عرفی بودن زبان قرآن. جعفر نکونام. صحیفه‌ی مبین. بی‌جا. پاییز ۱۳۷۸ ش.
۱۶. علل گرایش به مادگرایی. مرتضی مطهری. صدر. بی‌جا. ۱۳۶۲ ش.
۱۷. مبانی کلامی اجتهاد در برداشت از قرآن کریم. مهدی هادی. مؤسسه‌ی فرهنگی خانه‌ی خرد. قم (چ ۱). ۱۳۷۷ ش.
۱۸. مبانی و روش‌های تفسیر قرآن. عباسعلی عمید زنجانی. وزارت

## روایات معتبری که از ائمه رسیده، همان اعتبار روایات معتبری را دارد که از ناحیه رسول خدا رسیده است. بنابراین، روایات موثق ائمه کمک بزرگی است در راه شناخت قرآن

۱۹. فرهنگ و ارشاد اسلامی. تهران (چ ۳). ۱۳۷۳ ش.
۱۹. مبانی و روش‌های تفسیری. محمد کاظم شاکر. مرکز جهانی علوم اسلامی. قم (چ ۱). ۱۳۸۲ ش.
۲۰. مجموعه آثار. مرتضی مطهری. صدر. بی‌جا (چ ۴، چ ۲). ۱۳۷۴ ش.
۲۱. مجموعه آثار. مرتضی مطهری. صدر. بی‌جا (چ ۱، چ ۱). ۱۳۷۷ ش.
۲۲. مجموعه آثار. مرتضی مطهری. صدر. بی‌جا (چ ۳، چ ۵). ۱۳۷۵ ش.
۲۳. زبان قرآن. تهران. مقصود فراستخواه. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. بی‌جا. ۱۳۷۶ ش.
۲۴. منابع اوسی. علی‌روش علامه طباطبایی در تفسیرالمیزان. ترجمه‌ی سید حسین میرجلیلی. شرکت چاپ و نشر بین‌الملل. تهران (چ ۱). ۱۳۸۱ ش.
۲۵. المیزان. محمد حسین طباطبایی. مؤسسه‌ی علمی. بیروت. ط ۲. ۱۳۹۱ ق. ۱۹۷۱ م.
۲۶. هماهنگی و تناسب در ساختار قرآن کریم. حسن خرقانی. نثر قلمرو. تهران (چ ۱). ۱۳۸۰ ق.
۲۷. وسائل‌الشیعه. محمد بن حسن حر عاملی. دار احیاء التراث. بی‌جا، بی‌تا.

# الله خدا

## چرا نماز را فارسی نخوانیم؟



فکر چاره افتادند. آنان پس از تبادل نظر با یکدیگر، تصمیم گرفتند با نصیحت ما را از این کار بازدارند و اگر مؤثر نبود، راهی دیگر برگزینند. چون پندهای ایشان مؤثر نیفتاد، ما را نزد یکی از روحانیان آن زمان بردند. آن روحانی وقتی فهمید ما به زبان فارسی نماز می‌خوانیم، به شیوه‌ای اهان‌آمیز، نجس و کافرمان خواند. این عمل او ما را در کارمان راسخ‌تر و مصر‌تر ساخت. عاقبت یکی از پدران، والدین دیگر افراد را به این فکر انداخت که ما را به محضر حضرت آیت‌الله حاج‌آقا رحیم ارباب ببرند و این فکر مورد تأیید قرار گرفت. آنان نزد ایشان شتافتند و موضوع را با وی در میان نهادند. او دستور داد در وقتی معین ما به خدمتش برویم. در روز موعود، ما را که تقریباً پانزده نفر بودیم، به محضر مبارک ایشان بردند.

در همان لحظه اول، چهره نورانی و خندان وی ما را مجذوب ساخت. آن بزرگ‌مرد را غیر از دیگران یافتیم و دانستیم که با شخصیتی استثنایی روبه‌رو هستیم. آقا در آغاز دستور پذیرایی از همه ما را صادر فرمود. سپس به والدین ما فرمود: شما که به فارسی نماز نمی‌خوانید، فعلاً تشریف ببرید و ما را با فرزندانمان تنها بگذارید. وقتی آنان رفتند، به ما فرمود: بهتر است شما یکی یکی خودتان را معرفی کنید و بگویید در چه سطح تحصیلی و چه رشته‌ای درس می‌خوانید. آن‌گاه به تناسب رشته و کلاس ما، پرسش‌های علمی مطرح کرد و از درس‌هایی مانند جبر و مثلثات و فیزیک و شیمی و علوم طبیعی مسائلی پرسید که پاسخ اغلب آن‌ها از توان ما بیرون بود. هر کس از عهده پاسخ بر نمی‌آمد، با اظهار لطف وی و پاسخ درست پرسش روبه‌رو می‌شد.

پس از آن‌که همه ما را خلع سلاح کرد، فرمود: شما نگران شده‌اند که شما نمازتان را به فارسی

**بعضی از جوان‌ها در کلاس سؤال می‌کنند: چرا نماز را فارسی نخوانیم و یا چرا اذان را فارسی نگوئیم تا تأثیر بیشتری روی مستمعان داشته باشد؟**

دل‌بستگی مسلمانان به «زبان وحی»، علاوه بر حفظ رمز وحدت و بهره‌مندی از نزدیک‌ترین پیوستگی آوایی با پیامبر اسلام (ص) و امامان (ع)، از نظر محتوا و ژرفای معنا نیز بسیار شایان توجه است. خوب است در این باره داستانی شیرین و خواندنی بازگو شود: دارالعلم اصفهان - که از ابتدای قرون اسلامی تاکنون در انتشار و توسعه علوم و تربیت دانش‌پژوهان جایگاهی خاص داشته - در قرن اخیر نیز پرورش‌دهنده بسیاری از مشعل‌داران دانش و تقوا بوده است. فقیه وارسته و دانشمند مهذب، **حاج آقا رحیم ارباب**، یکی از این شخصیت‌هاست.

این عالم فرهیخته در سال ۱۲۹۷ ق در «چرمهین» از توابع لنجان [ارباب معرفت: ص ۱۰۹] دیده به جهان گشود. در کودکی همراه پدرش به اصفهان رفت و پس از آموزش مقدمات ادبی و بخشی از سطح، در محضر استادانی چون **حاج میرزا بدیع** (م ۱۳۱۸ ق) و **علامه آقا سید محمدباقر درچه‌ای** (م ۱۳۴۲ ق) به تکمیل اصول و فقه پرداخت. سپس از محضر **آیت‌الله سید ابوالقاسم دهکردی** (م ۱۳۵۳ ق) و **آیت‌الله حاج آقا منیر احمدآبادی** (متوفای ۱۳۴۲ ق) بهره برد و در خدمت دو فیلسوف بزرگ، **آخوند ملا محمد کاشی** و **حکیم جهانگیرخان قشقایی**، فلسفه، هیئت و ریاضیات آموخت.

ارباب پس از یک قرن تحصیل و تدریس و اقامه نماز جمعه و جماعت و حضور در صحنه‌های علمی، اجتماعی، فرهنگی و تربیتی، در سال ۱۳۹۶ ق جهان خاکی را بدرود گفت. یک‌بار **دکتر محمدجواد شریعت** با جمعی از دانشجویان، با مرحوم **حاج آقا رحیم ارباب اصفهانی** دیدار کرد. وی خاطره آن ملاقات را چنین بازمی‌گوید:

در سال ۱۳۳۲ ش بود، من و عده‌ای از جوانان پر شور آن روزگار، پس از تبادل نظر و بحث و مشاجره، به این نتیجه رسیده بودیم که چه دلیلی دارد نماز را به عربی بخوانیم؟ چرا نماز را به زبان فارسی نخوانیم؟ عاقبت تصمیم گرفتیم نماز را به فارسی بخوانیم و همین کار را هم کردیم. والدین ما کم‌کم از این موضوع آگاهی یافتند و به





## الله قابل ترجمه نیست، زیرا اسم خاص خداست و اسم خاص را نمی توان ترجمه کرد

می خوانید، آنان نمی دانند من کسانی را می شناسم که - نعوذ بالله - اصلاً نماز نمی خوانند!! شما جوانان پاک اعتقادی هستید که هم اهل دین هستید و هم اهل همت. من در جوانی می خواستم مثل شما نماز را به فارسی بخوانم، ولی مشکلاتی پیش آمد که نتوانستم. اکنون شما به خواسته دوران جوانی ام جامعه عمل پوشانیده اید. آفرین به همت شما! در آن روزگار، نخستین مشکل من ترجمه صحیح سوره حمد بود که لابد شما آن را حل کرده اید. اکنون یکی از شما که از دیگران مسلط تر است، بگوید «بسم الله الرحمن الرحيم» را چگونه ترجمه کرده است؟

یکی از ما به عادت دانش آموزان دستش را بالا گرفت و برای پاسخ دادن داوطلب شد. آقا با لبخند فرمود: خوب شد طرف مباحثه ما یک نفر است، زیرا من از عهده پانزده جوان نیرومند بر نمی آمدم. بعد به آن جوان فرمود: خوب، بفرمایید «بسم الله» را چگونه ترجمه کرده اید؟ آن جوان گفت: طبق عادت جاری، به نام خداوند بخشنده مهربان. حضرت ارباب لبخند زد و فرمود: گمان نمی کنم ترجمه درست چنین باشد. در مورد «بسم» ترجمه «به نام» عیبی ندارد. اما «الله» قابل ترجمه نیست؛ زیرا اسم علم (خاص) خداست و اسم خاص را نمی توان ترجمه کرد. برای مثال، اگر اسم کسی «حسن» باشد، نمی توان به آن گفت «زیبا». ترجمه «حسن» زیباست، اما اگر به آقای حسن بگویم آقای زیبا، خوشش نمی آید. کلمه «الله» اسم خاصی است که مسلمانان بر ذات خداوند متعال اطلاق می کنند. نمی توان «الله» را ترجمه کرد، باید همان را به کار برد.

خب «رحمان» را چگونه ترجمه کرده اید؟ رفیق ما پاسخ داد: بخشنده.  
حضرت ارباب فرمود:  
این ترجمه بد نیست، ولی کامل نیست.

زیرا «رحمان» یکی از صفات خداوند است که شمول رحمت و بخشندگی او را می رساند و این شمول در کلمه بخشنده نیست؛ «رحمان»، یعنی خدایی که در این دنیا هم بر مؤمن و هم بر کافر رحم می کند و همه را در کف لطف و بخشندگی خود قرار می دهد و نعمت رزق و سلامت جسم و مانند آن عطا می فرماید. در هر حال، ترجمه بخشنده برای «رحمان» در حد کمال ترجمه نیست. خوب، رحیم را چه طور ترجمه کرده اید؟ رفیق ما جواب داد: «مهربان».

آیت الله ارباب فرمود: اگر مقصودتان از «رحیم» من بودم - چون نام وی رحیم بود - بدم نمی آمد «مهربان» ترجمه کنید، اما چون «رحیم» کلمه ای قرآنی و نام پروردگار است، باید درست معنا شود. اگر آن را «بخشاینده» ترجمه کرده بودید، راهی بدهی می برد، زیرا «رحیم» یعنی خداوندی که در آن دنیا گناهان مؤمنان را عفو می کند. پس آن چه در ترجمه «بسم الله» آورده اید، بد نیست، ولی کامل نیست و اشتباهاتی دارد. من هم در دوران جوانی چنین قصدی داشتم، اما به همین مشکلات برخوردیم و از خواندن نماز فارسی منصرف شدم. تازه این فقط آیه اول سوره «حمد» بود، اگر به دیگر آیات بپردازیم، موضوع خیلی پیچیده تر می شود. اما من معتقدم، شما اگر باز هم بر این امر اصرار دارید، دست از نماز خواندن به فارسی بردارید، زیرا خواندنش از نخواندن نماز به طور کلی بهتر است.

در این جا، همگی شرمنده، منفعل و شکست خورده، از وی عذرخواهی کردیم و قول دادیم ضمن خواندن نماز به عربی، نمازهای گذشته را اعاده کنیم. ایشان فرمود: من نگفتم به عربی نماز بخوانید، هر طور دلتان می خواهد بخوانید. من فقط مشکلات این کار را برای شما شرح دادم.

ما همه عاجزانه از وی طلب بخشایش و از کار خود اظهار پشیمانی کردیم. آیت الله ارباب، با تعارف میوه و شیرینی، مجلس را به پایان برد و در حالی که ما را بدرقه می کرد، خداحافظی کردیم. بعد نمازها را اعاده کردیم و از کار جاهلانه خود دست برداشتیم. بنده از آن به بعد، گاه به حضور آن جناب می رسیدیم و از خرم علم و فضیلت وی خوشه ها بر می چیدم و ... \*

کتاب پرسش ها و پاسخ های دانشجویی

\* اداره مشاوره و پاسخ به سوالات نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها.



در مسير تربيت

# نمونه های کوچک از استاد مطهری

سياست گذاری آموزشی  
در مدارس علوم  
ومعارف اسلامی

حمید توسلی صباغ  
کارشناس آموزشی مدرسه عالی شهید مطهری



دوره هشتم | شماره ۴ تابستان ۱۳۹۰

**کلیدواژه‌ها:** سیاست‌گذاری آموزشی، رشته علوم و معارف

اسلامی، برنامه‌ریزی آموزشی، مشکلات مدارس علوم و معارف اسلامی

اصولاً توسعه و تکامل هر بخش نیازمند سیاست‌گذاری در آن بخش است. زیرا علم سیاست‌گذاری به راه‌حل‌ها و سناریوها یا دستورکارهایی معطوف است که برای مشکلات هر بخش ارائه می‌شود. این مشکلات از سه زاویه در یک بخش ایجاد می‌شوند. **زاویه‌ی اول** نقاط «ابهام‌آفرین» یا به عبارت بهتر، «ابهام‌زا» در آن بخش هستند. **زاویه‌ی دوم** نقاطی هستند که به حمایت بیشتری برای توسعه و تکامل نیاز دارند و غالباً به علت عدم حمایت تضعیف می‌شوند. **زاویه‌ی آخر** مشکلات مدیریتی است که در عرصه‌ی مدیریت سازمان ایجاد می‌شوند و علم سیاست‌گذاری می‌کوشد با ارائه‌ی راهکارهای مناسب، مدیریت را بهینه کند.

در مجموع، علم سیاست‌گذاری با ارائه‌ی یک چرخه‌ی پنج مرحله‌ای تونلی ایجاد می‌کند و مانند یک منشور که نور از آن تابانده می‌شود تا به طیف‌های متفاوت تجزیه شود، مشکلات را از یک منشور می‌گذراند تا به نتیجه‌ی مطلوب، یعنی سیاست مناسب برای حل مشکل و اجرا، نایل آید. با این مقدمه سه مسئله‌ی مهم قابل بررسی خواهند بود که عبارت‌اند از:

### ● **فرق بین سیاست‌گذاری و هدف‌گذاری**

سیاست‌گذاری بخش لاینفک حوزه‌ی مسائل عمومی است که ضرورت دارد قبل از هر اجرایی در نظر گرفته شود. گاه مجریان امر، براساس یک سلسله اهداف به‌خصوص در حوزه‌ی فرهنگی تصمیماتی می‌گیرند که این تصمیمات در ارتباط با اهداف هستند و نه هم‌سو با سیاست‌ها؛ زیرا اصلاً سیاستی اتخاذ نکرده‌اند.

واقعیت این است که ما با سه مفهوم کاملاً مجزا از هم، یعنی ارزش، هدف و سیاست روبرو هستیم که سلسله مراتب آن‌ها باید رعایت شود. ارزش عبارت است از ترجیحات و اولویت‌هایی که انسان‌ها در منش زندگی خود قائل هستند. اهداف عبارت است از مقاصدی کلی که در زمینه‌های گوناگون دنبال می‌شوند تا ارزش‌های خاصی را محقق سازند. به بیان دیگر، اهداف مجموعه‌ای از معیارهای کلی و منطبق بر ارزش‌ها و ماهیتاً خردتر و متنوع‌تر از ارزش‌ها هستند. اما سیاست درجه‌ای خردتر از هدف قرار می‌گیرد و برای رسیدن به هدف اتخاذ می‌شود. بنابراین، سیاست‌گذاری عبارت است از مجموعه

**توسعه و تکامل هر بخش نیازمند**

**سیاست‌گذاری در آن بخش است. زیرا علم**

**سیاست‌گذاری به راه‌حل‌ها و سناریوها یا**

**دستورکارهایی معطوف است که برای مشکلات**

**هر بخش ارائه می‌شود**

راهکارهای کلی برای دستیابی به هدفی خاص. این سیاست‌ها هم به سیاست‌هایی خردتری تبدیل می‌شوند. آن‌چه که در این مقاله مورد توجه قرار گرفته است، تشخیص دقیق این سه مفهوم در عرصه‌ی اداره‌ی مدارس علوم و معارف اسلامی است که از آن سخن خواهد رفت.

### ● **فرق بین سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی آموزشی**

در حالی که سیاست‌گذاری پاسخ‌گویی به سؤال‌های کلان است تا خط‌مشی کلی را در موضوعی خاص مثلاً آموزش قرآن بیان کند، برنامه‌ریزی فرایند خردتر و تمهید مقدمات اجرایی در راستای اجرای سیاست خاص برای دستیابی به هدف موردنظر است. به بیان دیگر، برنامه‌ریزی، عملیاتی کردن سیاست‌هاست. پس میان سیاست‌گذاری آموزشی و برنامه‌ریزی آموزشی تفاوت وجود دارد که این تمایز در کار مشخص می‌شود.

### ● **سیاست‌گذاری آموزشی**

سیاست‌گذاری آموزشی مانند هر سیاست‌گذاری دیگر، بر پایه‌های اخلاق، ارزش و ایدئولوژی استوار است و عبارت است از مشخص کردن اصول و کنش‌های مربوط به امور آموزشی که اهداف مطلوب را براساس پایه‌های اخلاقی، ارزشی و ایدئولوژیکی دنبال می‌کند یا باید دنبال کند و یا اهداف مطلوب را طراحی می‌کند. آن‌چه دانش‌آموزان تجربه می‌کنند، در حقیقت تجربه‌ی یک سیاست آموزشی است که روی آن‌ها پیاده می‌شود.

چند سؤالی که براساس سیاست‌گذاری آموزشی و در راستای رشته‌ی علوم و معارف اسلامی مطرح می‌شوند، عبارت‌اند از:  
الف) آموزش علوم و معارف اسلامی در دبیرستان برای چیست؟

ب) چه سیاست‌هایی را باید برای ترغیب و تشویق شرکت وسیع دانش‌آموزان و حضور در مدارس معارف اتخاذ و سپس اجرا کرد؟

ج) آیا فناوری‌های کنونی در مدارس معارف برای توسعه کمی و کیفی کافی است؟

د) چه تفسیری از یک فارغ‌التحصیل رشته‌ی معارف وجود



دانش اسلامی در محدوده‌ی دوره‌ی تحصیلات متوسطه؛ آماده‌سازی علمی و اخلاقی دانش‌آموختگان برای ورود به حوزه‌های علمیه و دوره‌های آموزش عالی؛ تربیت نیروهای خوش‌فکر و آشنا با موازین اسلامی برای اداره‌ی جامعه.

براساس این اهداف خرد، سیاست‌هایی برای رسیدن به اهداف اتخاذ می‌شوند. برخی از این سیاست‌ها عبارت‌اند از:

الف) توسعه‌ی مدارس علوم و معارف اسلامی در سراسر کشور.

ب) گنجاندن دروس حوزوی در این رشته همراه با علوم انسانی.

ج) تشویق دانش‌آموزان مستعد به شرکت در این رشته با توجه به اهدافی که مطرح شد. یعنی دانش‌آموزی که باید سبب‌ساز تحقق این اهداف باشد، باید ویژگی‌های خاصی داشته باشد.

د) پشتیبانی از دانش‌آموزان برای شرکت در دوره‌های بالاتر حوزه و دانشگاه.

ه) جذب و تزریق فارغ‌التحصیلان مستعد علمی و متدین به بدنه‌ی نظام اسلامی.

برای اجرای هر یک از این سیاست‌ها، به یک یا حتی چند سیاست‌گذاری دیگر نیاز است که در ارتباط با سیاست‌گذاری آموزشی این رشته باشند.

#### ● ابهامات موجود در رشته‌ی علوم و معارف اسلامی

مسئله‌ی ابهام در سیاست‌گذاری آموزشی مدارس معارف

سیاست‌گذاری آموزشی در مدارس

معارف براساس ارزش‌های اسلامی

است. یعنی نقطه‌ی کانونی مورد توجه،

ارزش‌های اسلامی است که باید روی

دانش‌آموزان پیاده شود

دارد و چه انتظاری در نهایت از وی به عنوان محصول فرایند سیاست‌گذاری می‌رود؟

پس از آشنایی با مفهوم سیاست‌گذاری و تمایز آن از هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی و شرح سیاست‌گذاری آموزشی، شایسته است که با رشته‌ی علوم و معارف اسلامی که متغیر وابسته در این مقاله است آشنا شویم.

رشته‌ی علوم و معارف اسلامی در دوره‌ی متوسطه پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۶۲، نخستین بار توسط **آیت‌الله محمد امامی کاشانی** در «مدرسه‌ی عالی شهید مطهری» پایه‌گذاری شد. این نهاد با تأسیس چند دبیرستان در تهران و سایر شهرها، به توسعه‌ی این رشته پرداخت. هدف از تشکیل این مدارس، طبق اساس‌نامه‌ی دوره‌ی دبیرستان علوم و معارف اسلامی، مصوب سیصد و چهل و یکمین جلسه‌ی «شورای عالی آموزش و پرورش»، مورخ ۹ خرداد ۱۳۶۳، جذب دانش‌آموزان با استعداد و علاقه‌مند و تربیت آن‌ها در زمینه‌ی علوم دینی و معارف اسلامی مطابق با نیازهای نظام جمهوری اسلامی بود.

پس از گذشت بیش از یک دهه از توسعه‌ی این مدارس توسط مدرسه‌ی عالی شهید مطهری، مدارس دیگر به‌طور غیردولتی و نه وابسته، تحت عنوان «مدارس علوم و معارف اسلامی» تشکیل شدند. هم‌چنین، «سازمان تبلیغات اسلامی» پس از مدرسه عالی شهید مطهری، در دهه‌ی سوم حیات این مدارس، به تأسیس مدارس وابسته تحت عنوان «صدرا» اقدام کرده است. مسئله‌ای که اکنون مطرح می‌شود این است که توسعه‌ی این مدارس تحت عنوان علوم و معارف اسلامی که رشته‌ای نوپا و ناشناخته در نظام آموزش و پرورش است، با چه مشکلات سیاستی روبه‌روست؟

در این مقاله کوشیده شده است با نگرشی راه‌حل‌یاب، مشکلات گوناگون مدارس و رشته‌ی معارف بررسی و پس از آن به سؤالاتی که در حیطه‌ی سیاست‌گذاری آموزشی در مدارس علوم و معارف اسلامی است، پاسخ داده شود.

#### ● بحث ارزش‌ها، هدف‌ها و سیاست‌ها در مدارس علوم و معارف اسلامی

از آن‌جا که هر سیاست‌گذاری بر پایه‌ی ارزش‌هایی است، سیاست‌گذاری آموزشی در مدارس معارف براساس ارزش‌های اسلامی است. یعنی نقطه‌ی کانونی مورد توجه، ارزش‌های اسلامی است که باید روی دانش‌آموزان پیاده شود. بر این اساس، هدف اصلی همان هدف مطروحه در اساس‌نامه‌ی رشته‌ی علوم و معارف اسلامی است. اما اهداف خردتر عبارت‌اند از: ارتقای سطح



اسلامی برآمده از چند مسئله است که برای فهم بیشتر این موضوع، برخی از این وجوه ابهام را برمی‌شماریم:

الف) ابهام در جایگاه رشته، ناشی از نداشتن متولی خاص در نظام آموزشی کشور و ناآشنایی سیاست‌گذاران آموزشی کشور با آن.

ب) ابهام در منابع آموزشی رشته، ناشی از عدم برنامه‌ریزی آموزشی دقیق و نامشخص بودن هویت حوزوی و یا علوم انسانی بودن رشته برای دانش‌آموزان.

ج) ابهام در بودجه‌ی آموزشی و نیروی انسانی این مدارس، برآمده از همان ابهام اول؛ یعنی مشخص نبودن جایگاه رشته و به تناسب آن، کم‌توجهی نظام آموزش و پرورش به آن.

د) ابهام در توسعه‌ی رشته، ناشی از عدم حمایت‌های مالی از سوی یک منبع دائمی، مانند یک نهاد دولتی و یا یک ردیف بودجه‌ای.

### ● مشکلات حمایتی در رشته علوم و معارف اسلامی

مشکلات حمایتی به دو دسته‌ی «آسیب‌ها» و «تهدیدات» تقسیم می‌شوند. آسیب‌ها مشکلاتی هستند که از میان متولیان این رشته، زمینه‌ی ضعف حمایتی را به وجود می‌آورند. تهدیدات نیز مشکلاتی هستند که از محیط بیرون زمینه‌ی ضعف حمایتی را فراهم می‌کنند، برخی از این آسیب‌ها عبارت‌اند از: الف) ناهماهنگی بین متولیان رشته برای توسعه‌ی کمی و کیفی رشته و مدارس علوم و معارف اسلامی.

ب) عدم حمایت مالی مراکز گرداننده‌ی مدارس معارف از

آسیب‌ها مشکلاتی هستند که از میان

متولیان این رشته، زمینه ضعف حمایتی را

به وجود می‌آورند. تهدیدات نیز مشکلاتی

هستند که از محیط بیرون زمینه

ضعف حمایتی را فراهم می‌کنند

سوی بنیان‌گذاران این رشته.

و اما یکی از تهدیدات مهم رشته‌ی علوم و معارف اسلامی، اطمینان نداشتن به تداوم حمایت‌های مالی و انسانی وزارت آموزش و پرورش است که از ناحیه‌ی خارج بر عملکرد مدارس، تأثیر دارد.

### ● مشکلات مدیریتی در رشته علوم و معارف اسلامی

این مشکلات ناشی از روش‌هایی هستند که هر مدیر برای حل مسئله در مدارس معارف به کار می‌گیرد. یکی از مشکلات مهمی که توسط مدیران در این مدارس به وجود می‌آید، ناآشنایی برخی از مدیران با رشته، جایگاه و شرایط آن است. برخی مدیران این مدارس، در حالی مدیریت دبیرستان یا مجموعه را برعهده می‌گیرند که آشنایی کمی با این رشته دارند. این امر موجب می‌شود که خطاهایی در اداره‌ی امور داشته باشند. نتیجه‌ی این امر مدیریت‌های بی‌ثبات است که بر اداره‌ی مطلوب مدارس تأثیر می‌گذارد.

### پیشنهادات

الف) یکی از سیاست‌های مفید برای شرکت و حضور وسیع دانش‌آموزان مستعد در این مدارس، قبل از هر چیز رفع ابهاماتی است که از آن سخن رفت. رفع این ابهامات موجب خواهد شد، داوطلبان این رشته افق روشن‌تری نسبت به این رشته داشته باشند و آینده‌ی بهتری را برای خود ترسیم کنند.

ب) فناوری‌های کنونی در مدارس معارف برای توسعه‌ی رشته، هر چند رو به رشد است، اما کافی نیست. برای گسترش بیش از پیش این رشته، باید از طریق آموزش و ارتباطات مجازی، فارغ‌التحصیلان این رشته را برای توسعه‌ی رشته به کار گرفت. هم‌چنین، داشتن یک سایت اینترنتی برای تمامی مدارس معارف کشور به صورت متمرکز، کمک شایانی به توسعه‌ی هماهنگ مدارس خواهد کرد.

ج) این که چه انتظاری از فارغ‌التحصیل این رشته به عنوان خروجی این مدارس می‌رود، به ارزش‌ها و اهداف این رشته بستگی دارد. اما تفسیری که از فارغ‌التحصیلان توسط مردم در جامعه می‌شود، به نوع سیاستی که بر آن‌ها توسط مدیران اعمال می‌شود، برمی‌گردد. تأثیر این سیاست زمانی که دانش‌آموزان این مدارس از نواحی گوناگون گرد می‌آیند و یا در دانشگاه‌ها حضور می‌یابند، به خوبی مشخص است. امید که هر دانش‌آموز معارفی بنا به فرموده‌ی امام (ره)، نمونه‌ای کوچک از شهید والامقام و استاد بزرگ، **مطهری** باشد.

# پایگاه‌های پرسش و پاسخ قرآنی و اسلامی

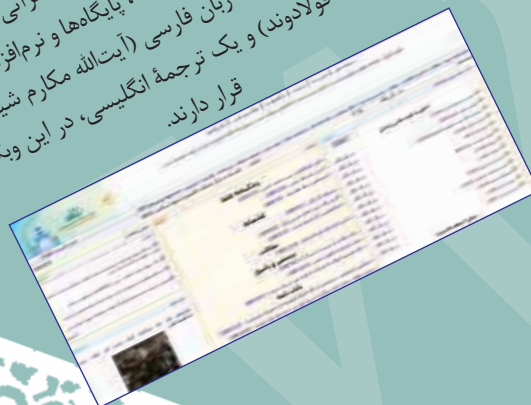


دنیای مجازی

فریبا انجمی  
دبیر منطقه دو تهران

بخش قرآن شبکه حوزه  
(فارسی، عربی و انگلیسی)  
[www.hawzah.net](http://www.hawzah.net)  
[webmaster@hawzah.net](mailto:webmaster@hawzah.net)

مشمول بر این موارد است: قرآن و ترجمه، علوم قرآنی، تفسیر، قرآن و اهل بیت، ادیان و تمدن‌ها در قرآن، قرآن و هنر و ادبیات، مؤسسات قرآنی، خادمان قرآن، کتابخانه، نگارخانه، پایگاه‌ها و نرم‌افزارها. دو ترجمه قرآن به زبان فارسی (آیت‌الله مکارم شیرازی و استاد فولادوند) و یک ترجمه انگلیسی، در این وبگاه قرار دارند.



وبگاه المیزان (عربی)  
[www.almizan.org](http://www.almizan.org)  
[khalfan@yahoo.com](mailto:khalfan@yahoo.com)

محتویات این وبگاه، تفسیر المیزان و توضیحاتی درباره مؤلف آن است. در این وبگاه، امکان جست‌وجو در المیزان وجود دارد.





کتابهای زیر در این پایگاه موجودند: قرآن و قرآن پژوهی، مصونیت قرآن از تحریف، درس نامه علوم قرآنی، برگزیده تفاسیر نمونه، تفسیر و تفاسیر شیعه، طبقات مفسران شیعه، روش های تفسیر قرآن، تفسیر جوامع، تفسیر کوثر، مجلات قرآنی بینات و ترجمان وحی، و...  
حدیث: زندان دانشمند و روای حدیث، قرب الاسناد، الغدير، نهج البلاغه، صحیفه سجادیه، مسائل علی بن جعفر، قرب الاحتجاج، خصال شیخ صدوق، محجة البيضاء، وسائل الشیعة، الامالی مفید، تفسیر نور الثقلین، بحار الانوار، الحیة، میزان الحکمة و...

شیعه: گزیده شیعه مشتمل است بر: تاریخچه مرجعیت در شیعه، معرفی بزرگان تاریخ شیعه و برگزیده های از تاریخ اسلام، اهل البیت: این گزیده مشتمل است بر کتاب های: زندگانی چهارده معصوم، اسرار امامت، الاثنا عشر، اهل بیت کلید مشکل ها، امامت در اسلام (ص)، خاندان عصمت، غدير از دیدگاه اهل سنت، فروغ ولایت، امام پر تو کتاب و سنت، غدير از دیدگاه اهل سنت و...  
پرسش و پاسخ: این گزینه مشتمل است بر صدها پرسش و شبهه و پاسخ آن ها، هم چنین، مجموعه ای است از سؤالات متنوع از اهل سنت، در زمینه های اعتقادی، تاریخی و...  
کتابخانه: این بخش مشتمل است بر قریب ۲۰۰ جلد کتاب در زمینه های قرآنی و علوم قرآن، حدیث و علوم حدیث، تاریخ و سیره، اخلاق و فرهنگ اسلامی، فقه و اصول و...  
پایگاه به مؤسسه آل البیت وابسته است. مرکز آن شهر مقدس قم است و نشانی های دیگر این وبگاه عبارتند از:

www.al-shia.net  
www.al-shia.org  
www.al-shia.com

وبگاه آل البیت  
(فارسی، عربی، انگلیسی، روسی، اندونزیایی و  
تایلندی)  
www.aalulbayt.org  
aalulbayt@aalulbayt.org

انبوه اطلاعات قرآنی و حدیثی، کتاب های تفسیری و حوزوی، و آشنایی و ارتباط با مشاهیر شیعه، از جمله امکانات این شبکه است.  
گزینه های اصلی پایگاه عبارتند از: قرآن، حدیث، شیعه، اهل البیت، احکام، پرسش و پاسخ، خدمات، کتابخانه و مسائل اجتماعی



در گفت و گو با حجة الاسلام و المسلمین دکتر  
محی الدین بهرام محمدیان تشریح شد

## سوگند و قسم در قرآن

گفت و گو: نصرالله دادار

### اشاره

سوگند چیست؟ چرا قرآن کریم در بعضی جاها سخن را با سوگند همراه می کند؟ تفاوت سوگندهای قرآن و سوگندهای متداول در میان مردم چیست؟ سوگند خداوند به یک پدیده، نشان از چه دارد؟ و کدام یک از آفریدگان خداوند متعال این امتیاز را داشته اند که خالق به آن ها سوگند یاد می کند؟

پای صحبت حجة الاسلام و المسلمین دکتر محی الدین بهرام محمدیان، قرآن پژوه و استاد حوزه و دانشگاه می نشینیم تا پاسخ این سؤالات و سؤالاتی دیگر از این دست را بیابیم.



## سوگند چیست و چه کاربردی در کلام دارد؟

کلمه «قَسَم» در زبان عربی و کاربردهای قرآنی آن به معنای «سوگند» است. در زبان فارسی نیز، سوگند و قسم به یک معنا به کار می‌رود. اما در اصطلاح ادبی، قسم عبارت است از جمله‌ای که به وسیله‌ی جمله‌ی دیگری بر آن تأکید می‌شود.

**علامه طباطبایی** در «تفسیر المیزان» با استفاده از این تعریف فرموده‌اند: «قسم در کلام بالاترین مراتب تأکید را می‌رساند».

همچنان که برخی از مفسران گذشته نیز در تعریف قسم گفته‌اند: «قسم کلامی است که بر خبر تأکید می‌کند و آن را در جایگاه محقق قرار می‌دهد».

**علامه طبرسی** نیز شبیه این تعریف را از قسم ارائه کرده‌اند و می‌فرمایند: «قسم جمله‌ای از کلام است که به وسیله‌ی آن خبر تأکید می‌شود، به نحوی که آن خبر را در جایگاه صحت و بی‌هیچ شائبه‌ی نادرستی و خطا قرار می‌دهد».

البته واضح است که این تأکید به واسطه‌ی قسم به چیزی است که نزد متکلم اهمیت و اعتبار ویژه‌ای دارد. لذا برخی از محققان درباره‌ی قسم و موضوع آن گفته‌اند: «موضوع قسم، تحکیم مطالبی است که متکلم با آن چه نزد او دارای عظمت و جایگاه خاصی است، بر آن تأکید می‌کند».

**\* خداوند نیز در قرآن، در برخی موارد به پدیده‌های متفاوت سوگند یاد کرده است. چه تفاوتی سوگندهای قرآن را از سایر سوگندها در ادبیات عرب متمایز می‌کند؟**

مقایسه‌ی سوگندهای قرآنی با آن چه پیش از نزول قرآن یا همزمان با آن در میان عرب جاهلی مرسوم بوده است، می‌تواند عظمت، زیبایی و شگفتی و تازه بودن آن‌ها را نشان دهد. مهم‌ترین متون ادبی عرب جاهلی دیوان شاعران آن است. آن چه از سوگند در اشعار عرب جاهلی، اعم از قصاید، غزلیات و رجزها به چشم می‌خورد سوگند به آلات موسیقی، شمشیر، زن یا چشم و ابروی معشوقه است و یا خاکستر اجاق و پشگل شتران به جای مانده از کوچ قبیله‌ی اوست. اما سوگندهای قرآن ضمن تازه و بدیع بودن، موضوعات و مضامینی هم چون نفس انسان، خورشید و ماه، زمین و آسمان، روز و شب، لوح و قلم، خود پیامبر، قرآن و... را در بر دارد که

هر کدام از آن‌ها حکایت از والایی، اهمیت و عظمت موضوع سوگند دارد. قرآن این موضوع را درباره سوگند به قرآن یادآور شده است: «و انه لقسم لو تعلمون عظیم - و به راستی که اگر بدانید آن سوگندی بس عظیم است» (واقعه/۷۶).

## واژه‌های سوگند در قرآن

**\* در قرآن کریم چه واژه‌هایی در مقام سوگند به کار رفته است؟**

معروف‌ترین واژه‌ی سوگند در زبان عربی کلمه‌ی «قسم» و مشتقات آن است. علاوه بر آن، برای سوگند یاد کردن از حروف قسم بیشتر استفاده می‌شود. در

قرآن کریم نیز برای سوگند، بیشتر حروف سوگند به کار رفته است. هرچند از کلمات دیگری نیز که بر معنای سوگند دلالت دارند، استفاده شده است.

نمونه‌هایی از اشاره به سوگند در قرآن کریم عبارت‌اند از:

«فلا اقسَم بمواقع التَّجُوم. و انه لقسم لو تعلمون عظیم - پس نه [چنین است که می‌پندارید]، سوگند به جایگاه‌های ستارگان، و اگر بدانید آن سوگندی بس بزرگ است» (واقعه/۷۵ و ۷۶).

«و یوم تقوم الساعة یقسم المجرمون ما لبثوا غیر ساعة - و روزی که رستاخیز برپا شود، مجرمان سوگند یاد می‌کنند که جز ساعتی [بیش] درنگ نکرده‌اند» (روم/۵۵).

«لا یؤاخذکم الله باللغو فی ایمانکم و لکن یؤاخذکم بما عقدتم الایمان... - خداوند شما را به سوگندهای بیپوده‌تان مؤاخذه نمی‌کند ولی به سوگندهایی که [از روی اراده] می‌خورید [و می‌شکنید] شما را مؤاخذه می‌کند» (مائده/۸۹).

یادآور می‌شود که «ایمان» جمع کلمه‌ی «یمین» به معنای سوگند است. علاوه بر واژه‌های قسم و یمین، کلمات دیگری مانند «حلف» نیز به معنای قسم به کار رفته‌اند؛ هرچند که این نوع واژگان علاوه بر سوگند در معانی دیگری نیز کاربرد دارند.

همان‌طور که اشاره شد، حروف قسم بیشترین کاربرد را در سوگندهای قرآنی دارند. این حروف عبارت‌اند از: «واو قسم» و «تاء قسم» که مثال‌های آن‌ها از قرآن کریم از این قرارند:

۱. **واو قسم:** «والقرآن الحکیم»، «والشمس و ضحاها»،

مقایسه سوگندهای قرآنی با آن چه پیش از نزول قرآن یا همزمان با آن در میان عرب جاهلی مرسوم بوده است، می‌تواند عظمت، زیبایی و شگفتی و تازه بودن آن‌ها را نشان دهد

«والقمر اذا تلاها»، «والفجر» و «والتین و الزیتون».

۲. تاء قسم: «قالوا تالله لقد آثرک الله علینا و ان کنا لخاصین» و «قالوا تالله انک لفی ضلالک القدیم».

**\* دلیل استفاده از سوگند در محاورات روزمره در متون ادبی و حقوقی چیست؟**

در محاورات روزمره معمولاً سوگند برای تأکید بر خبر، اصرار، ابرام در درخواست یا رفع تردید از مخاطب بیان می‌شود. برای مثال، اگر کسی بخواهد بر خبری تأکید کند که حتماً آن چنان است که او می‌گوید، آن خبر را با قسم همراه می‌کند؛ مانند کسی که می‌گوید: «سوگند که سن من بیش از هشتاد است و از پا افتاده‌ام».

یا این که برای پافشاری بر درخواست خود به سوگند متوسل می‌شود. مانند کسی که می‌گوید: «تو را به جان عزیزانت! حاجت مرا اجابت کن» یا این که می‌گوید: «به جانم قسم، اگر هزار مرتبه نیز از درت برانی، جز به درگاه تو روی نکنم».

اما آنچه از سوگند برای رفع تردید به کار می‌رود، همانند سوگند اهل بازار است که در معاملات خویش برای جلب اعتماد مشتری یاد می‌کنند؛ مثل «به جان عزیزم، سود زیادی نمی‌کنم»، یا «به جان خودم اگر به فلان قیمت بفروشم، ضرر می‌کنم».

در محاکم حقوقی نیز در صورت فقدان شهود، گواه، دلیل یا بیته، مدعی و مدعی علیه (خواهان و خوانده) طبق شرایطی قسم یاد می‌کنند. هم چنان که در برخی از محاکم دیده می‌شود که از شاهد می‌خواهند قسم یاد کند که جز حقیقت نگوید.

نوع دیگری از سوگند نیز در بین ما معمول است و آن سوگندی است که به منزله شرط پذیرش مسئولیت یا مقام و ریاستی قرار داده شده است. مثلاً بین یزشکان، سربازان و افسران یا در آغاز به کار قضات، نمایندگان مجلس یا رؤسای جمهور، سوگند مخصوصی با تشریفات ویژه‌ای مطرح می‌شود که مفاد آن رعایت الزامات آن شغل یا مسئولیت است و به نوعی پیمان و پذیرش تعهد است.

نکته‌ی دیگر در سوگندهای معمول در عرف مردم، قسم یاد کردن به چیزهایی است که در نظر آن‌ها بسیار محترم یا عزیز است و در تمام آن‌ها خوف مؤاخذه یا صدمه در صورت

دروغ‌گویی وجود دارد. مثلاً کسی که به جان فرزند یا دوست عزیزش قسم می‌خورد، یا به کتاب آسمانی یا یکی از اولیای الهی سوگند یاد می‌کند، خوف این را دارد که اگر قسم دروغ بخورد، دوست و فرزندش صدمه ببیند یا از سوی اولیای الهی مورد مؤاخذه قرار گیرد. معلوم می‌شود که «مقسم به» (چیزی که به آن قسم می‌خورند) اگر محبوب و مورد احترام طرفین نیز نباشد، حداقل برای گوینده این چنین است.

### سوگندهای قرآن و سوگندهای مردم

**\* تفاوت سوگندهای قرآنی با سوگندهای معمول در میان مردم چیست؟**

در قرآن سوگندهایی دیده می‌شوند که با قسم معمول در میان مردم یا با سوگند شرعی متفاوت‌اند. مثلاً در قسم شرعی، سوگند خوردن به غیر اسم پروردگار بی اعتبار است. یا این که مردم به دلایلی که ذکر شد، به چیزهایی که برای آن‌ها بسیار محترم است یا از طرف آن‌ها خوف صدمه و مؤاخذه وجود دارد، قسم یاد می‌کنند، در حالی که هیچ‌یک از این قسم‌ها در مورد سوگندهای قرآنی معقول و معمول نیست.

زیرا خداوند، نه از کسی یا چیزی خوف و ترس دارد و نه فقدان موجودی او را به هراس و وحشت می‌اندازد. دیگر این که خداوند برای سخن خود محتاج سوگند نیست و سوگند خداوند برای کافر نیز سودی ندارد. هم چنین چیزهایی که به آن‌ها قسم یاد شده، در عظمت و بزرگی قابل مقایسه با خداوند متعال نیستند و یا همه‌ی آن‌ها عزیزتر و محبوب‌تر از دیگر مخلوقات خداوند نیستند.

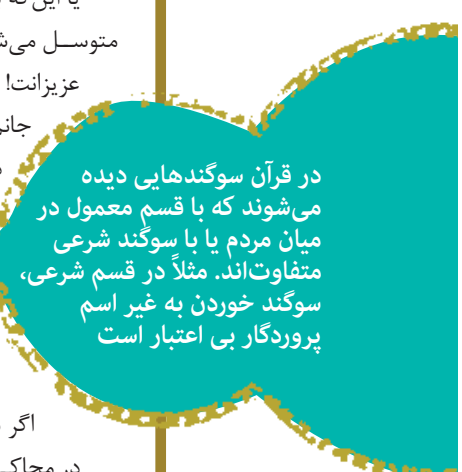
در واقع، قسم از جانب مردم با ذکر چیزی صورت می‌گیرد که متکلم به جایگاه و عظمت و منزلت بالای آن اعتقاد دارد و آن را از حیث خبر یا انشا وسیله‌ی اطمینان خاطر شنونده نسبت به کلام خود، قرار می‌دهد.

### هدف از سوگندهای قرآن

**\* هدف از سوگندهای قرآن چیست؟**

در پاسخ به این سؤال، به نقل از مفسران قرآن نکاتی را یادآور می‌شوم:

شیخ الطائفه طوسی (ره) می‌نویسد: «خداوند متعال را رواست، به منظور توجه دادن به هر کدام از آفریده‌هایش



در قرآن سوگندهایی دیده می‌شوند که با قسم معمول در میان مردم یا با سوگند شرعی متفاوت‌اند. مثلاً در قسم شرعی، سوگند خوردن به غیر اسم پروردگار بی اعتبار است

## دیدگاه اهل سنت

### \* مفسرین اهل سنت در باب سوگندهای قرآن

#### چه نظری دارند؟

**آلوسی، صاحب تفسیر روح المعانی**، از مفسران اهل سنت، در باب فایده‌ی سوگندهای قرآن می‌نویسد: «سوگند یاد کردن به چیزی، بزرگداشت آن چیز است».

**فخر رازی مفسر مشهور اهل سنت**: ایشان در این زمینه بیانی طولانی دارد که به اختصار و تلخیص آن را ذکر می‌کنم. او می‌نویسد: «چون خداوند پیامبر خود را برای هدایت و دعوت به دین حق فرستاد... به او حکمت، که دلایل قاطع و روشن است، عطا کرد و روش به کارگیری آن را نیز آموخت. سپس او را روش موعظه‌ی حسنه و مجادله‌ی احسن عنایت کرد. تا آن که مخالفان او در مبارزه‌ی با وی عاجز ماندند، ولی به او و کتابش ایمان نیاوردند و سخنانش را انکار کردند و

دست به بهانه‌های دیگر زدند. در این جا برای قانع نمودن دشمن و پذیرش آنان، راهی جز قسم یاد کردن نماند که خداوند بعد از دلایل روشن، سوگندهای گوناگون یاد کرد و به همین جهت سوگندها در آغاز نزول قرآن بیشتر به چشم می‌خورند».

البته آن چه فخر رازی در توجیه سوگندهای

قرآن ذکر کرده است می‌تواند همان محل اشکال

**جلال الدین سیوطی** باشد. او در «الاتقان» می‌نویسد: «پرسیده‌اند، سوگند از خدای تعالی چه معنی دارد؟ زیرا اگر به جهت مؤمن سوگند می‌خورد، مؤمن به محض خبر دادن تصدیق می‌کند و نیازی به قسم ندارد و اگر برای کافر قسم می‌خورد که فایده‌ای به حال او ندارد».

با طرح این اشکال، توجیه جناب فخر رازی دچار تزلزل است و باید پاسخ اشکال را از چرایی ذکر سوگند در قرآن به دست آورد.

**سید قطب**: وی در تفسیر خویش فایده‌ی سوگندهای قرآن را در توجه دادن مردم به عظمت و ارزش چیزهایی می‌داند که به آن‌ها قسم یاد شده است.

**شیخ محمد عبده**: کلام او نکته‌ی تازه‌ای دارد. او معتقد است: اگر در چیزهایی که مورد سوگند قرآن قرار گرفته‌اند، دقت شود، این نکته معلوم می‌شود که خداوند به چیزهایی سوگند یاد کرده است که مردم از فایده‌ی آن‌ها بی‌خبر بودند

که در آن موردی برای عبرت‌آموزی است، قسم یاد کند. زیرا سوگند، بر عظمت چیزی که به آن قسم یاد می‌کند دلالت دارد».

**علامه طبرسی**، مفسر بزرگ شیعی نیز می‌نویسد: «به‌راستی برای خداوند سبحان است که به هر کدام از آفریده‌هایش قسم یاد کند تا به عظمت جایگاه و فراوانی سودمندی‌اش توجه دهد».

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، علامه طبرسی و شیخ طوسی بر این اعتقادند که سوگندهای قرآن:

اولاً به قصد تنبّه و هشدار به مخاطب است.

ثانیاً نشان‌دهنده ارزش و جایگاه آن چیزی است که به آن قسم یاد شده است.

ثالثاً در موضوع قسم، عبرت و پند سودمندی برای مخاطب وجود دارد.

رابعاً این نوع قسم یاد کردن روا و شایسته‌ی خداوند متعال است.

اما صاحب «مجمع‌البیان» اشاره‌ی لطیفی به این نکته دارد که هم‌همی این قسم‌ها به صورت ضمنی بر توحید خداوند متعال دلالت دارند. زیرا همه‌ی این آفریده‌ها و مصنوعات بدون هیچ نسخه‌ی پیشینی خلق شده‌اند.

اما از مفسران متأخر شیعی، مرحوم **علامه طباطبایی** (رحمت‌الله علیه) در این باره می‌فرماید: «و خداوند تعالی در کلام خود به بیشتر آفریده‌هایش سوگند یاد کرده است، زیرا آن‌ها رحمت و نعمت خداوند هستند؛ مانند آسمان، زمین، خورشید، ماه، شب، روز و غیر این‌ها، حتی انجیر و زیتون». این بیان، ناظر بر اهمیت موضوع قسم یا همان «مقسم به» است. یعنی خداوند متعال به نشانه‌های رحمت و نعمت خود قسم یاد کرده است تا مخاطبان وحی از نشانه‌ی رحمت و نعمت، به خداوند رحمان، منعم و رحیم هدایت شوند.

**مرحوم شیخ محمد جواد مغنیه**: از علمای شیعی معاصر لبنان، در «تفسیر الکشاف» سخنی شبیه کلام علامه طبرسی دارد. او می‌نویسد: «آن چه ما در می‌یابیم آن است که خداوند به چیزهایی که قسم یاد می‌کند، برای هدف و غرض واحدی است و هر چیزی که در عالم هستی است، ذاتاً دلالت می‌کند بر این که خداوند متعال یکتاست و شریکی ندارد».

علامه طبرسی، مفسر بزرگ شیعی نیز می‌نویسد: «به‌راستی برای خداوند سبحان است که به هر کدام از آفریده‌هایش قسم یاد کند تا به عظمت جایگاه و فراوانی سودمندی‌اش توجه دهد»

محل عبرت است. اگر صدای نفس‌های اسب مجاهد ارزشمند باشد، صدای ضریان قلب او چه ارزشی دارد؟ اگر گرد و غبار سم اسبان شرافت دارد، گام‌های نستوه مبارزان راه خدا تا چه اندازه شریف است؟

۵. و سخن آخر آن که سوگندهای قرآنی همه و همه نشانه‌های قدرت نامتناهی خداوند متعال اند و حاکمیت او از کوچک‌ترین پدیده‌ی زمینی مانند گردوغبار تا بزرگ‌ترین آفریده‌ی آسمانی مانند کیهان و آسمان گسترده است و از گیاه و نبات گرفته تا انسان و فرشته، از پهنه‌ی دنیا و ماده گرفته تا پهنای قیامت و روح، همه به قدرت اوست. روشن است هر قسم و سوگندی که در قرآن یاد شده، به خداوند متعال برمی‌گردد. به عبارت دیگر، قسم‌ها یا به ذات الهی است، مانند «قل ای و ربی» و «قل بلی و ربی» یا متعلق به فعل خداوند متعال است، مانند «والسما» و ما بنیها»، «والارض و ما طحها» و یا به مفعول حق تعالی تعلق گرفته است، مانند «والنجم اذا هوی... و الطور». این همان چیزی است که برخی از مفسران تیزبین یادآوری کرده‌اند که قسم‌های قرآنی بر توحید باری تعالی دلالت دارد.

### **\* در صحبت‌های خود به تنوع دامنه‌ی سوگندهای الهی در قرآن اشاره کردید. لطفاً نمونه‌هایی از این سوگندها را بیان فرمایید.**

در قرآن کریم، علاوه بر ذات باری تعالی به اشیا، اشخاص، زمان‌ها، مکان‌ها و بالأخره موجودات متنوعی سوگند یاد شده است. **طنطاوی**، در تفسیر خود یادآور می‌شود که خداوند به چهل گونه از آفریده‌های خود، که نیمی از آن‌ها موجودات آسمانی و از عالم بالا هستند و نیم‌دیگر موجودات زمینی و از عالم پایین، قسم یاد کرده است. مهم‌ترین سوگندهای قرآن کریم، سوگند به خداوند متعال است. از دیگر سوگندهای قرآن، سوگند به پیامبر اکرم (ص)، سوگند به فرشتگان، سوگند به قرآن، سوگند به انسان (نفس، وجدان، پدر و فرزند)، سوگند به قلم و نوشته، سوگند به کتاب، سوگند به آسمان، سوگند به اجرام آسمانی، سوگند به زمین و سوگند به زمان می‌باشد.

البته علاوه بر آن‌چه تا به حال ذکر کردیم، سوگندهای دیگری هم وجود دارند که توضیح و تفصیل آن‌ها مجال فراخی می‌خواهد. سوگند به قیامت، اسبان مجاهدان، ابر، شهر مکه، طور سینین، دریا، کشتی، انجیر، زیتون، شفع، وتر و نهایتاً سوگند به کل هستی، از جمله‌ی آن‌هاست.

یا این‌که مورد تحقیر آنان بوده است و یا بعضی از مردم آن‌ها را انکار می‌کردند. خداوند متعال با قسم به این چیزها، مردم را از شک و تردید درباره‌ی آن‌ها خارج ساخت و نسبت به آن‌ها غفلت‌زدایی کرد. هم‌چنان که نسبت به افکار آن‌ها موضع گرفت. مثلاً قرآن با سوگند به قیامت آن‌ها را متوجه کرد که قیامت حتماً واقع خواهد شد و صاحب اختیار آن روز، خداوند متعال است.

### **\* جمع‌بندی شما از نظریات بزرگان و علمای اسلام در مورد سوگندهای قرآنی چیست؟**

با تأمل در گفتار بزرگان تفسیر، به‌ویژه آیات سوگند قرآن، می‌توان به نکات زیر پی برد:

۱. قرآن به هر چه قسم یاد کرده، خواسته است مخاطبان نسبت به آن پدیده‌ها و آفریده‌ها یا زمان‌ها و مکان‌ها یا اشخاص مورد قسم، به دیده‌ی عبرت بنگرند و از کنار آن‌ها ساده اندیشانه نگذرند.

۲. اگر در آن‌چه قرآن به آن‌ها سوگند یاد کرده است، به دقت تأمل کنیم، متوجه آثار، برکات، منافع و فواید موجود در آن‌ها می‌شویم؛ مانند خورشید، ماه، ستارگان، شب، روز و حتی انجیر و زیتون.

۳. برخی از پدیده‌ها، همانند ملائک، روح، وجدان انسانی و روز قیامت، برای ذهن بشر به درستی قابل تصور نیستند و گاه با اوهام آمیخته شده‌اند. قسم‌های قرآنی به این نوع پدیده‌ها، ضمن تأکید بر واقعی بودن آن‌ها، با توصیف خود، از ساحت آن‌ها خرافه‌زدایی می‌کند.

۴. برخی از پدیده‌هایی که قرآن به آن‌ها سوگند یاد کرده است، به تنهایی چیز متعالی و با ارزشی به نظر نمی‌رسند، ولی در پیوست با یک امر مطلوب و مورد سفارش الهی، ارزش و مکانیت خاصی پیدا می‌کند تا آن جایی که خداوند به آن‌ها قسم یاد می‌کند. برای مثال، آح آح سینه‌ی اسبان یا جرقه‌های برخاسته از سم اسبان، یا گردوخاک بلند شده از یورش سواران، به تنهایی چیزهایی نیستند که ارزش خاصی داشته باشند و شاید روزانه در هزاران نقطه از زمین هر کدام از آن‌ها بارها اتفاق بیفتند. اما آن‌چه اینان را با ارزش می‌کند، وجود عنصر جهاد و ایثار مجاهد فی سبیل الله است که بر پشت آن اسبان برای گسترش اندیشه‌ی توحیدی به مصادف شرک و کفر می‌رود و اگر تأمل و اندیشه شود، خود

برخی از پدیده‌هایی که قرآن به آن‌ها سوگند یاد کرده است، به تنهایی چیز متعالی و با ارزشی به نظر نمی‌رسند، ولی در پیوست با یک امر مطلوب و مورد سفارش الهی، ارزش و مکانیت خاصی پیدا می‌کند تا آن جایی که خداوند به آن‌ها قسم یاد می‌کند



با امام شهدا

## سرباز گمنام

اگر فاتحان دنیا افتخار می‌کنند به سرباز گمنام، اسلام بزرگ و ملت شریف و فاتحان عزیز ما افتخار می‌کنند به هزاران سرباز گمنام بزرگواری که در پی نام و نشان نیستند و برای کشور اسلامی خویش و اسلام عزیز و ملت انسان‌پرور، افتخاراتی می‌آفرینند معجزه‌آسا و پیروزی‌هایی ژرف. فرق است بین سرباز گمنامی که قدرت‌های مادی دنیا به آن فخر می‌فروشند و بین سربازان گمنامی که پرورده اسلام و مکتب توحید است، که انگیزه آنان تحصیل قدرت و اکثراً ستم‌کاری است و انگیزه اینان خدا و طلب حق است. اساساً سربازان اسلام، اگرچه نام‌دار باشند، در این جهان گمنام‌اند. نام‌دارترین سرباز فداکار در اسلام، امیرالمؤمنین است و او گمنام‌ترین سرباز است. با کدام تفکر عرفانی، فلسفی، سیاسی و کدام قلم و زبان و بیان، بشر این سرباز گمنام را معرفی کند و بشناسد و بشناساند؟ و مطلب با حفظ مراتب همین است. ما در جنگ، برای یک لحظه هم نادم و پشیمان از عملکرد خود نیستیم. ما تا آخرین نفر و تا آخرین منزل و تا آخرین قطره خون، برای اعتلای کلمه الله ایستاده‌ایم.

# پیوستگی لفظی و مفهومی آیات و بخش‌های سوره بقره

مریم فرنگ

دبیر دینی و قرآن مدارس تهران

## چکیده

پیوستگی لفظی و معنوی آیات سوره بقره از ادله اعجاز قرآن کریم ذکر شده است. به گونه‌ای که در نگاه آغازین، به دلیل نزول تدریجی و تنوع مطالب، متنی گسسته به نظر می‌رسد. در حالی که با تدبر در سبک تنظیم و شیوه ارائه مطالب و ارتباط و انسجام درونی، نظمی بدیع میان موضوعات آن قابل مشاهده است.

موضوع بحث سوره بقره، ترسیم مبانی تربیت شخصیت ایمانی است و این که انسان تنها با نیروی تقوا می‌تواند از هدایت قرآن بهره‌مند شود و بر مرکب هدایت به رستگاری نائل آید. اشاره به مسائل گوناگون، به سبب جلب توجه مردم به علم و قدرت و حکمت خدای سبحان است و هدف سوره، تثبیت توحید در روح انسان و هدایتگری است.

**کلیدواژه‌ها:** تناسب آیات، وجوه ارتباط، سوره بقره، هدایت، تقوای الهی، احکام.

## مقدمه

پیوستگی و ارتباط آیات قرآن، علمی است که با آن، عوامل چینش آیات و بخش‌های آن شناسایی، و بدان وسیله زمینه پیوند مطالب فراهم می‌شود. این هم شکلی و هم بستگی میان آیات و پیوندگاه لفظی و گاه معنایی آیه‌ای با آیه دیگر است که آن‌ها را به مجموعه‌ای کامل تبدیل می‌کند. پژوهش حاضر درصدد آن است که ضمن بیان ارتباط‌های لفظی و معنایی سوره مبارکه بقره، در زمینه ارائه وجوه ارتباط بین آیات و بخش‌های آن گام‌هایی بردارد تا با بررسی آن نشان دهد که میان آن‌ها ارتباط تنگاتنگی وجود دارد.

## تشریح قوانین اسلامی بر مبنای تقوا (۱۶۸-۲۰۷)

قسم اول (۱۶۷-۲۱) مردم را به راه تقوا و پیمودن راهی فرا می‌خواند که آن‌ها را از کفر و نفاق باز می‌دارد تا در زمره متقین قرار

گیرند. قسم دوم که با آیه ۱۶۸ شروع می‌شود، راهنمایی بر تقوا را کامل کرده و با تشریح قوانین اسلامی، آن‌چه را در تقوا دخیل است و سبب رسیدن به آن می‌شود، به تفصیل بیان می‌کند [حوی، ج ۱: ۳۵۶-۳۵۷].

## الف) مرزهای تقوای فردی (۱۷۷-۱۶۸)

### ۱. تقوا در خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها (۱۷۳-۱۶۸)

#### وجوه ارتباط

• در آیات گذشته (۱۶۵-۱۶۶) نکوهش شدیدی از شرک و بت‌پرستی شده بود. یکی از انواع شرک این است که انسان غیر خدا را قانون‌گذار بداند و نظام تشریح و حلال و حرام را در اختیار او قرار دهد. آیه ۱۶۸ این عمل را یک کار شیطانی معرفی و بیان می‌کند، حلال شمردن خوراکی‌های حرام و پیروی از شیطان و دنباله‌روی نیاکان در راه باطل، از مظاهر شرک است [حوی، ج ۱: ۳۸۲].

• این آیه تعلیلی برای پیروی نکردن از شیطان و آشکار بودن دشمنی وی با انسان است [بقاعی، ج ۱: ۳۰۶].

• آیه ۱۷۰ عطف بر آیه ۱۶۸ است. چون فرقی میان پیروی از وسوسه‌های شیطان و پیروی و تقلید کورکورانه از دین و آیین نیاکان وجود ندارد [فخر رازی، ج ۵: ۱۸۹].

• در آیات پیشین، سخن از حال کافرانی بود که وقتی برای پیروی از احکام خدا دعوت می‌شوند، بدون تدبر و تأمل از نیاکان و پدران خود تقلید می‌کنند. در آیه ۱۷۱ خداوند به سبب آن پیروی جاهلانه، آنان را هم‌چون چهارپایان معرفی کرده است تا احوالشان نمایان‌تر شود [پیشین].

• مناسبت آیه ۱۷۲ با آیات گذشته از نوع انتقال است. یعنی خداوند از توبیخ مشرکان که طیبات را بر خود حرام کردند، به تحذیر مسلمانان از چنین کاری منتقل می‌شود [ابن عاشور،



**آیات «۱۸۵- ۱۸۳» به دلالت سیاق با هم نازل شده‌اند و هدفی واحد دارند و آن وجوب روزه در ماه رمضان است. روزه به عنوان حکمی از احکام الهی است که به دنبال احکام پیشین (قصاص - وصیت) آمده است و به تناسب و پیوستگی نیازی ندارد**

ج ۲: ۱۱۳].

## ب) مرزهای تقوای اجتماعی (۲۰۷- ۱۷۸)

### ۱. قصاص و وصیت (۱۸۲- ۱۷۸)

#### وجوه ارتباط

• آیه گذشته با مدح صبر و صدق در ایمان و وفای به عهد پایان یافت. پس از آن، آیه قصاص (۱۷۸) را مطرح کرد. چون صبر بر حکم قصاص که یا در مورد جان یا اعضا و جوارح خودمان یا عزیزان است، بسیار مشکل و از مهم‌ترین انواع صبر است [بقاعی، ج ۱: ۳۳۰].

• تشریح حکم عفو بعد از آمدن حکم قصاص در آیه گذشته، شاید این‌طور تصور شود که عفو از گناه دیگران، به مصلحت جامعه نزدیک‌تر از انتقام است. آیه ۱۷۹ علاوه بر بیان حکمت تشریح قصاص، این توهّم را رد می‌کند [طباطبایی، ج ۱: ۴۳۳].

• حکم وصیت (۱۸۲- ۱۸۰) و ارث بعد از حکم قصاص آمده است، زیرا در قصاص حیات و زندگی نهفته است و وصیت هم موجب حیات و زندگی می‌شود [شهرستانی، ج ۲: ۷۴۵].

### ۲. روزه (۱۸۷- ۱۸۳)

#### وجوه ارتباط

• آیات «۱۸۵- ۱۸۳» به دلالت سیاق با هم نازل شده‌اند و هدفی واحد دارند و آن وجوب روزه در ماه رمضان است. روزه به عنوان حکمی از احکام الهی است که به دنبال احکام پیشین (قصاص - وصیت) آمده است و به تناسب و پیوستگی نیازی ندارد [رشید رضا، ج ۲: ۱۴۳].

• خداوند برای تأکید بر اوامر پیشین در آیه قبل، یعنی امر به روزه و اکمال آن و تکبیر و شکر خداوند، آیه ۱۸۶ را آورد تا دلالت کند به این‌که او به احوال مؤمنان آگاه است، سخنان آنان را می‌شنود و دعای آن‌ها را اجابت می‌کند و به اعمالشان پاداش می‌دهد [بیضاوی، ج ۱: ۱۲۵].

• آیه ۱۸۷ در معنا به آیه ۱۸۵ متصل است و بیانگر بقیه احکام روزه

• خداوند در آیه قبل ما را به خوردن حلال امر کرد. در آیه ۱۷۳ انواع حرام را تفصیل کرد و با بیانی حصرآمیز، محرّمات را بیان کرد تا غیر آن‌ها بر اصل اباحه باقی بماند. زیرا محرّمات اندک و چیزهای حلال و طیب بسیاریند [جوادی آملی، ج ۸: ۶۱۶].

### ۲. تقوا در عدم کتمان حق و در نیکوکاری (۱۷۷- ۱۷۴)

#### ۱- تقوا در عدم کتمان حق (۱۷۴- ۱۷۴)

#### وجوه ارتباط

• آیه ۱۷۴ ملحق به آیه ۱۵۹ و بازگشت به احتجاج با اهل کتاب است و به خاطر بیان محرّمات الهی در آیه قبل، مسلمانان را از کاری که یهود کردند، یعنی از تحلیل محرّمات الهی و تحریم حلال الهی باز می‌دارد [ابن‌عاشور، ج ۲: ۱۲۱].

• در آیه ۱۷۴ کیفر کتمان کنندگان ذکر شد. حال در آیه ۱۷۵، برای تأکید بر دوری آنان از رحمت الهی، وضعیت این گروه را مشخص تر می‌سازد [بقاعی، ج ۱: ۳۲۱].

• آیه ۱۷۶ سبب و علتی را که موجب تهدید کتمان کنندگان می‌شود، بیان می‌کند. یعنی جمله «بان الله نزل الكتاب بالحق» جاری مجرای علت است [پیشین].

### ۲- تقوا و نیکوکاری (آیه ۱۷۷)

آیه «بر» واسطه العقد آیات قبل و بعد است. از سویی پایان بخش گفت‌وگو با یهود است و از سوی دیگر مقدمه‌ای برای بیان مجموعه اموری که جزئی از تقوا یا سبب تحقق و حفظ آن است. خداوند بعد از بیان کفر اهل کتاب و کتمان کاری آنان، در این آیه می‌فرماید، احکام فرعی هم چون رو کردن به کعبه، مقصود اصلی نیست، بلکه مقصود اصلی، اصول اعتقادی مانند ایمان به خداست که همه طاعات به دنبال آن می‌آید [حوی، ج ۱: ۳۸۷].

**از آن جا که هدف از روزه و حج، توشه‌گیری تقوا و از بین بردن شرک و نفاق و رسیدن به صلح و سلم است و این‌ها آرزوی انسان است، به جاست که همراه احکام تقوا در روزه و حج، الگوی از تقوای پیشگان حقیقی و منافقان ارائه شود تا مسلمانان تقوای منافقانه را از تقوای خالصانه باز شناسند**

مجموعه آیات پیشین (۱۹۰-۱۹۵) حکم جهاد با مشرکان بیان شد که برای انجام آن به انفاق و مال نیاز است، مناسک حج نیز نوعی جهاد در راه خداست [حوی، ج ۱: ۴۵۵].

#### ۷. انسان‌های متقی و منافق (۲۰۷-۲۰۴)

از آن جا که هدف از روزه و حج، توشه‌گیری تقوا و از بین بردن شرک و نفاق و رسیدن به صلح و سلم است و این‌ها آرزوی انسان است، به جاست که همراه احکام تقوا در روزه و حج، الگوی از تقوای پیشگان حقیقی و منافقان ارائه شود تا مسلمانان تقوای منافقانه را از تقوای خالصانه باز شناسند. در بخش پایانی آیات حج، خداوند انسان‌ها را از نظر منطق و سیرۀ عملی به دو گروه دنیاطلبان و نیکی‌خواهان دنیا و آخرت تقسیم کرد. در ادامه، به تقسیم دیگری از انسان‌ها پرداخته و آن‌ها را از جهت صفات و نتایج اعمالشان نیز به دو گروه منافقان و مخلصان دسته‌بندی می‌کند. در آیه مورد بحث، اشاره سربسته‌ای به بعضی از منافقان کرده است و برخی از ویژگی‌های منافقان، مانند برخورداری از ظاهری فریب‌دهنده، گفتاری شگفت‌انگیز و فریبنده را می‌شمارد [جوادی‌آملی، ج ۱۰: ۲۰۴].

#### رفتارهای اجتماعی و آسیب‌شناسی آن‌ها (۲۸۴-۲۰۸)

در قسم سوم، احکامی را که مؤمنان باید به قلعه مستحکم اتحاد در آیند تا از آسیب‌های بسیاری در امان باشند، ذکر می‌کند؛ از جمله: جهاد، انفاق، ازدواج، طلاق، شراب، قمار، یتیم، و احکام اقتصادی و مالی.

#### الف) پاسخ به شبهات (۲۵۳-۲۰۸)

#### ۱. دعوت به صلح و سلم (۲۲۰-۲۰۸)

#### وجوه ارتباط

• هفت آیه «۲۰۸ تا ۲۱۴» راه حفظ وحدت دینی در جامعه را بیان می‌کند و آن ورود در سلم است. تنها وحدت است که سعادت دنیا و

است و به ذکر برخی کارها در شب‌های روزه منتقل می‌شود که تصور می‌شود با عبادت روزه منافات دارد، آیه مورد بحث، به سبب این انتقال، از جمله‌های سابق منفصل و جداست [ابن‌عاشور، ج ۲: ۱۷۸].

#### ۳. پرهیز از تصرف مال مردم به ناحق (آیه ۱۸۸)

آیه ۱۸۸ بعد از آیات روزه قرار گرفته است. این دو حکم به نوعی دارای پیوستگی هستند. در آن جا نهی از خوردن و آشامیدن به‌خاطر انجام یک عبادت الهی می‌کند. در این جا نهی از خوردن اموال مردم به ناحق [سید قطب، ج ۱: ۱۷۶].

#### ۴. هلال ماه و اوقات عبادت (آیه ۱۸۹)

آیه مورد بحث کامل‌کننده احکام روزه ماه رمضان است. راز ذکر سؤال از هلال ماه در این است که روزه و افطار مقرون به دیدن ماه است [اندلسی، ج ۲۹: ۲۳۴].

#### ۵. جنگ (۱۹۵-۱۹۰)

#### وجوه ارتباط

• در پایان آیه قبل به تقوا امر شد (و اتقوا الله لعلکم تفلحون). آیه ۱۹۰ دشوارترین قسم تقوا را جهاد در راه خدا معرفی و به آن امر می‌کند [زحیلی، ج ۲: ۱۷۷].

• آیه ۱۹۱ اوج شدت عمل را برای حکم جهاد بیان می‌کند و می‌گوید، مشرکان را هر کجا یافتید بکشید. آیه ۱۹۲ نیز قیدی است که به جمله «و لا تقاتلوهم...» در آیه ۱۹۱ باز می‌گردد [طباطبایی، ج ۱: ۶۱].

• آیه ۱۹۳ عطف بر «و قاتلوا فی سبیل الله» در آیه ۱۹۰ است و هدف از جنگ با کافران و مشرکان را بیان کرده که همان برچیده شدن کامل فتنه است [الوسی، ج ۱: ۴۷۲].

• حکم جهاد با کافران در آیات قبل به مسلمانان داده شد. آیه ۱۹۴ تشریح قصاص در جنگ و مقابله به مثل با کافران را بیان می‌کند [طباطبایی، ج ۶۰-۶۱].

• خداوند در آیات گذشته، جهاد جانی را بیان کرد و در آیه ۹۵ به مسئله جهاد مالی پرداخته است و انفاق مال را برای تجهیز سپاه و اداره‌ی جنگ واجب می‌کند [طباطبایی، ج ۲: ۶۴].

#### ۶. حج (۲۰۳-۱۹۶)

خداوند در مجموعه آیات «۱۹۶-۲۰۳»، حج تمتع را تشریح و خطوط کلی احکام حج و عمره را بیان می‌کند. همان‌گونه که در



**هفت آیه «۲۰۸ تا ۲۱۴» راه حفظ وحدت دینیه  
در جامعه را بیان می‌کند و آن ورود در سلم  
است. تنها وحدت است که سعادت دنیا و آخرت  
تأمین می‌شود، و گر نه با خروج از سلم و تغییر  
احکام الهیه، همان گونه که بنی اسرائیل و  
دیگران سر زد، وحدت دینیه از بین می‌رود**

عطف ذکر شدند، چون آن سؤال‌ها در زمان‌های گوناگون واقع شدند (۲۱۵ و ۲۱۷ و ۲۱۹). اما سه سؤال اخیر (۲۱۹ و ۲۲۰ و ۲۲۲) که در یک زمان پرسیده شدند، با حرف عطف بیان گردیدند [حوی، ج: ۱: ۵۲۱].

• در ادامه بیان احکام ازدواج، آیه ۲۲۳، عبارت «فاتوھن من حیث امرکم اللہ» در آیه قبل را توضیح می‌دهد [حوی، ج: ۱: ۵۱۸].  
• در آیات قبل، خداوند تکالیف فعلیه انسان را بیان فرمود؛ از جمله: حج، جهاد، انفاق و یتیمان. در آیات ۲۲۴ و ۲۲۵ به تکالیف قولی، از جمله سوگند اشاره می‌شود [شهرستانی، ج: ۲: ۸۸۰].

**۳. احکام و حقوق خانواده (۲۴۲ - ۲۲۶)  
وجوه ارتباط**

• در آیات گذشته، سخن از سوگندهای فراوان، لغو و بی اثر بود. به دنبال آن، «ایلاء» را در آیات ۲۲۶ و ۲۲۷ بیان می‌کند که به معنی سوگند خوردن بر ترک عمل زناشویی است.  
• در آیه ۲۲۷ ایلاء و حکم آن بیان شد و چون گاه ایلاء به طلاق می‌انجامد، در این مجموعه آیات (۲۴۲ - ۲۲۸)، احکام طلاق و برخی مسائل آن بیان می‌شود [حوی، ج: ۱: ۵۳].

**۴. نهادینه کردن جهاد (۲۵۳ - ۲۴۳)**

در این بخش از آیات (۲۵۳ - ۲۴۳) ابتدا دو موضوع انفاق و پیکار در راه خدا بررسی می‌شود که بدون آن‌ها برپایی حکومت اسلامی ممکن نیست. سپس برای تأکید بر امر جهاد، دو داستان از قوم بنی اسرائیل ذکر می‌شود. در یک داستان، هزاران نفر از ترس بیماری، از برابر دشمن می‌گریزند و به مرگی ذلت‌بار دچار می‌شوند و در داستان دیگر، گروهی اندک از یاران با ایمان طالوت در برابر انبوه لشکریان جالوت قیام می‌کنند و بر دشمن پیروز می‌شوند. گروه اول با وجود جمعیت زیاد، به دلیل جان دوستی مقهور دشمنان شدند و گروه دوم با این که جمعیت کمی بودند، صبر و تقوا را پیشه ساختند، تا آخرین مرحله مطیع فرماندهی خود باقی ماندند و توانستند بر «جالوت» و لشکریان جبار او پیروز شوند.

**ب) نظام اقتصادی اسلام (۲۸۴ - ۲۵۴)  
۱. صدقه (۲۷۴ - ۲۵۴)  
وجوه ارتباط**

• در آیات «۲۴۳ تا ۲۵۳» به وسیله نقل داستان امت‌های پیشین، حقانیت رسالت پیامبر ثابت می‌گردد، و به دنبال آن، در آیه ۲۵۴، به فرمان برداری از دستورات الهی تشویق می‌شود [زحیلی، ج: ۳: ۱۱].

آخرت تأمین می‌شود، و گر نه با خروج از سلم و تغییر احکام الهیه، همان گونه که بنی اسرائیل و دیگران سر زد، وحدت دینی از بین می‌رود [طباطبایی، ج: ۲: ۱۰۱].

• در آیه ۲۱۴، خداوند مردم را به صبر و جهاد در راه خدا فرمان داد. در آیه ۲۱۵ به انفاق در راه خدا فرمان می‌دهد و هر دوی آن‌ها دعوت به اطاعت از فرمان خداوند هستند [طبرسی، مجمع‌البیان، ج: ۱: ۴۰۰].

• آیه گذشته در مورد انفاق اموال بود. در آیه ۲۱۶ سخن از انفاق جان‌هاست که همان جهاد در راه خداست. هم‌چنین انفاق، بذل مال است و جهاد بذل جان [مکارم شیرازی، ج: ۲: ۱۰۶].

• آیه قبل جهاد را به‌طور مطلق بر مؤمنان واجب کرد. آیه ۲۱۷ در ادامه بحث جهاد، نخست حرمت ماه‌های حرام و سپس علت تشریح جهاد با مشرکان را بیان می‌کند [جوادی‌آملی، ج: ۱: ۵۷۱].

• آیه ۲۱۸ آخرین آیه در سیاق «۲۱۸ - ۲۰۸»، دعوت به اسلام است و به تصحیح افکار مؤمنینی می‌پردازد که برای پیروزی، فقط به رحمت خداوند امید دارند؛ بدون این که در راه خدا هجرت و جهاد کنند [حوی، ج: ۱: ۵۰۶].

• آیات ۲۱۹ و ۲۲۰ به بعضی از پرسش‌های جامعه اسلامی پاسخ می‌دهد و هر کدام به نحوی با مسائل مالی ارتباط دارند [جوادی‌آملی، ج: ۱: ۵۶].

**۲. دعوت به تقوای اجتماعیه (۲۲۵ - ۲۲۱)  
وجوه ارتباط**

• حرمت ازدواج با مشرکان و فضیلت ازدواج با زنان مؤمنه و مردان مؤمن از احکامی است که خداوند در آیه ۲۲۱ برای مسلمانان بیان کرده است؛ همان‌طور که در آیات گذشته، احکام قصاص، روزه، حج، جهاد و... آمده بود و وجه اشتراک آن‌ها تنها حکم الهی است [جوادی‌آملی، ج: ۱: ۱۳۲].

• تا به این جا شش سؤال مطرح شد: سه سؤال اول، بدون حرف

## نتیجه

آیات «۱۶۸-۲۰۷» دلایل و توضیحات کاملی درباره تقوا ارائه می‌دهد و ارکان و شروط و پایه‌های آن را ذکر می‌کند؛ ضمن آن که موضع انسان‌ها را در برابرش روشن می‌سازد.

آیات «۲۰۸-۲۸۴» ضمن دعوت به قبول اسلام و بیان دستورات آن، توضیحاتی اساسی درباره موضوعات مالی ارائه می‌دهند و نکات اصلی در نظام اقتصاد اسلام هم‌چون قانون صدقات، نظام غیر ربایی، نظام مبتنی بر همکاری و همیاری را با توجه به مالکیت مطلق الهی بیان می‌کنند.

خاتمه سوره (۲۸۵-۲۸۶) چکیده و خلاصه موضوعات پیشین است که همه آن‌ها به ایمان، اطاعت و توبه باز می‌گردند.

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آلوسی، محمود (۱۴۱۵ ه.ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم. تحقیق: علی عبدالباری عطیه. دارالکتب العلمیه. بیروت.
۳. ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰ ق). تفسیر التحریر و التنویر. مؤسسه تاریخ العربی. بیروت.
۴. اندلسی، ابو حیان محمد بن یوسف (۱۴۲۰ ق). البحر المحیط فی التفسیر. دارالفکر. تحقیق: صدقی محمد جمیل. بیروت.
۵. بقاعی، برهان الدین. بی تا. نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور. دارالکتب العلمیه. بیروت. چاپ اول.
۶. بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ ق). أنوار التنزیل و أسرار التأویل. دار احیاء التراث العربی. تحقیق: محمد عبد الرحمن المرعشلی الاندلسی. بیروت.
۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵ ش). تسنیم. مرکز نشر اسراء. قم.
۸. حوی، سعید (۱۴۱۲ ق). الاساس فی التفسیر. دارالسلام. چاپ سوم.
۹. رشید رضا، محمد. بی تا. تفسیر القرآن الحکیم. دارالفکر. بیروت.
۱۰. زحیلی، وهبه (۱۴۱۸ ق)، التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج. دار الفکر المعاصر. بیروت دمشق.
۱۱. سید بن قطب، ابو عبدالله محمد (۱۴۱۲ ق). فی ظلال القرآن. دارالشروق. بیروت، قاهره.
۱۲. الشهرستانی، محمد بن عبدالکریم (۱۳۸۶ ش). مفاتیح الاسرار و مصابیح الابرار. مرکز البحث و الدراسات للتراث المخلوط. تهران.
۱۳. طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷ ق). المیزان فی تفسیر القرآن. دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. قم.
۱۴. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۶ ق). مجمع البیان. دار احیاء التراث العربی. بیروت - لبنان.
۱۵. فخرالدین رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ ق). مفاتیح الغیب. دار احیاء التراث العربی. بیروت.
۱۶. کاشانی، ملافتح الله (۱۳۳۶ ش) تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین. کتاب فروشی محمد حسن علمی. تهران.
۱۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰ ش). تفسیر نمونه. دارالکتب الاسلامیه.

• در آیات پیشین، داستان امت‌های گذشته و اختلاف آنان را با پیامبرانشان در مسئله توحید بیان کرد. اینک در آیه ۲۵۵ به ذکر اصل توحید می‌پردازد [کاشانی، ج ۲: ۷۹].

• با توصیفی که در آیه‌الکرسی از خداوند متعال شد و دین توحید و حق را با معرفی خود بیان کرد، در آیه ۲۵۶ می‌فرماید، دین حق آشکار شد و مردم آزادند و اکراه و الزامی در دین نیست [زحیلی، ج ۳: ۲۱].

• پس از آن که خداوند دو دسته مؤمنین و کافرین را در آیه قبل بیان کرد، در آیه ۲۵۷ ولی و سرپرست هر کدام را ذکر می‌کند [طبرسی، مجمع البیان، ج ۲ و ۱: ۴۷۱].

• آیات «۲۲۰-۲۵۸» و پس از آن بیانگر معنای توحید و یگانگی خداوند است. به همین جهت، با آیات قبل «۲۵۵-۲۵۸» ارتباط و پیوند دارد و احتمال دارد با آن‌ها نازل شده باشد [طباطبایی، ج ۲: ۴۸۳].

• آیه ۲۶۱ سرآغاز آیات چهارده گانه (۲۷۴-۲۶۱) انفاق است. سیاق و وحدت موضوعی این آیات، مؤمنین را به انفاق در راه خدا تشویق می‌کند و در ضمن بیان می‌کند که همه این آیات با هم نازل شده‌اند [طباطبایی، ج ۲: ۳۸۲].

## ۲. تحریم ربا (۲۸۱-۲۷۵)

بعد از آیات انفاق، هفت آیه «۲۸۱-۲۷۵» درباره ربا، بدون هیچ‌گونه فاصله، حتی حرف ندا و مانند آن، آمده است که بیانگر ارتباط و پیوستگی آن دو است. ارتباط آیات انفاق با آیات ربا از نوع تضاد است، زیرا خداوند با لطف و رحمت، مؤمنان را به انفاق تشویق می‌کند و با تعابیر و تهدیدهای شدید از رباخواری منع می‌کند [حوی، ج ۱: ۶۳۰].

## ۳. همکاری و همیاری در اسلام (۲۸۴-۲۸۲)

به دنبال بحث انفاق و پاداش آن و تحریم ربا و خطرات آن، در این آیات برای امنیت و حفظ سرمایه در معاملات نقدی و غیرنقدی، با وضع قوانین مربوط به ثبت قراردادهای مالی، دری به روی انسان گشوده می‌گردد.

## ج) خاتمه و جمع‌بندی (۲۸۶-۲۸۵)

قرآن کریم معمولاً در پایان هر سوره، خلاصه مطالب و موضوعات مطرح شده در طی آیاتش را بیان می‌کند. از این رو، دو آیه پایانی سوره بقره، چکیده و جمع‌بندی معارف سوره در سه اصل ایمان به خدا و باور معاد و قبول علمی و عملی همه کتاب‌های آسمانی و رسولان الهی است.



## موجودات زنده آری یا خیر

### آیا از نظر قرآن، در سیاره‌های دیگر جهان، موجودات زنده‌ای وجود دارند؟

در این باره، به طور قطع نمی‌توان اظهار نظر کرد؛ اما به طور احتمال می‌توان گفت که در سیاره‌های دیگر، موجودات زنده‌ای وجود دارند. قرآن کریم می‌فرماید:

«و من آيته خلق السموات و الأرض و ما بث فيهما من دابة و هو على جمعهم إذا يشاء قدير» [شوری/ ۲۹]: از نشانه‌های قدرت او، آفرینش آسمان‌ها و زمین و پراکندن جنبندگان در آن دو است و هر وقت اراده کند، قادر به گردآوردن آن‌هاست.

بعضی از قرآن‌پژوهان از عبارت «آفرینش آسمان‌ها و زمین و پراکندن جنبندگان در آن دو»، برداشت کرده‌اند که ممکن است در کرات آسمانی، موجودات زنده‌ای وجود داشته باشند [القرآن و العلم الحديث، ص ۲۱۹؛ فی ظلال القرآن، ج ۷: ۲۸۹؛ المیزان، ج ۱۸: ۵۸].

آیه دیگری نیز می‌فرماید: «و ربك أعلم بمن فی السموات و الأرض» پروردگار تو از حال همه کسانی که در آسمان‌ها و زمین‌اند، آگاه‌تر است [القرآن و العلم الحديث، ص ۲۱۶].

طبق بعضی از روایات نیز در کرات آسمانی، موجودات زنده وجود دارند. در روایتی از امام باقر(ع) می‌خوانیم: «إن من وراء قمرکم هذا أربعین قمرا ما بین قمر إلى قمر مسيرة أربعین یوما فیها خلق کثیر ما یعلمون أن الله خلق آدم أو لم یخلقه [بحارالانوار، ج ۲۷: ۴۵]: از پس این ماه شما، چهل ماه دیگر وجود دارد که بین هر ماه تا ماه دیگر مسافت چهل روز فاصله است. در آن‌ها آفریدگان فراوانی وجود دارند که نمی‌دانند آیا خداوند، آدم را [در زمین] آفریده یا نیافریده است.

شایان ذکر است که منظور از موجودات زنده، جز فرشتگان است؛ چرا که فرشته‌ها در همه عالم موجود و پراکنده‌اند.

منبع: پاسخ به سوالات قرآنی دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، مرکز فرهنگ و معارف قرآن

## مقدمه

عالمان حدیث، فقها، فلاسفه و علمای لغت، در مورد معنی دقیق هرمنوتیک یا تأویل اختلاف نظر وجود دارد.

کاربرد واژه تأویل در آیات قرآن کریم، انگیزه‌های برای بحث‌های گسترده درباره تأویل شده است. این واژه در قرآن هفده بار به کار رفته است. از جمله در آیه هفت سوره مبارکه آل عمران که تأویل به معنای «قول» گرفته شده است و یا در آیات ۷۸ و ۸۲ سوره مبارکه کهف که «تأویل افعال حضرت خضر (ع) است که موسی (ع) تحمل آن را نداشت.» و یا در آیات مختلف در سوره یوسف که از تأویل به «تعبیر خواب» تفسیر و معنا شده است. به هر حال، این نکته مورد اهمیت است که معنی تأویل، عدول از معنای ظاهر است یا به صورت معنی ثانوی یا تفسیر و یا حتی رمز و باطن آیات که هر کدام از این معانی در موقعیتی خاص به کار رفته است و می‌رود.

برای مثال، وقتی **محمد بن جریر طبری** در تفسیرش مرتب می‌نویسد: «القول فی تأویل قوله کذا و کذا» یا «اختلف اهل التأویل فی هذه الآیه»، مرادش از تأویل تفسیر است. اما در حقیقت، معنی تأویل با تفسیر

فرق دارد. زیرا آگاهی از تفسیر همه آیات

قرآن ممکن است، در حالی که تأویل

بعضی آیات قرآن را کسی نمی‌داند

[روش‌های تأویل در قرآن: ۳۸].

ابن تیمیه در مورد قابل

فهم بودن تفسیر همه آیات

قرآن می‌گوید:

«هیچ آیه‌ای از قرآن،

از نظر معنا مبهم نیست که

غیرقابل فهم باشد. خداوند قرآن

را فرو فرستاده تا دانسته شود و به

فهم درآید و در آن تدبر شود. گرچه

عنوان «هرمنوتیک» ظاهراً برای اولین بار به وسیله جی. سی. دانهاوسر در کتاب «هرمنوتیک مقدس» در سال ۱۶۵۴م. به کار رفته است. هرمنوتیک در ادبیات اسلامی و ایرانی به «تأویل» معنی شده است و در این صورت، این کلمه، حداقل قدمتی به اندازه ظهور اسلام دارد. واژه تأویل علاوه بر معنای لغوی در هر یک از حوزه‌های معرفت دینی، اصطلاحی خاص دارد. خلط بین معنای لغوی و اصطلاحی تأویل، سبب اشتباه و انحراف در تفسیر متون دینی شده است و می‌شود. هر کدام از فرقه‌ها و مکتب‌های اسلامی با تمسک به این کلمه و با محور قرار دادن تفکرات خویش، به آیاتی از قرآن استدلال کرده‌اند. جبر، تفویض، اباحه‌گری و حتی نفی احکام شریعت و عبادات و نفی رستخیز و... از جمله اموری هستند که با تأویل قرآن نتیجه گرفته شده‌اند.

این نوشتار گامی است در شناخت بیشتر این علم در سه حوزه معرفت دینی شامل حوزه متون اسلامی، حوزه مکاتب باطنی و حوزه فقه و اصول.

**کلیدواژه‌ها:** تأویل، تنزیل، هرمنوتیک، تفسیر، ظاهر، باطن

## معنی هرمنوتیک

هرمنوتیک یا تأویل، حداقل چهار معنای رایج دارد:

۱. مرجع، مآل و عاقبت: مفسران و عالمان علم حدیث بیشتر به این معنا توجه دارند.
۲. تفسیر و تبیین: متأخران و برخی از مفسران به آن تعبیر می‌کنند.
۳. رمز و باطن: باطنیه و غلات بیشتر این معنا را در نظر دارند.
۴. معنای خلاف ظاهر: بیشتر توسط اصولیین به کار می‌رود. بین علمای اسلامی اعم از متکلمین، اصولیین، مفسرین،

# هرمنوتیک در قرآن کریم

بررسی تأویل در حوزه‌های متون اسلامی، مکاتب باطنی، فقه و اصول

محمد جواد پیشوایی

کارشناس امور قرآنی معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش





تأویل آن را ندانند» [الاکلیل فی المتشابه و التأویل: ۲۱]. خداوند می‌فرماید: «تلك آیات الكتاب المبين، انا انزلناه قرآناً عربياً لعلکم تعقلون» [یوسف، ۲ و ۳]. پس خداوند مردم را به تدبیر و تفکر در آیات الهی تشویق کرده است و صد البته چیزی از قرآن از این حکم مستثنا نیست. اما این که همه آیات قرآن و همه معانی ظاهری و باطنی آن قابل فهم است یا خیر، جای تأمل دارد. خداوند می‌فرماید: «قل انما علمها عند ربی» [اعراف، ۱۸۷]. این نشان می‌دهد که انسان از درک همه معانی مختلف و نه ظاهری قرآن عاجز است و این همان است که به آن تأویل می‌گویند. پس حقیقت خارجی بعضی آیات (مثل آیات مربوط به قیامت، بهشت و دوزخ) را از نظر صفت و کیفیت کسی جز خدا نمی‌داند.

### تأویل از دیدگاه علامه طباطبایی

علامه طباطبایی که در موضوع تأویل، صاحب نظریه و مکتب است، اعتقاد دارد که در عرف قرآن، تأویل عبارت است از حقیقتی که حکم، خبر و هر امر ظاهر دیگری بر آن اعتماد دارد [المیزان، ج ۸: ۱۳۵] و آن حقیقت، امری عینی است که سبب تشریح حکمی از احکام، یا بیان معرفتی از معارف و یا باعث وقوع حادثه‌ای از حوادث می‌شود [همان، ج ۳: ۵۲]. ایشان معتقدند، هر چیزی اعم از افعال، احکام و رویاها، به حقیقت یا حقایق عینی مستند است که آن حقیقت یا حقایق، منشأ قول، فعل، حکم و رویا و هر چیز دیگری است. ایشان در ذیل آیه ۸۲ سوره کهف می‌فرمایند:

«تأویل آن حقیقتی است که شیء آن را دربردارد و بر آن مبتنی است و بدان باز می‌گردد. مانند تأویل رویا که همان تعبیرش است و تأویل حکم که همان ملاک حکم است و تأویل فعل که همان مصلحت و غایت حقیقی است که فعل به خاطر آن تحقق یافته است. و تأویل یک واقعه، همان علت واقعی آن است که سبب وقوع واقعه شده است» [همان، ج ۱۳: ۳۴۹].

ایشان هم‌چنین در مورد تأویل احکام ذیل آیه ۵۹ سوره نساء می‌گویند: «تأویل حکم یا احکام، عبارت است از آن مصلحت واقعی که حکم از آن ناشی می‌شود و سپس آن مصلحت بر عمل به آن حکم مترتب می‌گردد» [همان، ج ۴: ۴۰۲]. برای مثال می‌توان گفت: یکی از مصالحی که باعث شده نماز تشریح شود، لزوم دوری جستن مردم از فحشا و منکر است. حال اگر مردم به‌طور واقعی به این حکم عمل کنند، دوری جستن از زشتی‌ها بر عمل آن‌ها مترتب خواهد شد. علامه می‌گوید: «رابطه فعل و شیء با تأویلش مانند رابطه ضرب با تأدید و رگ‌زدن با معالجه است، نه نظیر رابطه الفاظ و مفاهیم با مصادیق. مانند عبارت: «جاء زيد» که مصداق آن آمدن زيد در خارج است» [همان، ج ۳: ۲۶].

از دیدگاه علامه طباطبایی، جمیع آیات قرآن دارای تأویل است [همان، ج ۳: ۵۴]. ایشان تأویل قرآن را حقیقتی واقعی می‌دانند که مستند تمام بیانات قرآنی، اعم از حکم، موعظه یا حکمت و نیز محکم و متشابه است [همان، ج ۱۰: ۶۶].

پس به نظر ایشان، تأویل قرآن عبارت است از «حقایق خارجی» که آیات قرآن در معارف، شرایع و سایر بیاناتش بدان مستند است [همان، ج ۳: ۵۳] و در جای دیگر می‌فرماید: «تأویل قرآن، مدلول الفاظ قرآن نیست، بلکه بالاتر از آن است که شبکه الفاظ بتواند بدان دست یازد. اگر خداوند آن حقیقت را به صورت مجموعه‌ای از الفاظ نازل کرد، به جهت آن است که آن را تا حدودی به اذهان نزدیک سازد، چنان که خود



از دیدگاه علامه طباطبایی، جمیع آیات قرآن دارای تأویل است. ایشان تأویل قرآن را حقیقتی واقعی می‌دانند که مستند تمام بیانات قرآنی، اعم از حکم، موعظه یا حکمت و نیز محکم و متشابه است

## رابطه حقیقت یا حقایق قرآنی با الفاظ قرآن از نوع دال و مدلول نیست، بلکه رابطه مَثَل و مُمَثَل است. یعنی خداوند حقیقت قرآن را جهت نزدیک کردن به اذهان، لباس الفاظ پوشیده است



است، در جایگاهی است که خداوند آن را «کتاب حکیم» نامیده است. عباراتی هم چون «آم الكتاب»، «لوح محفوظ»، «کتاب حکیم» و «کتاب مکنون»، در آیات زیر جایگاه تأویل قرآن را نشان می‌دهد:

۱. «حم × والکتاب المبین × انا جعلناه قرآناً عربياً لعلکم تعقلون × وانه فی ام الكتاب لدینا لعلی حکیم» [زخرف، آیات ۱-۴]: «آم الكتاب» ذکر شده در این آیات شریفه، جایگاهی است برای تمام حقایق این عالم. برخی دیگر از آیات قرآن این موضوع را تأیید می‌کنند. از جمله سوره حجر آیه ۲۱، سوره یس آیات ۸۳-۸۲ و سوره قمر آیات ۴۰-۴۹.

۲. «بل هو قرآن مجید × فی لوح محفوظ» [بروج، آیات ۲۱-۲۲]: «لوح محفوظ» در این آیه شریفه اشاره به این دارد که قرآن مجید همواره مجموعه حقایق عالم طبیعت با تمام مخلوقاتش و همه حقایق اخروی است که همه در این لوح محفوظ وجود دارد.

۳. «انه لقرآن کریم × فی کتاب مکنون» [واقعه، آیات ۷۸-۷۷]: «کتاب مکنون» همان کتاب مستندی است که همه حوادث خوب و بد عالم و همه اتفاقات جهان خلقت از ازل تا ابد و همه حقایق دنیوی و اخروی، در آن نهفته است.

از مجموع این آیات برمی‌آید که اول، مجموعه این عالم طبیعت با تمام مخلوقاتش یک حقیقت خارجی دارد که در قرآن کریم از آن به «خزائن»، «ملکوت» و «امر» تعبیر شده است. دوم این که هر چیزی در این عالم دارای ملکوت است. سوم، ملکوت هر چیزی نزد خداوند و در دست قدرت لایزال اوست و چهارم این که تمام مخلوقات، نازله عالم ملکوت هستند. و بالاخره پنجم این که ملکوت و امر، بسیط و واحد است و کثرات عالم خلق از ملکوت و امر که امری واحد و بسیط است، سرچشمه می‌گیرند. پس آسمان و زمین و مخلوقات، با همه کثرتشان، یک ملکوت دارند و این همان «آم الكتاب»، «کتاب مکنون» و «لوح محفوظ» است که تمام مخلوقات نازله آن و تمام حوادث به آن مستند است.

«ما اصاب من مصیبة فی الارض و لا فی انفسکم الا فی کتاب من قبل ان نبرأها ان ذلک علی الله یسیر» [حدید، ۲۲]: «هیچ مصیبتی نه در زمین و نه در نفس‌های شما [به شما] نرسد، مگر آن که پیش از آن که آن را پدید آوریم، در کتابی است. این کار برای خدا آسان است.»

در سوره قمر آیه ۵۰، سوره نساء آیه ۷۸، سوره رعد آیه ۳۹ و آیات دیگر در این زمینه، نکات سودمندی وجود دارد.

حقیقت خارجی همه چیز در عالم، همان تأویل است و تأویل همه چیز نهایتاً به خدا برمی‌گردد. و این درست همان توحید

قرآن می‌فرماید: «حم × والکتاب المبین × انا جعلناه قرآناً عربياً لعلکم تعقلون × وانه فی ام الكتاب لدینا لعلی حکیم» [زخرف، آیات ۱-۴]. «حاء، میم × سوگند به کتاب روشنگر × ما آن را قرآن عربی قرار دادیم، باشد که بیندیشند × و همانا که آن در کتاب اصلی، در نزد ما سخت والا و پر حکمت است.»

رابطه حقیقت یا حقایق قرآنی با الفاظ قرآن از نوع دال و مدلول نیست، بلکه رابطه مَثَل و مُمَثَل است. یعنی خداوند حقیقت قرآن را جهت نزدیک کردن به اذهان، لباس الفاظ پوشیده است، مانند بیان کردن مقاصد عالی به وسیله ضرب‌المثل، که آن مقاصد عالی را با ضرب‌المثل به ذهن‌ها نزدیک می‌سازند» [همان، ج ۳: ۴۹].

### معنی دیگری از هرمنوتیک

گفته شد که یکی از معانی هرمنوتیک یا تأویل، معنای خلاف ظاهر است. دیدگاه دیگری نیز در این زمینه وجود دارد که معتقد است، معنای باطنی لفظ می‌تواند در طول معنای ظاهری قرار گیرد. بدین معنی که هرمنوتیک می‌تواند با معنای ظاهر مخالف نباشد. برای روشن شدن این معنا از هرمنوتیک مثالی ذکر می‌کنیم: فرض کنید اگر کسی بگوید «زید کثیرالرماد» معنای ظاهری عبارت این است که «زید خاکستر زیاد دارد.» طبق اصطلاح مذکور، این معنا، تأویل به‌شمار نمی‌رود. معنای دیگر این جمله که در طول معنای ظاهری‌اش است، آن است که «زید مهمان زیادی دارد» و معنای دیگر عبارت مذکور آن است که «زید انسان سخاوتمندی است.» معنای دوم و سوم، معنای باطنی جمله هستند که طبق اصطلاح مذکور، هرمنوتیک یا تأویل نامیده می‌شود.

### جایگاه تأویل قرآن

پس دانستیم که تأویل قرآن که مستند تمام مضامین قرآن





## احکام دینی به این جهت تشریح شده تا راهی باشد برای وصول و رسیدن به حق. پس اگر راه دیگری یافت شود که ما را بهتر به حق برساند، رفتن آن راه لازم است، زیرا هدف، رسیدن به حق است

افعالی است. چرا که اگر تأویل هر چیزی را همان مرجع، مصیر و مآلش بدانیم که از آن نشأت گرفته و عاقبت به آن برمی‌گردد، پس همه چیز از آن خداست و به او برمی‌گردد. «انالله و انا الیه راجعون» [بقره، ۱۵۶].

### تأویل در گروه‌های مختلف اسلامی

بعضی از مفسران، دنباله‌روی از آیات متشابه قرآن را عامل اصلی در پدید آمدن نظریات انحرافی در میان مسلمانان می‌دانند. علامه طباطبایی در این زمینه می‌فرماید:

«اگر کسی بدعت‌ها و عقاید فاسدی را که باعث شد بعد از پیامبر(ص)، فرقه‌های اسلامی از حق منحرف شوند، پی‌گیری کند، درخواهد یافت که اکثر آن‌ها انحرافشان به علت دنباله‌روی از متشابه و تأویل قرآن بر غیرمراد و مقصود خداوند بوده است؛ چه آن‌ها که در فقه دچار اشتباه شدند و چه آن‌ها که در معارف به دام انحراف گرفتار آمدند. گروهی به تجسیم معتقد شدند و گروهی به جبر و گروهی به تفویض. جمعی لغزش پیامبران و دسته‌ای نفی صفات از خداوند و گروهی تشبیه و زیادت صفات را در خداوند اثبات کردند» [المیزان، ج ۳: ۴۱].

در جهت پیروی از متشابهات هم‌چنین گروهی گفته‌اند: احکام دینی به این جهت تشریح شده تا راهی باشد برای وصول و رسیدن به حق. پس اگر راه دیگری یافت شود که ما را بهتر به حق برساند، رفتن آن راه لازم است، زیرا هدف، رسیدن به حق است، به هر طریقی که میسر باشد. برخی دیگر چنان از راه اصلی منحرف شده‌اند که می‌گویند: تکلیف، مقدمه‌ای برای رسیدن به کمال است. پس بعد از رسیدن به کمال، بقای تکلیف معنا ندارد.

البته آمیختگی مسلمانان با علمای ادیان و مذاهب دیگر به‌ویژه بعد از فتوحات اسلامی و ترجمه فلسفه و علوم دیگر به زبان عربی، عامل دیگری در پدید آمدن جریان‌های تأویلی است. گروه‌های به‌وجود آمده در مورد تأویل، حداقل به دو گروه عمده تقسیم می‌شوند:

**گروه اول** آن‌ها که معتقدند قرآن به زبان رمز و اشاره سخن گفته است و ظواهر آیات قرآن رموزی بیش نیستند. گروه‌هایی چون باطنیه، غلات، صوفیه، برخی عرفا و بعضی فلاسفه در تأویلاتشان این راه را دنبال کرده‌اند. البته فلاسفه، عرفا و صوفیه، از الفاظ قرآن رمز معنای کلی و باطنیه و غلات رمز برای اشخاص گرفته‌اند.

**گروه دوم** آن‌ها هستند که تأویلاتشان با الفاظ ارتباط دارد و تأویلات آن‌ها نوعی تأویلات مجازی محسوب می‌شود. متکلمان، فقها و بسیاری از مفسران در این گروه جای دارند.

خواجه اولین گروهی هستند که دست به تأویل زدند. آن‌ها با تأویل آیه «ان الحكم الا لله» [یوسف، ۴۰] بر امیر مؤمنان علی(ع) شوریدند که چرا تن به حکمیت داده است. علی(ع) درباره تأویل آن‌ها از آیات قرآن، فرمودند: «کلمة حق براد بها الباطل» [نهج البلاغه، خطبه ۴۰]: کلمه حقی را گفتند و از آن اراده باطل کردند.

معتزله و اشاعره هم در مسائلی از قبیل جبر، تفویض، امکان یا عدم امکان رؤیت خداوند، نفی یا اثبات صفات خدا، به تأویل قرآن پرداختند. گرچه معتزله در این امر مشهورتر از اشاعره هستند، اما هر دو در معنی تأویل و مصادیق آن اشتراکاتی دارند. مثلاً اشاعره و معتزله در تأویل صفات هم‌نظرند. آن‌ها صفاتی مانند «بد»، در آیه «یدالله فوق ایدیهیم» [فتح - ۱۰]، «قبضته» در آیه «والارض جميعاً قبضته يوم القيامة» [زمر - ۶۷] و یا «استواء» در آیه «الرحمن علی العرش استوی» [طه - ۵] و سایر صفات را اخباری می‌دانند که باید برخلاف ظاهرشان حمل کرد.

**سومین گروه**، صوفیه و عرفا هستند. آن‌ها ظواهر آیات قرآن را به کناری زده و به تأویل‌های رمزگونه پرداختند. به زعم اینان، الفاظ قرآن هیچ‌گونه دلالت وضعی و استعمالی بر آن ندارد و همه این الفاظ را رمزی و نشانه‌ای از یک معنای باطنی می‌دانند. برای مثال، آیه «و لیل عشر» [فجر، ۲] را به حواس دهگانه ظاهر و باطن تأویل می‌کنند. یا عناصر اصلی داستان یوسف(ع) را به قوای روحانی تأویل می‌نمایند. مثلاً یوسف را «قلب مستعد»، یعقوب را رمزی برای «عقل» و برادران یوسف را «ده حس ظاهر و باطن و غضب و شهوت» می‌شمرند [تفسیرالقرآن الکریم، ج ۲، ذیل آیه شریفه فوق].

**گروه چهارم**، برخی مفسران و فلاسفه هستند. آنان در جهت سازگار کردن آرای دینی با آرای فلاسفه، به‌خصوص افلاطون و ارسطو تلاش گسترده‌ای به‌کار برده‌اند. مثلاً ابن‌سینا در مورد آیه «ان الصلوة تنهی عن الفحشاء و المنکر» [عنکبوت، ۴۵] می‌گوید: نماز حقیقی، تشبیه نفس ناطقه انسانی

در دسته‌ای از روایات دیگر، تفسیر و تأویل به صورت مترادف به کار رفته است. از جمله امیرمؤمنان علی (ع) می‌فرماید: «تجلی بالتنزیل ابصارهم و یرمی بالتفسیر فی مسامعهم». [نهج البلاغه، خطبه ۱۵۰].

ملاحظه می‌شود که در این کلام، واژه تفسیر در برابر تنزیل به کار رفته است، در حالی که در روایات پیشین، تأویل در برابر تنزیل به کار رفته بود. بنابراین می‌توان گفت در این روایت، تأویل و تفسیر مترادف هستند. اما در دسته‌ای دیگر از روایات، تفسیر با تأویل هم معنی نیستند. برای مثال، حضرت علی (ع) در نامه‌ای خطاب به معاویه، پس از بازگ کردن گوشه‌هایی از تاریخ انبیا و اولیای الهی می‌فرماید: «کل ذلك نقص علیک من انباء ما قد سبق و عندنا تفسیره و عندنا تأویله» [بحارالانوار، ج ۳۳: ۱۳۳] این عبارت در مترادف‌نویسی تأویل و تفسیر ظهور دارد.

دیدیم که در برخی روایات، تأویل با تفسیر مترادف است و در برخی دیگر تقابل دارد. در این صورت می‌توان برای آن‌ها رابطه‌ی عموم و خصوص مطلق در منطق قائل شد. یعنی تأویل، عام و تفسیر خاص است. اگر تأویل را عبارت از «معنای

به اجرام فلکی است [روش‌های تأویل در قرآن: ۶۷].

و اما شیعه امامیه نیز قائل به تأویل است؛ البته با مبانی سه‌گانه قرآن، سنت صحیح و عقل. امیرمؤمنان علی (ع) می‌فرماید: «قسم به خدایی که دانه را شکافت و انسان را آفرید، چیزی نیست جز فهمی که خداوند به بنده‌اش درباره کتاب می‌دهد و آن چه که در این صحیفه است.» [التفسیر و المفسرون، ج ۱: ۵۹] از نظر شیعه، غیر از قرآن که آیتش مفسر یکدیگر است، دو چیز دیگر در تأویل قرآن نقش دارد: یکی سنت صحیح که حضرت در کلام فوق به آن اشاره داشته‌اند و دیگری فهم صحیح آیات که با به کار انداختن عقل میسر می‌شود.

امامان معصوم ما علیهم السلام هرگونه تأویل ناروایی را در مورد قرآن مردود دانسته‌اند و همه این تأویلات باطل غلات، باطنیه، فلاسفه، معتزله، اشاعره و ... را رد کرده‌اند.

## تنزیل و تأویل

«من برای تنزیل جنگیدم و تو کشته تأویل هستی.» این مضمون حدیثی است که پیامبر (ص) خطاب به حضرت علی (ع) فرموده و به صورت‌های مختلف نقل شده است. [فروع کافی، ج ۵: ۱۰؛ بحارالانوار، ج ۲۳: ۳۰۷]. این کلام با سندهای مختلف و متفاوت در کتاب‌های حدیث ذکر شده است. و در مورد معنی مترادف، تفاوت یا تشابه این دو واژه نکات سودمندی دارد.

در روایات متعدد، گاهی تنزیل در مقابل تأویل و گاهی در کنار هم مترادف با تفسیر به کار رفته و گاهی هم به تنهایی آمده است. از سلمان فارسی نقل شده است که گفت: «علی (ع) همه قرآن را جمع‌آوری کرد و با دست خود تنزیل و تأویل آن را نوشت [بحارالانوار، ج ۸۹: ۴۰]. در این معنا، تنزیل و تأویل دو معنای متفاوت دارند.

حضرت علی (ع) در قسمتی از نامه خود به معاویه می‌نویسند: خداوند را بندگان است که به تنزیل ایمان دارند و به تأویل آگاه‌اند [بحارالانوار، ج ۳۲: ۴۲۹]. در روایتی آمده است که میثم تمار به ابن عباس گفت: درباره تفسیر قرآن هر چه می‌خواهی از من بپرس، زیرا من تنزیلش را بر امیرمؤمنان علی (ع) قرائت کرده‌ام و ایشان تأویل آن را به من آموخته است [همان، ج ۴۲: ۱۲۸].

در روایت بالا مشاهده می‌شود که واژه‌های تنزیل و تأویل به نوعی در مقابل هم به کار رفته‌اند و نتیجه می‌گیریم که تنزیل چیزی غیر از تأویل است.

**امامان معصوم ما علیهم السلام  
هرگونه تأویل ناروایی را در  
مورد قرآن مردود دانسته‌اند و  
همه این تأویلات باطل غلات،  
باطنیه، معتزله، اشاعره و ... را  
رد کرده‌اند**



مراد از الفاظ «بگیریم، بدیهی» است که همه انواع معانی را شامل می‌شود. پس در این صورت می‌توان گفت که هر تفسیری نوعی تأویل است، اما هر تأویلی تفسیر نیست.

در برخی روایات، اساساً تأویل به صورت مستقل به کار رفته است و بیشتر ناظر بر مدلول لفظ یا مصادیق الفاظ است. مثلاً منقول است که معاویه در بحثی خطاب به ابن عباس گفت: «مناقب علی (ع) و اهل بیت (ع) او را نگو. ابن عباس گفت: ما را از تأویل قرآن نهی می‌کنی؟ جواب داد: بلی. ابن عباس گفت: «فَنقَرَاهُ وَ لَانَسَأَلُ عَنْ مَا عَنِ اللّٰهِ بِهِ»: قرآن را بخوانیم، ولی نگوییم مقصود خداوند از آن چیست؟ [همان، ج ۲۵: ۳۷۵]. چنان که ملحوظ است، در این خبر «ما عَنِ اللّٰهِ بِهِ» یعنی مقصود خداوند از قرآن، تأویل آن نامیده شده است.

یاز امام محمد باقر (ع) از وجه تسمیه جمعه سؤال شد. حضرت فرمود: تأویل جمعه آن است که خداوند بدین منظور جمعه را به این نام نامیده است که در این روز، همه جن و انس و اولین و آخرین را جمع می‌کند [همان، ج ۲۴: ۳۹۹].

در روایت زیر، تأویل در مورد مصادیق الفاظ استعمال شده است:

هارون الرشید از امام کاظم (ع) پرسید: چرا شما خود را فرزندان رسول

خدا (ص) می‌دانید، در حالی که فرزندان علی (ع) هستید؟ امام فرمود:

همه اتفاق نظر دارند که در جریان مباحثه، کسی جز علی، فاطمه، حسن و حسین (ع) با پیامبر (ص) نبوده است. بنابراین، در آیه مباحثه - آیه ۶۱ سوره آل عمران - تأویل ابناءنا، حسن و حسین (ع) و تأویل نساءنا، فاطمه (س)، و تأویل انفسنا، علی (ع) است [همان، ج ۳۵: ۲۱۱]. واضح است که معنای لغوی ابناءنا و نساءنا و انفسنا، حسن و حسین، فاطمه و علی نیست، بلکه آن‌ها مصادیق این الفاظ هستند.

### معناشناسی هرمنوتیک

در کتاب‌های شیعه و اهل سنت، روایاتی آمده است به این مضمون که قرآن ظاهر و باطن و حدّ و مطلع دارد.

محمد بن منصور از امام کاظم (ع) نقل کرده است که فرمود: «ان للقرآن ظاهراً و باطناً» [کافی، ج ۴: ۵۴۹]. یا از علی (ع) نقل شده است که فرمود: «ما من آیه الا و لها اربعة معان، ظاهر و باطن و حدّ و مطلع، فالظاهر التلاوة، و الباطن الفهم، والحد هو احكام الحلال و الحرام، و المطلع هو مراد الله من العبد بها» [تفسیر الصافی، ج ۱: ۲۸]. یا از پیامبر مکرم اسلام (ص) نقل شده است که فرمود: «ما فی القرآن آیه الا و لها ظهیر و بطن و ما فیهِ حرف الا و له حد و لكل حد مطلع» [البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱: ۲۰].

از مجموع روایات منقول در کتاب‌های اهل سنت و شیعه مستفاد می‌شود که قرآن ظاهر و باطن دارد. دارای چندین ظاهر و باطن است و حدّ و مطلع نیز دارد.

باید دانست که ظاهر و باطن و تنزیل و تأویل، چیزی نیست که به قرآن اختصاص داشته باشد، بلکه در هر کلام معنادار، ساری و جاری است. یعنی گوینده و شنونده هر کدام هنر خود را در بیان آن با معنای مورد نظر در شکل الفاظی زیبا و فهم دقیق معنی باطنی نشان می‌دهند که البته این کلام بشری با کلام قرآن کریم اختلاف فراوان از نظر فصاحت و بلاغت، چگونگی و نوع ظاهر و باطن و... دارد که این مثال صرفاً به منظور تقریب به ذهن موضوع مورد بحث طرح شد.

در هر حال، قرآن کریم یک قوس نزولی و یک قوس صعودی دارد؛ قوس نزولی «تنزیل» و قوس صعودی «تأویل» است.

### آگاهان به تأویل

از آن جا که قرآن برای هدایت مردم آمده است، تحقق این

**باید دانست که ظاهر و باطن و تنزیل و تأویل، چیزی نیست که به قرآن اختصاص داشته باشد، بلکه در هر کلام معنادار، ساری و جاری است**

## تأویل در فقه و اصول

محور بحث تأویل در اصول فقه، میزان ظهور یا عدم ظهور لفظ در معناست. یعنی محدوده تأویل به الفاظ ظاهر منحصر می‌شود و شامل تأویل در الفاظ خفی، مشکل، متشابه و امثالهم نمی‌شود. پس براساس این نظر، تأویل عبارت است از حمل لفظ بر معنایی که در آن ظهور ندارد، از روی دلیل ظنی [روش‌های تأویل قرآن: ۲۷۰]. با این حساب، در اصطلاح علم اصول، تأویل، تعیین و تبیین مراد شارع از روی دلیل ظنی است و تفسیر، تعیین و تبیین مراد شارع از روی دلیل قطعی است [الموجز فی اصول الفقه: ۱۲۴]. از نظر فقه و اصول، الفاظی که در قرآن استعمال شده، از دو حالت خارج نیست: یا مراد از آن‌ها واضح است یا مراد آن‌ها واضح نیست. دسته اول نص، ظاهر و محکم است و دسته دوم خفی، مشکل و متشابه. مثلاً آیه «ان الله بكل شیء علیم» [عنکبوت، ۶۲]. مقصود آیه و دلالت آن بسیار واضح است و آن علم کامل خداوند است به همه چیز. و کلمه «ید» در آیه «ید الله فوق ابدیهم» [فتح، ۱۰] را که به معنای قدرت تفسیر کرده‌اند، به عنوان کلمات تأویل پذیر محسوب کرده‌اند.

امر جز با فهم آن میسر نیست. بنابراین، بر طبق آیات و روایات متعدد، از جمله آیه ۱۱۳ سوره نساء که می‌فرماید:

«و انزل الله علیک الكتاب و الحکمة و علمک ما لم تکن تعلم...»: «و خداوند بر تو کتاب و حکمت نازل کرد و چیزهایی به تو آموخت که از این پیش نمی‌دانستی...» نتیجه می‌گیریم که فهم قرآن و آگاهی از تنزیل و تأویل محصور در خداوند نیست. برخی از انسان‌های خاص با داشتن ویژگی‌های منحصر به فرد نیز می‌توانند به تأویل قرآن آگاه باشند. زیرا به‌طور قطع هدف خداوند از انزال قرآن هدایت مردم است و قصد مبهم‌گویی و طرح معما را ندارد. لذا بی‌شک آن را در الفاظ و عباراتی بیان می‌کند که حاکی از مقاصد او باشد. خداوند در قرآن و آیات آن تأکیداتی در این زمینه دارد. واژه‌هایی چون «بیان»، «مبین»، «بینات» و «مبینات» به همین امر اشاره دارد.

پیامبر(ص) اولین و سزاوارترین فرد در شناخت تأویل قرآن است. به نص قرآن و روایات، خداوند همه تنزیل و تأویل را بر وجود مبارک ایشان نازل کرده است: «و انزل الله علیک الكتاب و الحکمة» [نساء، ۱۱۳].

بعد از پیامبر(ص)، علی(ع) جامع‌ترین فرد در دانش تأویل قرآن است. ملازمت مستمر با پیامبر مکرم اسلام(ص)، عالم بودن ایشان به صورت جامع و کامل که مورد اعتراف همه دانشمندان و ادبایست و روایات متعدد دیگر در این زمینه نشان می‌دهد که حضرت به تأویل قرآن به‌طور کامل احاطه داشته‌اند. عمار در روایتی آورده است: «رسول خدا(ص) خطاب به علی(ع) فرمود: تو به حلال و حرام، فریض و احکام، تنزیل و تأویل، ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه و... آگاه هستی.» [بحارالانوار، ج ۴: ۱۸۱]. یا در روایت دیگری آمده است که پیامبر(ص) به علی(ع) فرمودند: «انا صاحب التنزیل و انت صاحب التأویل» [همان، ج ۳۹: ۹۳].

هم‌چنین روایات فراوانی بر این امر گویاست که غیر از پیامبر(ص) و علی(ع)، اهل بیت(ع) نیز به تأویل همه قرآن آگاهی داشته‌اند. از قول امام محمدباقر(ع) آمده است: «خداوند تنزیل و تأویل قرآن را به پیامبر(ص) آموخت و ایشان به علی(ع) و او نیز به ما تعلیم داده است.» [روش‌های تأویل در قرآن: ۱۳۲]، به نقل از کتاب بصائر الدرجات، [۳۱۵].

گرچه روایاتی موجود است که فهم تأویل قرآن به‌طور مطلق از مردم نفی شده است، اما هر دسته‌ای از مردم به میزان فهم و درک و دانش خود می‌توانند از معانی و حقایق قرآن بهره ببرند.

### منابع

۱. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم. الاکلیل فی المتشابه و التأویل. دارالایمان. اسکندریه. بی‌تا.
۲. اسعدی، محمد بن عبیدالله. الموجز فی اصول الفقه. چاپ اول. دارالسلام. قاهره. ۱۴۱۰ هـ.ق.
۳. بحرانی، سیدهاشم. البرهان فی تفسیر القرآن. مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان. قم. بی‌تا.
۴. ذهبی، محمد حسین. التفسیر و المفسرون. چاپ دوم. دارالاحیاء التراث العربی. بیروت. ۱۳۹۶ هـ.ق.
۵. شهیدی، سید جعفر. ترجمه نهج البلاغه. چاپ دوم. انتشارات انقلاب اسلامی. تهران. ۱۳۷۰ ش.
۶. شاکر، محمد کاظم. روش‌های تأویل در قرآن. چاپ سوم. انتشارات بوستان کتاب. قم. ۱۴۰۱ هـ.ق.
۷. صدوق، محمد بن بابویه. من لایحضره الفقیه. دارالصعب و دارالتعارف. بیروت. ۱۳۹۳ هـ.ق.
۸. طباطبایی، محمد حسین. المیزان فی تفسیر القرآن. چاپ سوم. انتشارات اسماعیلیان. قم. بی‌تا.
۹. فولادوند، محمد مهدی. ترجمه قرآن کریم. چاپ پنجم. انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی. قم. ۱۳۸۴ ش.
۱۰. قمی، شیخ عباس. مفاتیح الجنان. انتشارات فروغی. قم. ۱۳۷۵ ش.
۱۱. کاشانی، ملاعبدالرزاق. تفسیر القرآن الکریم. چاپ اول. انتشارات ناصرخسرو. تهران. بی‌تا.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب. الکافی فی الحدیث. چاپ چهارم. دارالصعب و دارالتعارف. بیروت. ۱۴۰۱ هـ.ق.
۱۳. مجلسی، محمدباقر. بحارالانوار. چاپ دوم. مؤسسه الوفاء. بیروت. ۱۴۰۳ هـ.ق.
۱۴. ناصرخسرو، ابومعین. وجه دین. چاپ اول. انتشارات طهوری. تهران. ۱۳۴۸.

## جلسات قرآن را احیا کنیم

از گذشته‌های دور، بسیاری از جلسات قرآن، در خانه افراد عضو جلسه دور می‌زده است. به همین سبب، در برخی از شهرها آن را «دوره قرآن» می‌گویند. روش آموزش قرآن در این گونه جلسات به گونه‌ای است که یک قاری و یا استاد قرائت قرآن، ابتدا آیاتی از قرآن را تلاوت می‌کند و اعضای جلسه، آن‌ها را تکرار می‌کنند. یا این‌که آیات بعدی را ادامه می‌دهند و استاد نیز اشکالات آنان را گوشزد می‌کند. در آخر جلسه نیز قواعد قرائت و تجوید قرآن تدریس می‌شود. در برخی از این جلسات، استاد علاوه بر آموزش قرائت، ترجمه و تفسیر برخی از آیات را نیز برای قرآن‌آموزان بیان می‌کند.

جلسات قرآن به دلیل این‌که اعضای آن داوطلبانه و از روی علاقه در آن شرکت می‌کنند، یکی از مؤثرترین مکان‌های آموزش قرآن است. بسیاری از استادان یا نویسندگان علوم و معارف قرآنی، اولین تجربه‌های آشنایی با قرآن کریم را از این جلسات آغاز کرده‌اند و علاقه‌مندی خود به کسب معارف و علوم قرآنی را مدیون همین تجربه‌ها و جلسات می‌دانند.





گفت وگو: رمضانعلی ابراهیمزاده گرجی

# ج ۵ روز درام ط ه و را

بخش دوم و یازدهم

گفت وگو با حجة الاسلام والمسلمین  
عبدالله حقیقت و یاسین حجازی

اشاره

○ اگر این کار توسط ایشان بشود، کفایت می کند.  
• اقدام رحماندوست، آغاز چنین کاری است، زیرا ترجمه دیگری از قرآن ویژه ی جوانان نداریم.

○ به طور کلی، ما در مؤسسه فرهنگی هنری جام طهور، مینا را بر عدم موازی کاری گذاشته ایم. اگر کاری را دیگران انجام داده باشند، ما به سراغ آن نمی رویم. می کشیم خلاها را پر کنیم.

• اگر فردی یا مؤسسه ای قرآن کریم را برای جوانان ترجمه کند، نباید آن را موازی کاری قلمداد کرد. همان طور که ترجمه متعددی قرآن به فارسی را برای بزرگسالان موازی کاری نمی دانیم. به ادامه توضیح های جناب عالی بپردازیم.

○ در حوزه تفسیر قرآن هم سایتی را بنیان نهاده ایم. این پایگاه شامل بخش های تفسیر موضوعی، تفسیر ترتیبی، واژه های قرآنی و نکات تفسیری قرآن است. البته تاکنون به بخش تفسیر موضوعی نپرداخته ایم. در بخش تفسیر ترتیبی نیز با تفسیرهای موجودی مواجه شدیم که یا فنی اند و قابل استفاده برای مخاطبان عام نیستند یا نمی توانند نیازهای گروهی از مخاطبان عام را برآورند. این نارسایی، به دلیل تنازل تفسیر برای عمومیت بخشی، در سطح بیش تری است. ما با استفاده از تفسیر المیزان، آرای مرحوم علامه طباطبایی را بدون توجه به حواشی، با تقرید جدید، با هدف فهم آسان آرای وی، همراه با شرح برای مخاطبان عام آماده و در سایت تفسیر فارسی طهور به نشانی [www.tahoortafsir.com](http://www.tahoortafsir.com) ذخیره کرده ایم. کار در این بخش تازه آغاز شده است و تکمیل آن دو سال زمان می طلبد.

– در بخش واژه شناسی، کار پایان یافته و مجموعه آن روی سایت قرار دارد. در این بخش، از هر صفحه قرآن کریم، دو واژه ی مورد نظر را استخراج کردیم، مشتقات آن را نوشتیم و براساس تفسیر المیزان، معنای فارسی واژه را ذکر کردیم. کاربران

«مؤسسه فرهنگی و هنری جام طهور»، مؤسسه غیرانتفاعی و غیردولتی است که سعی دارد معارف اسلامی را، با استفاده از روش های جذاب و مستند، از طریق ابزار روزآمد، به مخاطبان عرضه دارد. برای معرفی این مؤسسه، نوع فعالیت های آن و امکاناتی که دارد، با حجت الاسلام و المسلمین عبدالله حقیقت، مدیر مؤسسه، به گفت وگو نشستیم. در شماره قبل با برخی از فعالیت های این مؤسسه آشنا شدید و اینک بخش یازدهم که با موضوع ترجمه قرآن توسط کارشناسان این مؤسسه انجام شده است شروع می شود.

• شما ترجمه قرآن طهور را در چه حدی از اطلاعات و سواد و دانش خوانندگان قرار داده اید؟

○ مخاطبان این ترجمه را مخاطبان عام می دانیم و بیش تر روی صحت ترجمه فارسی تکیه کرده ایم (یعنی انطباق ترجمه با متن قرآن کریم) و به روانی ترجمه نیز توجه داریم. بنابراین، ترجمه در حال آماده سازی می تواند برای پزشکان، مهندسان، دبیران و کاسب ها قابل استفاده باشد؛ یعنی مخاطبان عام. اما اگر بتوانیم برای هر سطح از دانش و اطلاعات قشرها و صنوف، ترجمه مناسب فراهم آوریم، کار بسیار خوبی است. برای مثال، ترجمه فارسی قرآن برای جوانان دوره ی دبیرستانی یا برای نوجوانان دوره راهنمایی مفید است.

• ترجمه قرآن برای جوانان توسط آقای مصطفی رحماندوست را دیده اید؟

○ ندیده ام. کل قرآن را ترجمه کرده است؟  
• تاکنون چند سوره را برای این سطوح سنی ترجمه و منتشر کرده است. آقای رحماندوست گفته است در حال ترجمه کل قرآن کریم برای جوانان است.





**پایگاه پادکست، پایگاهی شنیداری است. درباره‌ی بخشی از وقایع تاریخ اسلام مثل غدیر خم و فاطمیه، برنامه‌ی صوتی تهیه کرده و آن را در پایگاه اینترنتی قرار داده‌ایم**

از طریق جست‌وجو، هر واژه‌ای را بخواهند، می‌یابند.

بخش نکات تفسیری؛ در تفسیرالمیزان، نکته‌های بسیار جالبی پیرامون مسائل دینی، اجتماعی، اخلاقی و سیاسی آمده است. ما این نکات را استخراج کرده‌ایم. سپس به شرح و تقریر مناسب برای هر نکته، آن را در سایت و در اختیار کاربران قرار دادیم.

بخش نمایه موضوعی تفسیرالمیزان را نیز داریم. این نمایه کامل‌تر از فهرست موجود برای تفسیرالمیزان است و همکاران در حال آماده کردن آن هستند. نمایه پس از تکمیل، علاوه بر قرار گرفتن در سایت، به صورت کتابی نیز عرضه خواهد شد.

**• پایگاه پادکست طهور را هم معرفی بفرمایید.**

○ پایگاه پادکست، پایگاهی شنیداری است. درباره‌ی بخشی از وقایع تاریخ اسلام مثل غدیر خم و فاطمیه، برنامه‌ی صوتی تهیه کرده و آن را در پایگاه اینترنتی قرار داده‌ایم. برای این کار، مستندات تاریخی پس از تدارک، در قالب سناریویی نوشته و بعد هم به صورت نمایش اجرا می‌شود. در واقع همان نمایش رادیویی است.

**• تاکنون چند برنامه‌ی نمایشی تهیه کرده‌اید؟ آیا زمان برنامه‌ها یکسان است؟**

○ اکنون در پایگاه پادکست نمایش‌های بعثت (حدود ۳۰ دقیقه)، غدیر (۳۰ دقیقه) و فاطمیه (۴۵ دقیقه) قرار دارند. اما برنامه‌هایی که تولید شده‌اند، بیشتر هستند. همان‌طور که ملاحظه می‌فرمایید، زمان اجرای نمایش‌ها هم متفاوت است.

**• اشاره کردید که سایت پنج روز (www.5rooz.com) هم دارید.**

○ بهتر است درباره‌ی این سایت با سردبیر آن آقای یاسین حجازی صحبت کنید. فقط عرض کنم که این سایت از هشت ماه پیش فعالیت خود را آغاز کرده است و به موضوع‌های

عادی زندگی می‌پردازد؛ آن هم در متنی ۳۰۰ کلمه‌ای و در قالبی جذاب.

مؤسسه فرهنگی هنری جام طهور، بخش انتشارات هم دارد. مجوز نشر را از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گرفته‌ایم. «کتاب آه» اولین کتابی است که مؤسسه در سال گذشته منتشر کرده است. «مقتل امام حسین (ع)» را در قالبی تازه و با نوآوری در محتوا به قلم «یاسین حجازی» چاپ کرده‌ایم که با استقبال گسترده مواجه شد. این کتاب را با رعایت ظرافت‌های متن، یک نفر خوانده است، روی ۱۰ سی دی ضبط کرده‌ایم و در بازار موجود است.

برای این کار در اصالت محتوا دست نبردییم و برای طرح حرف‌های نو، سند مطالب خدشه‌دار نشده است. همان متنی است که شیخ عباس قمی و آقای شهرانی از روی «نفس‌المهموم» به فارسی ترجمه کرده‌اند.

کتاب دوم «رسم وفا» نام دارد که زندگی‌نامه‌ی اصحاب غیرهاشمی امام حسین (ع) در کربلاست. تعداد آنان به ۸۰ نفر می‌رسد. اسامی این عده در بخش اعلام سایت وجود دارد.

کتاب سوم با عنوان «رو به پرنده‌هایی که می‌گذرند»، درباره‌ی واقعه‌ی غدیر منتشر شد که به صورت پادکست نیز در پایگاه موجود است.

**• تا پایان امسال کتاب دیگری هم چاپ می‌کنید؟**

○ امیدواریم که درباره‌ی اخلاق پیامبر اکرم (ص) کتابی منتشر کنیم.

**• آیا از کاربران هم آماری دارید؟**

○ ما برای مؤسسه و پایگاه‌های آن هیچ تبلیغی نکرده‌ایم.

## کاربران ما از داخل و خارج کشورند. هر ماه حدود ۴۰ هزار نفر بازدیدکننده وارد سایت مؤسسه می‌شوند که اکثر آنان از داخل‌اند

### داده‌اید، یا کارهای خاص هنری هم در برنامه دارید؟

○ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، هنگام درخواست مجوز گفت: مؤسسه شما در ردیف مؤسسات «فرهنگی و هنری» می‌گنجد. لذا ما نیز واژه‌ی هنر را اضافه کردیم. با توجه به فعالیت‌های مؤسسه، باید تولیدات صوتی و پادکست‌ها (نمایش‌نامه‌ها)، همین‌طور هم هست. همکاران ما با صداوسیما ارتباط دارند و درصدند با همکاری هنرمندان صداوسیما، موضوع‌های بحث و غدیر را به صورت تله فیلم یا تله تئاتر تولید کنند.

### • از فرصتی که در اختیار فصل‌نامه‌ی رشد آموزش قرآن قرار داده‌اید، متشکریم.

با توجه به توصیه حجت‌الاسلام و المسلمین **عبدالله حقیقت**، مدیر مؤسسه فرهنگی و هنری جام‌طهور، با آقای «یاسین حجازی» درباره «سایت پنج روز» گفت‌وگویی حضوری انجام دادیم. آقای حجازی نویسنده «کتاب آه»، به گفته خودش، از ۱۳ اسفندماه سال ۱۳۸۸ تا به امروز (۱۳ مهرماه ۱۳۸۹)، سردبیری این پایگاه را به عهده دارد. اساس گفت‌وگو در معرفی سایت پنج روز به عنوان زیرمجموعه مؤسسه‌ی فرهنگی و هنری جام‌طهور بود. به دلیل ویژگی مجله‌بودن فصل‌نامه رشد آموزش قرآن، به آن چه به صورت مکتوب در اختیار ما قرار گرفت، اکتفا می‌کنیم. البته در گفت‌وگو همین مطالب تکرار شد، و برخی توضیح‌ها به همین صورت، به علاوه‌ی پرسش‌هایی که ما با سردبیر محترم سایت در میان گذاشتیم. در حقیقت پرسش‌های خود را حذف کرده‌ایم. همین.

### • چرا «پنج» روز؟

○ ساده است! یک روز به دنیا می‌آییم؛ یک روز کودکیم و آزاد. فردای کودکی جوان می‌شویم؛ با هزار امید و آرزویی که برایمان عیب نیست. روز بعد پیر شده‌ایم و سن و سالی از ما گذشته است؛ روز پنجم هم از دنیا می‌رویم. زندگی در دنیا به همین کوتاهی است.

حدود ۸۰ درصد از کاربران از طریق جست‌وجو (search) وارد سایت می‌شوند و عده‌ای هم با آشنایی با نام مؤسسه، به پایگاه اینترنتی مؤسسه راه می‌یابند.

کاربران ما از داخل و خارج کشورند. هر ماه حدود ۴۰ هزار نفر بازدیدکننده وارد سایت مؤسسه می‌شوند که اکثر آنان از داخل‌اند.

آنانی که از خارج به سایت راه می‌یابند، در درجه اول از آمریکا و بعد از اروپا هستند. از میان کشورهای اروپایی، آلمان در صدر قرار دارد.

### • قصد دارید محتوای سایت‌ها را به زبان‌های دیگر هم ترجمه کنید؟

○ نسخه انگلیسی سه پایگاه کار را آغاز کرده‌اند. بر متن ترجمه شده نیز به تدریج افزوده می‌شود. می‌خواهیم به زبان‌های عربی، آلمانی و فرانسه هم ترجمه کنیم.

### • آیا اولویتی هم برای کار ترجمه به زبان‌های دیگر قرار داده‌اید؟

○ گذشته از انگلیسی که ترجمه به این زبان آغاز شده است، عربی برای ما اولویت دارد. گروه ترجمه به زبان فرانسه هم آماده کار است. مترجمان به زبان آلمانی نیز در حال مذاکره‌ایم. می‌دانید که چنین کاری، مستلزم داشتن نیرو و هزینه است که در هر دو زمینه کمبود داریم. لذا آزادی عمل نداریم. به ویژه که می‌خواهیم کار ترجمه را به کسانی بسپاریم که آلمانی و فرانسوی‌اند. این گروه مسلمان و شیعه‌اند. و به دلیل اقامت در ایران، به زبان فارسی نیز احاطه دارند. ویژگی آن‌ها این است که به زبان‌های مبدأ و مقصد مسلط‌اند و به دلیل زندگی در آلمان و فرانسه و آشنایی با خلق و خوی اهالی کشورشان، قادرند در انتخاب مطالب عملکرد مفید داشته باشند.

### • در عنوان مؤسسه، از واژه‌ی هنر هم استفاده کرده‌اید؛ «مؤسسه فرهنگی و هنری جام‌طهور» آیا منظورتان از هنر همین کارهایی است که انجام

**پنجروز «ایده‌هایی» برای همین حالای زندگی و همین ساعت ارائه می‌کند. همین حالا که بدون شک هرکس با یکی از موضوع‌های معمولی اما نادیده گرفته‌ی زندگی‌اش مشغول است**



حافظ می‌گوید:

پنج روزی که در این مرحله مهلت داری خوش بیاسای زمانی که زمان این همه نیست

**• موضوع سایت پنجروز چیست؟**

○ پنجروز به موضوع‌های متداول و کاملاً عادی و به ظاهر ساده و جزئی زندگی می‌پردازد؛ موضوع‌هایی که از فرط تکرار و تداول در طول روز و هر روز، به دید نمی‌آیند، اما از هر ساعت و دقیقه‌ی زندگی جداشدنی نیستند و کجا می‌توان گفت که در زندگی ما تأثیر واضح ندارند؟

می‌خواهیم. بیدار که می‌شویم، می‌رویم سر شغلی که داریم. توی راه همسایه‌مان را می‌بینیم یا نمی‌بینیم یا رفیقمان تلفن می‌کند. با او شوخی می‌کنیم. با او مشورت می‌کنیم. با او بحث می‌کنیم. بسا دل‌مان بخواهد آن‌چه را او دارد و ما نداریم. بسا دل‌مان نخواهد و اصلاً عین خیالمان هم نباشد. بسا خودمان را بگیریم بابت آن‌چه ما داریم و او ندارد. بسا سرکار به علتی تشکر کنیم از کسی. بسا پدرمان تلفن کند.

**• پنجروز یک پایگاه اینترنتی «سبک زندگی» است؟**

○ می‌توان گفت بله. اما نه از آن سایت‌های سبک زندگی که به کاربر می‌گوید قطر بالمش چند اینچ باشد و راهکارهای کاهش وزن یا شادابی قوای جسمی چیست.

پنجروز «ایده‌هایی» برای همین حالای زندگی و همین ساعت ارائه می‌کند. همین حالا که بدون شک هرکس با یکی از موضوع‌های معمولی اما نادیده گرفته‌ی زندگی‌اش مشغول است.

**• ایده‌های پنجروزی براساس چه منابعی تهیه می‌شوند؟**

○ کارشناسان و نویسندگان و برنامه‌سازان پنجروز، کلمات حکمت‌آمیز حکمای جهان و خردمندان طول تاریخ انسان را دست‌مایه‌ی تولید محتوا می‌کنند. اما پیش از آن، حتماً دو کار می‌کنند:

۱. گرد زمان را از آن کلام می‌گیرند و متناسب با زمانه دوباره می‌نویسند.

۲. در این بازنوشتن، حواسشان به ارائه «ایده» است و نه نصیحت و شعار و وعظ.

از میان تمام حکمت‌های جهان، کارشناسان و نویسندگان و برنامه‌سازان پنجروز، کلمات ۱۴ نفر را که معصومان و امامان شیعه‌اند، بیش‌تر و جدی‌تر از دیگران می‌بینند.

**• پنجروز چه بخش‌هایی دارد؟**

○ پنجروز در مرحله‌ی اول کاری دو بخش دارد:

۱. یادداشت‌ها؛ که نوشته‌هایی با حدود سیصد کلمه است.

۲. پادکست‌ها؛ که برنامه‌هایی شنیداری در حدود ده دقیقه است.

یادداشت‌ها و پادکست‌های پنجروز، در یک نظم کلی، در سه طبقه‌ی فکر و احساس و رفتار چیده می‌شوند. هم‌چنین در چینی‌دقیق‌تر، هر مطلب ذیل کلیدواژه‌های چندگانه‌ای مرتب می‌شود که براساس حرف اول هر کلیدواژه، امکان جست‌وجوی مطالب در پایگاه فراهم است.

**• بخش‌های پنجروز هر چند وقت یک‌بار نو می‌شود؟**

○ تقویم روزآمدی پنجروز در فاز اول کاری از این قرار است:

هر روز یک یادداشت تازه به پنجروز اضافه می‌شود (غیر از روزهای پنجشنبه و جمعه).

هر هفته یک پادکست تازه به پنجروز اضافه می‌شود.

**• چه کسانی مخاطبان پنجروزاند؟**

○ پنجروز پیچیده نمی‌نویسد و زبانش ساده و امروزی است. موضوع‌ها هم کاملاً از جنس زندگی‌اند و مربوط به لحظه لحظه‌های عادی و جاری آن. حرف‌های کلی، فلسفی و انتزاعی، در پنجروز زده نمی‌شود. پس پنجروز، مخاطب خاصی - که بشود از بقیه مشخصشان کرد - ندارد.



دایره‌المعارف  
قرآن کریمفرهنگ  
موضوعی تفاسیر  
قرآن کریم

ضرورت تدوین فرهنگی برای دست‌یابی به محتوا و اطلاعات تفاسیر معتبر قرآن باعث شد تا به تدوین فرهنگ‌نامه‌ای جامع و فراگیر در این زمینه توسط دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم اقدام شود که در گام نخست بیش از ۳۰۰ جلد تفسیر مشتمل بر ۲۰ دوره از تفاسیر مذاهب اسلامی از سده‌های چهارم تا چهاردهم گردآوری و در ضمن ۳۰۰۰ کلیدواژه، ۱۶۰۰۰ نمایه فرعی و ۳۴۰۰۰ موضوع جانبی و فرعی اول و دوم در سه جلد انتشار یافت.



دایره‌المعارف قرآن کریم شامل اطلاعات پایه، معتبر و اصیل در باب علوم و معارف و اعلام قرآنی است که به گونه‌ای آسان‌یاب و روان در دسترس قرآن پژوهان و اهل تحقیق و پژوهش قرار دارد. از ویژگی‌های این دایره‌المعارف، استواری بر پایه نظام الفبایی در چینش مدخل‌ها، استفاده از منابع اصیل و متقن و دست‌اول، ارائه همه‌آرا و مبانی اصیل در هر موضوع، برخورداری از نظام ارجاع درون مقاله‌ای و برون مقاله‌ای، و بهره‌وری از نثر معیار است. این مجموعه به عنوان بزرگ‌ترین دایره‌المعارف قرآنی جهان اسلام، دربردارنده بیش از ۳۰۰۰ مدخل در ۲۵ جلد است و تاکنون جلد‌های یکم تا هفتم آن چاپ و منتشر شده است. هر جلد از این مجموعه، بیش از ۸۰ مقاله را دربردارد.



## فرهنگ قرآن (کلید راه‌یابی به موضوعات و مفاهیم قرآن)



این اثر گران‌مایه، کلید راه‌یابی به موضوعات و مفاهیم قرآن کریم است که به همت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن پی‌نهاده شد. در این اثر کوشش شده است تا معارف قرآن تنها از منظر واژه‌های قرآنی دیده نشود، بلکه با بهره‌گیری از روش‌های اطلاع‌رسانی، دست‌یابی به آموزه‌های قرآن روزآمد شود و زمینه‌های مناسب را برای پژوهش‌های نو در معارف قرآن پدید آورد. این اثر بیش از ۲۲۰۰ موضوع اصلی و هزاران موضوع فرعی دارد و جامع‌ترین معجم موضوعی قرآن کریم در جهان اسلام است که در ۳۳ مجلد منتشر می‌شود و از ویژگی‌هایی مانند جامعیت و فراگیری، تنظیم عنوان‌ها هم بر پایه الفبایی و هم موضوعی، و برخورداری از نظام ارجاع در عنوان‌های مترادف یا پیوسته، برخوردار است.



## مآخذشناسی رسول اعظم (ص) در تفاسیر

مآخذشناسی پیامبر اعظم (ص) در تفاسیر قرآن، مشتمل بر همه مطالب تفاسیر قرآنی مربوط به آن حضرت است که در قالب هشت فصل زندگی‌نامه، بعثت و رسالت، حکومت، اخلاق، شخصیت، عبادات، دشمنان، و دوستان، با استفاده از بیش از ۲۰ تفسیر فارسی و عربی قرآن، با ذکر نام و نشانی تدوین شده است.

کلیدواژه‌ها: برنامه‌درسی، مفردات قرآن.

## اهمیت و ضرورت و جایگاه درس تفسیر و علوم قرآنی در رشته علوم و معارف اسلامی

قرآن، پیام روشن الهی است که همه انسان‌ها را به راستی و رستگاری دعوت می‌کند. از صدر اسلام تا کنون، آموزش این پیام جاودانه الهی، از مهم‌ترین اهداف تعلیم و تربیت در میان مسلمانان بوده است. مهم‌ترین رویکرد برنامه آموزش قرآن به‌ویژه برای دانش‌آموزان رشته علوم و معارف اسلامی که اهداف و سایر بخش‌های این آموزش را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد، جامعیت آموزش قرآن است؛ یعنی آموزش قرآن باید به نحوی باشد که از یک‌سو همه حیطه‌های یادگیری را شامل شود و به‌ویژه بر حیطه عاطفی که متکفل ایجاد و تقویت انس و علاقه دانش‌آموزان به قرآن و یادگیری آن است، تأکید ورزد و از سوی دیگر، تمامی موضوعات ضروری آموزش قرآن مانند: روان‌خوانی، صحت قرائت، توانایی درک معنای عبارات و آیات ساده قرآن، آشنایی با معارف انسان‌ساز آن و تدبر در آیات الهی را در حد امکان شامل شود.

دانش‌آموزان پیش از ورود به این رشته تحصیلی در دوره‌های ابتدایی و راهنمایی، هم‌چون سایر دانش‌آموزان، به اهداف مقدماتی آموزش قرآن، یعنی توانایی خواندن قرآن کریم و درک معنای عبارات و آیات ساده قرآن دست پیدا می‌کنند و از آن‌جا که در دوره متوسطه، در رشته علوم و معارف اسلامی تحصیل می‌کنند، باید با اهداف میانی آموزش قرآن، یعنی آشنایی بیش‌تر با قرآن کریم و معارف انسان‌ساز آن، چگونگی تدبر در آیات الهی و شیوه‌های تفسیر این کتاب آسمانی نیز آشنا شوند.

برای رسیدن به این هدف، دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی در رشته معارف و علوم اسلامی، پس از تصویب سه‌عنوان درسی تفسیر و علوم قرآنی، آشنایی با مفردات قرآنی و قرائت و تجوید قرآن، براساس ابلاغ شورای عالی آموزش و پرورش، به تدوین و تألیف متون آموزشی دروس فوق اقدام کرد. در این راستا، ابتدا راهنمای برنامه درسی که طرح و نقشه تفصیلی هر درس به‌همراه مراحل گوناگون آن است، طی جلسات مشترک بین استادان مدرسه عالی شهید مطهری و شورای گروه قرآن دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی تهیه شد. امید است با عنایات خداوند متعال، اقدامات انجام‌شده برای دانش‌آموزان رشته علوم و معارف اسلامی، در انس بیش‌تر با قرآن و نشر فرهنگ اسلامی راه‌گشا باشد.



آشنایی با برنامه‌های درسی

## برنامه‌درسی آشنایی با مفردات قرآن کریم

یونس باقری

### رویکرد حاکم بر برنامه درس آشنایی با مفردات قرآن

#### الف) بهره‌گیری از متن قرآن کریم

هر چند در این درس، توانایی دانش‌آموزان در درک مفهوم واژه‌های قرآنی و معنا کردن آیات و عبارات قرآنی ارتقا می‌یابد، ولی محتوای دروس و سازمان‌دهی آن‌ها به‌گونه‌ای است که دانش‌آموزان می‌آموزند، چگونه می‌توان به‌طور مستقیم از قرآن کریم بهره گرفت و آموزه‌های دینی را از متن آیات و ارتباط آن‌ها با یکدیگر استخراج کرد. این امر، فواید جانبی دیگری هم‌چون انس با قرآن کریم و عادت کردن در ارجاع مسائل به قرآن کریم

نیز دارد.





## ب) تکمیل حلقه‌های آموزشی قرآن کریم

این درس به دنبال دروس آموزش قرآن در دوره ابتدایی و راهنمایی، ضمن تقویت و توسعه آن اهداف، به ویژه ارتقای توانایی معنا کردن آیات و عبارات قرآنی، برای ورود به حوزه تدبر و تفسیر قرآن، نقش واسطی و آلی دارد. از این رو، اهداف، محتوا و سازمان‌دهی آن و روش تدریس و ارزش‌یابی این درس، به گونه‌ای تدوین می‌شود که این نقش را به خوبی ایفا کند و آمادگی لازم را برای دانش‌آموزان در درس تفسیر و علوم قرآنی فراهم آورد.

## اصول حاکم بر برنامه درس آشنایی با مفردات قرآن

مراحل برنامه درسی عنوان فوق، در پرتو اصول زیر انجام می‌پذیرد:

### ۱. توجه به رعایت توازن بین درک و فهم دانش‌آموزان و موضوعات مطرح شده

از آن جا که علوم و معارف قرآنی در سطوح متفاوت قابل طرح و ارائه است، برای دست‌یابی به اهداف آموزشی و تربیتی در برنامه‌ریزی این درس، توجه ویژه‌ای به میزان درک و فهم دانش‌آموزان و علاقه‌مندی آنان به این گونه مباحث می‌شود.

### ۲. کاربردی بودن مباحث با توجه به نیازهای فردی و اجتماعی مخاطبان

با توجه به ضرورت بهره‌مندی دانش‌آموزان و نسل جوان از معارف قرآنی و سرچشمه جوشان وحی، مطالب و مباحث به گونه‌ای گزینش و طرح می‌شود که پاسخگوی نیازهای فکری و روحی دانش‌آموزان در دوران جوانی و شرایط حاکم بر جامعه باشد.

### ۳. اولویت‌بندی مطالب با رعایت تنوع و جذابیت آن‌ها

با توجه به روحیات دانش‌آموزان و اهمیت ایجاد علاقه به استفاده از مفاهیم و معارف قرآنی، موضوعات و شیوه طرح مباحث، دارای تنوع و جذابیت است.

### ۴. ارتباط طولی و عرضی مباحث با یکدیگر

برای ایجاد انسجام در مفاهیم آموزشی در ذهن دانش‌آموزان، طرح مطالب به گونه‌ای است که با مطالب دروس بعدی در همان کتاب و با مطالب دیگر در این رشته، تناسب و هماهنگی داشته باشد.

### ۵. ایجاد انس و علاقه

از آن جا که یکی از شرایط استفاده و بهره‌مندی از معارف قرآنی، مانوس شدن با قرآن کریم است، از این رو مطالب این درس به گونه‌ای طراحی می‌شود که بتوان به این هدف نایل شد.

### ۶. استفاده از واژه‌های پرکاربرد و کلیدی قرآن کریم

برای دست‌یابی به اهداف این درس، واژه‌هایی انتخاب می‌شوند که اولاً دارای مشتقات پرکاربرد در قرآن کریم و ثانیاً دربردارنده مفاهیم مهم و مفید برای دانش‌آموزان هستند.

### ۷. توجه به لغات هم‌خانواده

در این درس، به منظور توسعه توانایی دانش‌آموزان در درک معنای عبارات قرآنی و نیز سهولت در امر آموزش و یادگیری بهتر، به لغات هم‌خانواده هر واژه نیز توجه ویژه‌ای شده است. بدین منظور، دانش‌آموزان با کلمات هم‌خانواده و مشتقات آن‌ها آشنا می‌شوند.



دانش‌آموزان پیش از ورود به این رشته

تحصیلی در دوره‌های ابتدایی و راهنمایی،

هم‌چون سایر دانش‌آموزان، به اهداف

مقدماتی آموزش قرآن، یعنی توانایی خواندن

قرآن کریم و درک معنای عبارات و آیات

ساده قرآن دست پیدا می‌کنند

## ۸. استفاده از واژه‌های کلیدی

۳. شناخت ویژگی‌های صرفی برخی از لغات و واژه‌های کلیدی قرآن کریم با استفاده از آموخته‌های درس عربی

با توجه به محدودیت حجم محتوای کتاب، به واژه‌های کلیدی پرداخته شده است تا از این رهگذر بتوان به مفاهیم برخی از آیاتی که مورد نیاز دانش‌آموزان در زمینه‌های گوناگون زندگی فردی و اجتماعی آن‌هاست، دست یافت.

### ب) حیطه مهارتی

۱. تقویت توانایی درک معنای عبارات و آیات قرآنی
۲. توانایی دستیابی به درک صحیح از مفهوم واژه‌های کلیدی قرآن کریم
۳. توانایی بهره‌گیری از شناخت واژه‌ها در تفسیر آیات قرآن

## اهداف درس آشنایی با مفردات قرآن

### (پایه دوم متوسطه)

#### الف) حیطه شناختی

۱. توسعه آشنایی با معنای کلمات پرکاربرد قرآنی و مشتقات رایج آن‌ها
۲. آشنایی با ریشه برخی از واژه‌های کلیدی قرآن و کاربردهای گوناگون آن به منظور زمینه‌سازی برای تفکر، تدبر و تفسیر آیات

#### ج) حیطه عاطفی

۱. انس و علاقه به قرآن کریم به کمک شناخت مفاهیم واژه‌های کلیدی آن
۲. شوق و رغبت بیشتر به قرائت قرآن کریم به وسیله ارتقای توانایی درک معنای آیات و عبارات قرآنی
۳. علاقه به تدبر در آیات قرآن کریم

## آشنایی با مفردات قرآن «پایه دوم متوسطه»

ردیف	مفاهیم اساسی <sup>۱</sup>	تعمیم‌ها
۱	رسالت	این ریشه در مصادیق متفاوتی مانند ارسال رسل، باد، فرشتگان، عذاب و شیطان به کار می‌رود.
۲	ایمان	۱. ریشه و معنای لغوی و مشتقات آن مانند: امن، مأمون، مأمین، امانت و ایمان ۲. مهم‌ترین کاربرد آن در معنای مصطلح ایمان است؛ معنای دقیق و اصطلاحی ایمان
۳	تعقل، تفکر، تدبر و تفقه	۱. معنای ریشه و کاربرد این مفاهیم ۲. قرآن تعقل و تفکر در موضوعات خاصی را بیش‌تر توصیه می‌کند. ۳. تعقل و تفکر نتایج و آثار خاص و ارزشمندی دارد.
۴	شکر	۱. معنا، انواع و مشتقات شکر در قرآن ۲. آثار شکر (معرفت به آیات الهی، افزایش نعمت، نتیجه‌ی کفران نعمت و...) ۳. شکرگزاران در قرآن (شاکر و شکور) ۴. قرآن به شکرگزاری از خدا، والدین و... دستور داده است.
۵	کفر	۱. ریشه و معنای لغوی و مشتقات آن: کفر، کفروا، کَفَرًا، کافران، کفور کَفَّار، کفاره، کفره ۲. مهم‌ترین استعمال آن، در بحث ایمان و کفر است (معنای اصطلاحی) ۳. قرآن برای کفر، زمینه و علی قائل است. ۴. عواقب و آثار کفر ۵. کفر و کفران (ارتباط معنایی، ارتباط وجودی) ظلمی عظیم و گناهی ناخوشودنی است.
۶	عبادت	۱. معنای عبد و عبادت و مشتقات و کاربردهای آن در قرآن ۲. آثار عبادت و بندگی و نتایج استکبار و استنکاف از عبادت ۳. انواع معبودها (خدای واحد، هوای نفس، طاغوت، شیطان و...) ۴. اخلاص، توحید شرط قبول عبادت، عبادت منحصر در ذات الهی است. ۵. صراط مستقیم، عبادت خداست. ۶. ویژگی‌های عبادالرحمن



۷	اطاعت	<p>۱. معنا، انواع مشتقات و کاربرد اطاعت در قرآن</p> <p>۲. اطاعت خدا، پیامبر، اولوالامر، والدین و... واجب است.</p> <p>۳. اطاعت از غیر خدا در راستای اطاعت از خدا، عین اطاعت خداست.</p> <p>۴. کسانی که باید اطاعت شوند و آثار این اطاعت</p> <p>۵. کسانی که نباید اطاعت شوند و آثار اطاعت از این افراد</p>
۸	اصلاح و افساد	<p>۱. مصادیق و کاربردهای گوناگون صلح، اصلاح، يصلح، صلح، اصلاح، مصلح، عمل صالح (صالحات) و فساد، فاسد، مفسد و افساد</p> <p>۲. اصلاح بین برادران ایمانی به عدل، اصلاح میان مردم</p> <p>۳. قرآن برای کسانی که در زمین فساد می‌کنند، عواقب سختی قائل است.</p>
۹	ظلم	<p>۱. معنا، انواع مشتقات و کاربردهای ظلم در قرآن</p> <p>۲. آثار ظلم</p> <p>۳. قرآن چه کسانی را ظالم و چه کسانی را ظالم‌ترین می‌شمارد. کسانی که تکذیب آیات الهی، کتمان شهادت، منع از مساجد، افترا بر خدا، اعراض از آیات الهی، تکذیب قرآن و... را مرتکب می‌شوند، ظالم‌ترین افراد هستند.</p> <p>۴. نفی ظلم از خداوند متعال</p> <p>۵. رابطه ظلم، ظلمات و نور</p>
۱۰	قسط و عدل	<p>۱. معنا، مشتقات و کاربرد قسط و عدل در قرآن</p> <p>۲. امر به اقامه قسط و عدل</p> <p>۳. فرق قسط و عدل</p>
۱۱	تقوا و فجور	<p>۱. معنا، مشتقات، کاربرد تقوا و فجور در قرآن</p> <p>۲. ارزش و جایگاه تقوا (بهترین توشه)</p> <p>۳. دعوت انبیا به تقوای الهی</p> <p>۴. آثار تقوا (بهرمندی از هدایت الهی، گشایش در کارها، قوه درک و تشخیص حقایق، بهره‌مندی از امنیت الهی در دنیا و آخرت، بهره‌مندی از نعمات دنیوی، دور ماندن از گزند وسواس شیطانی، بهره‌مندی از کمک و یاری خدا، دستیابی به فلاح و فوز، و دوستی‌های منکی بر تقوا ناگسستنی است.</p> <p>۵. صفات متقین (ایمان بر غیب، پیامبران، آخرت، بهره‌مندی از حب و ولایت الهی، انجام اعمال صالح مانند انفاق و...)</p> <p>۶. آثار فجور</p> <p>۷. تفاوت فاجر و کافر</p> <p>۸. تقابل تقوا و فجور (ام نجعل المتقین کالفجار...)</p>
۱۲	انفاق	<p>۱. معنا، انواع، مشتقات و کاربرد انفاق در قرآن</p> <p>۲. ارزش و جایگاه انفاق در نظام تربیتی و اقتصادی اسلام</p> <p>۳. انفاق قرض به خداست.</p> <p>۴. از جمله شرایط انفاق ارزشمند عبارت است از:</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>- انفاق از آن‌چه دوست دارد.</li> <li>- انفاق پنهان</li> <li>- دور از منت و آزار</li> <li>- همراه با اخلاص</li> <li>- بزرگ ندانستن عمل خویش</li> <li>- انفاق به نیازمند واقعی</li> <li>۵. ارتباط انفاق و رزق</li> </ul>





۱۳	طغیان	<p>۱. معنا، مشتقات و کاربرد طغیان در قرآن</p> <p>۲. علل و آثار طغیان (تکذیب پیامبران، استغنا، هلاکت، جهنم)</p> <p>۳. امر پیامبران به اجتناب از طاغوت و کفر به آن</p> <p>۴. ثمرات اجتناب از طاغوت و کفر به آن</p>
۱۴	ابتلا و فتنه	<p>۱. معنا، انواع مشتقات و کاربرد ابتلا در قرآن</p> <p>۲. هدف از ابتلا، بروز صلاحیت باطنی انسان نسبت به آن چه که کسب کرده است، می‌باشد.</p> <p>۳. اسباب ابتلا</p> <p>۴. همه انسان‌ها اعم از مؤمن و کافر، پیامبر، اولیای الهی و مردم عادی، در معرض امتحان و ابتلای الهی هستند.</p> <p>۵. فتنه و آزمایش از سنن الهی است.</p> <p>۶. اسباب فتنه و آزمایش انسان (فرزند، همسر، مال، شیطان و...)</p> <p>۷. هدف از فتنه</p>
۱۵	فلاح و رستگاری	<p>۱. معنا، مشتقات و کاربرد فلاح در قرآن</p> <p>۲. اسباب فلاح</p> <p>۳. متقین، کسانی که در مسیر هدایت الهی هستند. کسانی که بر حرص نفس فائق آمده‌اند و... مفلح هستند.</p> <p>۴. ساحران، کافران، ظالمان، مجرمان و... به پیروزی و فلاح راهی ندارند.</p>
۱۶	خسران و ناامیدی	<p>۱. معنا، انواع، مشتقات و کاربرد خسران و خبیثه (ناامیدی) در قرآن</p> <p>۲. انسان بدون ایمان و عمل صالح خاسر است.</p> <p>۳. حزب‌الشیطان، کافران به آیات الهی، گمراهان و... زیان‌کاران هستند.</p> <p>۴. اسباب خسران (ظلم و کفر که موجب حبط عمل است و...)</p>
۱۷	توبه و انابه	<p>۱. معنا، انواع، مشتقات و کاربرد توبه در قرآن</p> <p>۲. زمان و شرایط توبه مقبول</p> <p>۳. نسبت توبه خدا با توبه انسان</p> <p>۴. توبه نصح</p> <p>۵. توبه به هنگام مرگ، توبه کسانی که پس از ایمان، کفر می‌ورزند و در کفر خود می‌روند و... پذیرفته نمی‌شود.</p> <p>۶. محبت خدا و... از آثار توبه است.</p> <p>۷. انابه، از صفات پیامبران و اولیای الهی است.</p> <p>۸. تفاوت توبه و انابه</p> <p>۹. گناه و توبه</p>

۴. «لرأیته خاشعاً متصدعاً من خشية الله» [حشر/ ۲۱].  
 ۵. این مفاهیم با توجه به اصول حاکم بر برنامه و اهداف این درس انتخاب شده‌اند و هم‌چنین در سایر دروس این رشته، کمتر به‌طور مستقیم مورد بحث قرار می‌گیرند.

#### پی‌نوشت

۱. فتجلی لهم سبحانه فی کتابه... [نهج‌البلاغه/ خطبه ۱۴۷].
۲. «و نزل من القرآن ما هو شفاء و رحمه للمؤمنین» [اسراء/ ۸۲].
۳. «یس والقرآن الحکیم» [یس/ ۱ و ۲].





## شهدا اسناد اسرارال کشور

مبادا کسی خدای ناکرده مسائیل دفاع مقدس را بگوید جزو بحث‌های تاریخی است! چرا به ما گفته‌اند زیارت عاشورا را هر روز بخوانید؟ چرا خود پیغمبر(ص)، که حسابش جدا بود، خود حضرت امیر وجود مبارک صدیقه کبری، فاطمه زهرا(س)، با آن وضع از منزل حرکت می‌کردند، می‌آمدند در احد برای زیارت شهدای احد؟! یعنی این‌ها را فراموش نکنید؛ این‌ها سند شرف یک مملکت است. تنها غبارروبی نباشد، تنها گل و گلاب‌افشانی نباشد! یاد شهید، کشور را زنده می‌کند، درس شهامت و شجاعت می‌دهد، گریه بر آن‌ها شوق شهادت می‌آفریند. سرداران بزرگی هم شربت شهادت نوشیدند که اسامی بسیاری از آن‌ها در ذهن ما نیست. از هر گروهی، از هر لباسی، از هر صنفی، ایران اسلامی قربانی‌هایی تقدیم قرآن و عترت کرد. این‌ها ذخیره مملکت‌اند، این‌ها شرف مملکت‌اند، این‌ها قباله استقلال مملکت‌اند. اگر مردم فریاد می‌زنند که ما آزادی داریم، قباله این است. استقلال داریم، قباله این است. جمهوری اسلامی داریم، این‌ها قباله‌اند. این‌ها اسناد و مدارک‌اند که ذات اقدس الله ان شاء الله نام این‌ها را برای همیشه حفظ می‌کند و آثار خون را حفظ می‌کند!

حضرت آیت‌الله جوادی آملی

حجة الاسلام والمسلمین  
دکتر علی ذوعلم در نشست هم اندیشه  
مجلات رشد و برنامه درسی ملی مطرح کرد

## جایگاه مجلات رشد در برنامه درسی ملی

بر اساس این سند، محیط یادگیری، محیط‌های متکثری است که باید در مجموعه‌ای منسجم و هم افزا دیده شود و اساساً نوعی محیط فیزیکی محض نیست.»

### جایگاه مجلات رشد در برنامه درسی ملی

مدیر طرح برنامه درسی ملی با بیان این نکته که جایگاه مجلات رشد در برنامه درسی ملی با جایگاه فعلی آن‌ها قابل مقایسه نیست، گفت: «انتظاری که از مجلات برای اجرای برنامه درسی ملی می‌رود، در دو بخش قابل تبیین است؛ یکی در افق اجرای کامل برنامه درسی ملی و دیگری تحول بنیادین در آموزش و پرورش»

در روش اجرای تحول، بنا را بر این بگذاریم که می‌خواهیم برنامه درسی ملی را کاملاً اجرا کنیم. بنابراین، یک ساختمان داریم که می‌خواهیم آن را متحول و ساختمان جدیدی بنا کنیم. تحول بدون نفی وضع موجود و اثبات و ایجاد وضع مطلوب ممکن نیست. گاهی در بحث تحول دچار تعارف می‌شویم. گویا می‌خواهیم وضع موجود حفظ شود و اتفاقی نیفتد و در عین حال تحولی هم ایجاد شود. این ممکن نیست. به‌خصوص در آموزش و پرورش و دستگاه تعلیم و تربیت، بدون این که عناصری از وضع موجود حذف یا اصلاح و جابه‌جا شوند و مهمان‌های جدیدی به این نظام وارد شوند و جایی برای آن‌ها لحاظ و مفاهیم و

نشست هم‌اندیشی مجلات رشد و برنامه درسی ملی، در خانه معلم منطقه یک آموزش و پرورش شهر تهران برگزار شد.

در این نشست که با حضور آقای محمد ناصری، مدیر کل دفتر انتشارات کمک آموزشی و مدیر مسئول مجلات رشد، حجة الاسلام دکتر علی ذوعلم، مدیر طرح و برنامه درسی ملی، سردبیران و مدیران داخلی مجلات رشد و تعدادی از کارشناسان و همکاران طرح برنامه درسی ملی برگزار شد، حجة الاسلام دکتر علی ذوعلم طی سخنانی، ضمن تشریح ابعاد مختلف برنامه درسی ملی گفت: «برنامه درسی ملی به مثابه قانون اساسی نظام آموزشی و تربیتی است و باید ارتباط وسیعی با اهداف و انتظارات نظام آموزش و پرورش پیدا کند. تلقی ما این است که همه فعالیت‌هایی که در آموزش و پرورش انجام می‌شود، فعالیت‌های تربیتی آموزشی است. مجلات رشد، نوار آموزشی، سی‌دی، فعالیت پرورشی، همه و همه در متن برنامه باید دارای نقش باشند و عنوان جانبی و حاشیه‌ای ندارند. بر همین اساس ما می‌خواهیم که شأن مجلات رشد از کمک آموزشی و حاشیه‌ای به متن آموزشی و تربیتی تغییر کند و به عنوان محیط یادگیری مکتوب قلمداد شود.»

وی افزود: «ما در برنامه درسی ملی، محیط یادگیری را فضای کلاس به معنی سنتی و رایج آن تعریف نکرده‌ایم.



**اولین بخشی که برنامه درسی ملی از مجلات رشد مطالبه می‌کند، بخش چشم‌انداز برنامه درسی ملی است. چون چشم‌انداز برنامه در واقع می‌خواهد آن افق دورنمای نظام برنامه‌ریزی و هم‌چنین برنامه‌های درسی و تربیتی ما را نشان بدهد**

کافی را در حد شناخت و رشد خودش داشته باشد و هم اندیشه و تفکر لازم را داشته باشد. هم اهل عمل باشد و هم به این مجموعه باور داشته باشد.

### الگوی هدف‌گذاری برنامه‌های درسی و تربیتی

**دومین** بخشی که بسیار مهم و اثرگذار است، الگوی هدف‌گذاری برنامه‌های درسی و تربیتی است. در این بخش بحث‌های ظریف و دقیقی درباره انسان‌شناسی، هستی‌شناسی، ارزش‌شناختی و ... وجود دارد و می‌خواهد جهان‌بینی را ارائه دهد. همه می‌دانند که در بحث تعلیم و تربیت، مهم‌ترین عنصر مبنایی و اثرگذار در تعامل بین مربی و متربی، جهان‌بینی و نگرشی است که وجود دارد. اگرچه این نگرش‌ها غالباً پنهان و نامرئی است، ولی تأثیرگذار و جهت‌بخش است. تمام عناصر تعلیم و تربیت در فضای نگرشی و فکری تنفس می‌کنند. اگر آن فضا زلال نباشد، همه ناپاکی‌ها و نارسایی‌ها منتقل خواهند شد. اگر ما در آسیب‌شناسی نظام تعلیم و تربیت رایج و رسمی جاری، بخواهیم مهم‌ترین آسیب را نام ببریم، باید به این آسیب یعنی نگاه و نگرشی که نسبت به معلم، متعلم، جهان هستی، علم، اخلاق و دین وجود دارد، اشاره کنیم. ما به دنبال چه خروجی‌هایی هستیم؟ خروجی ما در الگوی هدف‌گذاری خودش را نشان داده است. ما به دنبال تربیت دانش‌آموزانی فکور، عاقل و اندیشه‌ورز مومن و با اخلاق هستیم. کلید واژه اساسی خروجی ما، تفکر، تعقل و اندیشه‌ورزی ایمان و اخلاق است. مجلات رشد باید مخاطبان خودشان را به این کلیدواژه‌ها نزدیک کنند. کمک کنند که مخاطب به تفکر، خلاقیت، تولید، تعقل و اندیشه‌ورزی برسد. ما برای پرورش ایمان نسل آینده مسئول هستیم. ما فقط مسئول نیستیم یک سلسله محفوظات در اختیار دانش‌آموزان قرار دهیم تا بتوانند در کنکور قبول شوند. ما باید به دانش‌آموزان مهارت‌هایی را بیاموزیم که با آن‌ها زندگی عادی خودشان را سرو سامان دهند و حتی به آن نفس مطمئنه و خودباوری عمیق دست بیابند.

قالب‌هایی ایجاد شود تا این ساختمان جدید شکل بگیرد، ممکن نخواهد بود. به همین دلیل، در یک مرحله‌ای، اساساً لازم است ما چشم‌اندازی از خود تحول ارائه دهیم و چرخش‌های جدی را که در تحولات محتوایی، رویکردی، روشی و ابزاری ایجاد می‌کند بشناسیم و قبول کنیم. باید آماده شویم برای ایجاد این تحول.»

### چشم‌انداز برنامه درسی

**اولین** بخشی که برنامه درسی ملی از مجلات رشد مطالبه می‌کند، بخش چشم‌انداز برنامه درسی ملی است. چون چشم‌انداز برنامه در واقع می‌خواهد آن افق دورنمای نظام برنامه‌ریزی و هم‌چنین برنامه‌های درسی و تربیتی ما را نشان بدهد. بنابراین، همین چشم‌انداز می‌تواند چشم‌انداز مجلات رشد را هم نشان دهد. کلید واژه‌هایی که در چشم‌انداز به کار رفته‌اند کاملاً قابلیت دارند که مصادیق و راهکارهای آن را یک به یک در مجلات رشد پیدا کنیم. برنامه‌های درسی و تربیتی که مجلات رشد هم حلقه‌ای از منابع آن‌ها هستند، باید برنامه‌هایی **منسجم، متعادل، کارآمد، نشاط‌آفرین، پویا و انعطاف‌پذیر** باشند. این شش واژه برای مجلات رشد پیام روشنی دارند. در بخش چشم‌انداز، عبارت‌پردازی وجود ندارد، بلکه به گونه‌ای می‌خواهد واقعیتی را که ما باید به آن برسیم نشان دهد. تعبیری در مقدمه آمده است که با اتکا بر پروردگار متعال شروع شده است. در حقیقت پروردگار متعال است که انسان را به سوی تعالی پرورش می‌دهد. و در نظام آموزشی و تعلیم و تربیتی ما، بدون این تکیه، هم تکیه تشریحی و هم تکیه تکوینی، کاری از دست ما ساخته نیست. از آن اولین عبارت این سند، این نکات وجود دارد و لحاظ شده است تا آن جایی که می‌خواهد دانش‌آموز را تربیت کند تا وفادار به ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی باشد. دانش‌آموزی که وقتی سخن از آزادی خرمشهر به میان آمد، سخن از دفاع از کشور، ارزش‌های اسلامی، ارزش‌های اخلاقی و ارزش‌های فردی به میان می‌آید، نسبت به آن، هم انگیزه لازم و

ما مے خواہیم  
کہ شآن مجلات  
رشد از کمک  
آموزشے و  
حاشیہ ای بہ متن  
آموزشی و تربیتی  
تغییر کند و  
بہ عنوان محیط  
یادگیری مکتوب  
قلمداد شود.»

### حوزه‌های یادگیری

**سومین** نکته، حوزه‌های یادگیری است. براساس برنامه درسی ملی، حوزه‌های یادگیری شامل حوزه‌های تفکر و حکمت، قرآن و معارف اسلامی، زبان و ادبیات فارسی، فرهنگ و هنر کار و فناوری، سلامت و تربیت بدنی، علوم انسانی، مطالعات اجتماعی، ریاضیات، علوم تجربی، زبان‌های خارجی، آداب و مهارت‌های زندگی است. این حوزه‌ها، حتماً ساختار مجلات رشد را دستخوش تغییر خواهد کرد. چون بعضی از این حوزه‌های یادگیری، امروز در برنامه درسی و تربیتی ما نیست و وجود ندارد.

### تلقی از متربی

**چهارمین** موضوع، تلقی از متربی است. متربی همان است که در حال حاضر به آن دانش‌آموز می‌گوییم. متربی کسی است که تحت تربیت علمی، اخلاقی، ایمانی و ابعاد، جهات و ساحات گوناگون تربیتی قرار دارد.

این تلقی از متربی، به واسطه معلمان که مخاطب مجلات رشد هستند، باید خودش را نشان دهد. هم‌چنین، به واسطه نشریات رشد دانش‌آموز، نوجوان و جوان، این تلقی از متربی نشان داده شود.

متربی در فرایند یاددهی - یادگیری نقش فعال دارد نه منفعل. دانش‌آموز خودش دانش‌ها، مهارت‌ها، نگرش‌ها و انگیزه‌هایش را تعیین می‌کند. یادگیری مادام‌العمر در این جا مورد تأکید قرار گرفته است که باید متربی ما به توانمندی و نگرشی برسد که هیچ‌گاه خودش را فارغ‌التحصیل تلقی نکند.

### تلقی از معلم و مربی

**پنجمین** نکته، تلقی نسبت به معلم و مربی است. تلقی نسبت به معلم و مربی، هم در مجلات رشد تخصصی برای معلمان قابل تأمل است و هم برای دانش‌آموزان که چه نگاهی به معلم و مربی دارند.

### مدرسه زندگی

**ششمین** موضوع تلقی از مدرسه و بحث مدرسه زندگی است، در حقیقت شعار برنامه درسی ملی از همان چهار سال قبل است که در جریان تولید قرار گرفت. برنامه درسی ملی گامی به سوی مدرسه زندگی است.

یکی از مطالبات جدی از مجلات رشد، تقویت، تعمیق و تثبیت نگرشی است که نسبت به مدرسه زندگی باید در برنامه آموزش و پرورش به وجود بیاید. ارتباط مدرسه زندگی با قواعد، ضوابط و آیین‌نامه‌ها، ارتباط درجه اول نیست که بگوییم تا وقتی قواعد عوض نشده و قوانین تغییر نکرده است، مدرسه زندگی نمی‌تواند تحقق پیدا کند.

اگر در همین وضعیت فعلی و کنونی، آن نگاه و نگرشی که درباره مدرسه زندگی وجود دارد، تبیین شود و مدیران و معلمان مدارس ما نسبت به این مسئله توجه و همراه و هم‌دل شوند، حتماً لایحه‌های زیادی از آن قابل تحقق است. همان‌طور که امروز برخی از مدارس دولتی یا غیر دولتی توانسته‌اند شاخص‌هایی از

براساس اصول  
و مبانی فلسفی  
به خصوص در بحث  
انسان‌شناختی و  
معرفت‌شناختی،  
بسته‌ای آموزشی  
که به دانش‌آموز  
می‌دهیم، باید یک  
بسته آموزشی باز  
باشد نه بسته



مدرسه زندگی را در نظام مدرسه تحقق بخشند.

خانواده، با انگیزه و با نیت تکاملی و تعالی جویانه به تعلیم و تربیت  
بپردازند، اقتضا می‌کند که به سمت کاهش تمرکز برویم. در  
این جا، کاهش تمرکز، ارتباط محکمی با مبانی ما پیدا می‌کند.

### ﴿ساعات رسمی کلاسی و غیر کلاسی﴾

دهمین و آخرین نکته، بحث ساعات رسمی غیر کلاسی  
و ساعات رسمی کلاسی است که در اختیار استان‌ها، مناطق  
و مدارس است. در برنامه درسی ملی، ساعات درسی و تربیتی،  
ساعات و زمان رسمی و غیر رسمی است. زمان رسمی، آن زمانی  
است که برای آن برنامه‌ریزی می‌کنیم. زمان غیر رسمی زمانی  
است که در اختیار دانش‌آموز است. در این جا این مطلب مورد  
تأکید قرار گرفته است که مدرسه و برنامه‌های درسی و تربیتی  
باید بتوانند تا حد امکان جهت‌گیری و برابری تربیتی زمان غیر  
رسمی آموزش را هم در جهت اهداف آموزشی و تربیتی که در  
برنامه درسی ملی است سوق دهند. یعنی هم‌سویی با زمانی که  
دانش‌آموز در مدرسه نیست، با این زمانی که در مدرسه حضور  
دارد. ساعات رسمی هم دو گونه تعریف شده است. ساعات رسمی  
کلاسی و غیر کلاسی. در حال حاضر ساعات رسمی ما فقط  
ساعات رسمی کلاسی است. ولی برنامه درسی ملی ساعات  
رسمی غیر کلاسی را هم تعریف کرده و آن را جزو برنامه درسی  
و تربیتی قرار داده و بخشی از این ساعات در اختیار مدرسه و در  
اختیار استان و منطقه است.

قطعاً مجلات رشد می‌توانند برای این ساعات رسمی غیر  
کلاسی برنامه‌ریزی کلان داشته باشند و بخش عمده‌ای از آن  
را هدایت کنند.

### ﴿تنوع محیط یادگیری﴾

هفتمین موضوع، تنوع محیط یادگیری است. یک بخش  
از این مسئله در راهبردهای یاددهی - یادگیری آمده است و  
یک بخش هم در اصول و سیاست‌های تولید مواد و رسانه‌های  
یادگیری. قطعاً مجلات رشد مصداقی از مواد و رسانه‌های  
یادگیری هستند.

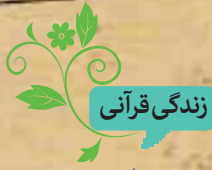
### ﴿بسته آموزشی﴾

هشتمین نکته، ایده بسته آموزشی باز است که در برنامه  
درسی ملی مطرح شده و بسیار مهم است. براساس اصول و مبانی  
فلسفی به خصوص در بحث انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی،  
بسته‌ای آموزشی که به دانش‌آموز می‌دهیم، باید یک بسته  
آموزشی باز باشد نه بسته. دانش‌آموز باید در تکمیل و کارآمد  
سازی بسته آموزشی نقش داشته باشد.

### ﴿کاهش تمرکز﴾

نهمین بحث؛ کاهش تمرکز یکی از رویکردهای اساسی  
در برنامه درسی ملی است که با مبانی کاهش تمرکز در سایر  
نظام‌های آموزشی کاملاً متفاوت است. فضای نگرشی که بر تعلیم  
و تربیت باید وجود داشته باشد و حاکم باشد تا معلم، دانش‌آموز و





زندگی قرآنی

# تکلم قرآن

۲۰ سال به غیر از  
قرآن تکلم نکرد



عبدالله مبارک گوید:

سالی که به قصد حج به سوی مکه می‌رفتم، از کاروان عقب ماندم. ناگاه در بیابان زن غریب و بی‌کس و تنهایی را پیاده دیدم. نزدیک او رفتم و به او سلام کردم. زن غریب گفت: «سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ»؛ برای بهشتیان سلامتی هست، خدای مهربان چنین می‌فرماید. جواب سلام مرا از قرآن داد.

عبدالله: از نوع جنّ یا انسان می‌باشی؟!

زن غریب: «یا ایها الانسان ما غرک برّک الکریم»؛ ای انسان چه چیز تو را به خدای کریم مغرور و غافل کرد. فهمیدم از نوع انسان است.

عبدالله: تنها در این بیابان نمی‌ترسی؟!

زن غریب: «من یتق الله يجعل له مخرجاً»؛ کسی که پرهیزکار باشد، خداوند برای او راه خروج از ناگواری‌ها را باز می‌کند.

عبدالله: تو را متحیر و سرگردان می‌بینم.

زن غریب: «من یضلل الله فلا هادی له»؛ آن که را خداوند گمراه کرده، از برای او راه هدایتی نیست. دانستم راه را گم کرده‌ام.

عبدالله: قصد کجا را داری و به کجا می‌روی؟





# وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذَّكَرِ فَمَلَّ مِنْ مَدْرِكِ

زن غریب: «و ما تفعلوا من خیر یعلمه الله»<sup>۱۲</sup>: هر آن چه نیکی کنید، خدا می داند.  
**عبدالله:** عقب من سوار شتر شو!

زن غریب: «لو كان فيهما آلهة الا الله لفسدتا»<sup>۱۳</sup>: اگر در زمین و آسمان، خدایانی جز خدای واحد باشند، نظم عالم به هم می خورد.

فهمیدم که از سوار شدن به همراه من راضی نیست، چون نامحرم هستیم. شتر را خوابانیدم تا او تنها سوار شود.

زن غریب: «قل للمؤمنين يغضوا من ابصارهم»<sup>۱۴</sup>: به ایمان آورندگان بگو، چشم خود را از دیدن نامحرمان، بپوشانند.

از زن رو برگرداندم تا سوار شد.

زن غریب: «و لله على الناس حج البيت من استطاع اليه سبيلاً»<sup>۱۵</sup>: خداوند به مردم مستطیع، واجب کرده است که به زیارت خانه خدا بروند.

**عبدالله:** چند روز است که در این بیابان سرگردانی؟!

زن غریب: «ثلاث ليال سوياً»<sup>۱۶</sup>: سه شب تمام.

**عبدالله:** در این سه روز، طعام از کجا آوردی؟!

زن غریب: «هو يطمعني و يسقيني»<sup>۱۷</sup>: خداوند غذا و آب به من رسانید.

**عبدالله:** برای وضو، چه می کنی؟!

زن غریب: «فلم تجدوا ماء فتيمموا صعيداً طيباً»<sup>۱۸</sup>:

اگر آب نیافتید، به روی زمین پاک تیمم کنید.

نانی را پیش او بردم تا بخورد.

زن غریب: «ثم اتموا الصيام الى الليل»<sup>۱۹</sup>: روزه خود را تا شب بگیری.

فهمیدم روزه است.

**عبدالله:** ماه مبارک رمضان نیست؟!

زن غریب: «فمن تطوع خيراً فهو خير له»<sup>۲۰</sup>: کسی که با میل و رغبت کار نیکی را انجام دهد، نتیجه خوبی می برد.

**عبدالله:** خداوند در سفر، اذن و اجازه افطار داده است.

زن غریب: «و أن تصوموا خیر لكم»<sup>۲۱</sup>: اگر روزه بگیری، بهتر است.

بهرتر است.

**عبدالله:** می خواهی سوارت کنم و به کاروانت برسانم.



**عبدالله:** هنگام سوار شدن، گوشه چادرت پاره شد.  
**زن غریب:** «و ما اصابکم من مصیبة فیما کسبت  
ایدیکم و یعفوا عن کثیر»<sup>۱۵</sup>: گرفتاری‌ها و ناگواری‌ها نتیجه  
اعمال خود انسان هستند؛ با این که خداوند بسیاری از آن‌ها  
را می‌بخشد.

بر پشت راحله و شتر قرار گرفت.

**زن غریب:** «سبحان الّذی سخر لنا هذا و ما کنّا له  
مقرنین»<sup>۱۶</sup>: پاک و منزّه است خدایی که این «راحله» را تحت  
تسخیر و اختیار ما قرار داد، در صورتی که ما ناتوان بودیم.  
افسار شتر را گرفتیم و با صوت آواز می‌خواندم، تا شتر تندتر  
راه رود و به مقصد برسیم.<sup>۱۷</sup>

**زن غریب:** «واقصد فی مشیک و اغضض من  
صوتک»<sup>۱۸</sup>: با طمأنینه و میانه‌روی راه برو و صدایت را موزون  
و کم کن.

من با شور و شوق اشعار «مرء القیس» را می‌خواندم.

**زن غریب:** «و لقد یسرنا القرآن للذکر فهل من  
مدکر»<sup>۱۹</sup>: قرآن را آسان قرار دادیم از برای پند و موعظه. آیا  
پند گیرنده‌ای هست؟

**عبدالله:** شوهر داری؟!

**زن غریب:** «لا تسئلوا عن اشیاء ان تبدلکم  
تسؤکم»<sup>۲۰</sup>: مپرسید از چیزهایی که اگر آشکار شود، بدتان  
می‌آید.

**عبدالله:** در میان قافله و کاروان چه کسی از بستگان  
را داری؟!

**زن غریب:** «المال و البنون زينة الحیوة الدنیا»<sup>۲۱</sup>:  
مال و فرزند زینت زندگی دنیا هستند.

فهمیدم فرزندان داری و در میان کاروان هستند.

**عبدالله:** نام فرزندان چیست؟

**زن غریب:** «و کلم الله موسی تکلیماً»<sup>۲۲</sup>: خدا با موسی  
سخن گفت. «و اتخذ الله ابراهیم خلیلاً»<sup>۲۳</sup>: خداوند ابراهیم  
را دوست خود قرار داد.

«فهمیدم فرزندان به نام موسی و ابراهیم دارد.

**عبدالله:** فرزندان تو، چه شغلی دارند؟

**زن غریب:** «و علامات و بالنجم هم یهتدون»<sup>۲۴</sup>: و به  
نشانه‌ها و به ستارگان راه را می‌یابند.

فهمیدم فرزندان راهنمای راه هستند. چون نزدیک کاروان  
رسیدم، فرزندان را به نام صدا زد. بی‌درنگ فرزندان که  
هم چون ماه می‌درخشیدند و جوانانی خوش سیما بودند، به نزد  
من آمدند و افسار شتر را گرفتند و نزدیک در خیمه خوابانند.  
مادرشان را از شتر پیاده کردند و از من بسیار سپاس‌گزاری و  
تقدیر نمودند.

سپس آن زن ناشناس، چند درهم از جیب خود بیرون آورد  
و این آیه را خواند: «فابعثوا احدکم بورقکم هذه الی المدینه  
فلینظر ایها ازکی طعاماً»<sup>۲۵</sup>: بفرستید یکی از خودتان را با این  
پول نقره به شهر، تا طعام لذیذ و پاک خریداری کند.  
غذا حاضر کردند و نزد من گذاردند.

**زن غریب:** «کلوا و اشربوا هنیئاً بما کنتم تعملون»<sup>۲۶</sup>:  
بخورید و بیاشامید. گوارا باد شما را به آن اعمالی که انجام  
دادید.

**عبدالله:** شما از کدام خانواده هستید؟ این زن را معرفی  
کنید! هرچه با او تکلم کردم و سخن گفتم، او با آیات قرآن،  
جواب مرا داد!

**فرزندان:** ما پسران این زن هستیم و او فِصّه، کنیز  
**حضرت زهرا(ع)** است. بیست سال است به غیر از قرآن،  
تکلمی نکرده است.

پی‌نوشت

۱. یونس، آیه ۵۸.
  ۲. انفطار، آیه ۶.
  ۳. طلاق، آیه ۲.
  ۴. اعراف، آیه ۱۸۵.
  ۵. مریم، آیه ۱۱.
  ۶. نساء، آیه ۶۴.
  ۷. آل عمران، آیه ۹۱.
  ۸. شعراء، آیه ۱۷۹.
  ۹. بقره، آیه ۱۸۳.
  ۱۰. بقره، آیه ۸۰.
  ۱۱. بقره، آیه ۱۸۰.
  ۱۲. بقره، آیه ۱۹۳.
  ۱۳. انبیاء، آیه ۲۲.
  ۱۴. نور، آیه ۳۰.
  ۱۵. شوری، آیه ۲۹.
  ۱۶. زخرف، آیه ۱۲.
  ۱۷. شتر از صدای خوش‌الحن به وجد و طرب می‌افتد و در اسلام  
صوت و آواز برای شتر حرام نیست.
  ۱۸. لقمان، آیه ۱۸.
  ۱۹. قمر، آیات ۱۷-۲۲-۳۲-۴۰.
  ۲۰. مائده، آیه ۱۰۱.
  ۲۱. کهف، آیه ۴۴.
  ۲۲. نساء، آیه ۴۴.
  ۲۳. نساء، آیه ۱۲۴.
  ۲۴. نحل، آیه ۱۶.
  ۲۵. کهف، آیه ۱۹.
  ۲۶. طور، آیه ۱۹.
- منبع: پنجاه‌های جاویدان، ص ۱۰۵.





دفتر انتشارات کمک آموزشی

## با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های رشد توسط دفتر انتشارات کمک آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شوند:

### مجله‌های دانش‌آموزی

(به صورت ماهنامه و ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

**رشد یک** (برای دانش‌آموزان آمادگی و پایه‌ی اول دوره‌ی دبستان)

**رشد دو** (برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره‌ی دبستان)

**رشد سه** (برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم و پنجم دوره‌ی دبستان)

**رشد جوان** (برای دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی تحصیلی)

**رشد جوانک** (برای دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه‌ی پیش‌دانشگاهی)

### مجله‌های بزرگسال عمومی

(به صورت ماهنامه و ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

♦ رشد آموزش ابتدایی ♦ رشد آموزش راهنمایی تحصیلی ♦ رشد تکنولوژی آموزشی ♦ رشد مدرسه فردا ♦ رشد مدیریت مدرسه ♦ رشد معلم

### مجله‌های بزرگسال اختصاصی

(به صورت فصلنامه و ۴ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

♦ رشد برهان راهنمایی (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی تحصیلی) ♦ رشد برهان متوسطه (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه) ♦ رشد آموزش قرآن ♦ رشد آموزش معارف اسلامی ♦ رشد آموزش زبان و ادب فارسی ♦ رشد آموزش هنر ♦ رشد مشاور مدرسه ♦ رشد آموزش تربیت بدنی ♦ رشد آموزش علوم اجتماعی ♦ رشد آموزش تاریخ ♦ رشد آموزش جغرافیا ♦ رشد آموزش زبان ♦ رشد آموزش ریاضی ♦ رشد آموزش فیزیک ♦ رشد آموزش شیمی ♦ رشد آموزش زیست‌شناسی ♦ رشد آموزش زمین‌شناسی ♦ رشد آموزش فنی‌وحرفه‌ای ♦ رشد آموزش پیش‌دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و اختصاصی برای آموزگاران، معلمان، مدیران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویان مراکز تربیت‌معلم و رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می‌شوند.

♦ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره‌ی ۴ آموزش‌وپرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات کمک‌آموزشی.

♦ تلفن و نمابر: ۰۲۱ - ۸۸۳۰۱۴۷۸



دوره هشتم | شماره ۴ تابستان ۱۳۹۰

# تشکل‌های قرآن‌کشور

۴

## مؤسسه زلال وحے - مشهد

مدیر عامل: حجت‌الاسلام آقای رضا معماریانے تلفن همراه: ۰۳۷۹۴۷-۳۰-۰۹۱۵  
آدرس: خ خواجه ربیع، اول بلوار راه‌آهن، عبادی ۵۵  
تلفن: ۰۲۳۴۹۹۵-۲۳۳۰۲۳۸-۰۵۱۱ دورنگار: ۰۵۱۱-۲۳۳۰۲۳۸

## مؤسسه فرهنگستان قرآن-تهران

مدیر عامل: اکبر توپچی تلفن همراه: ۰۱۱۶۸۰۲۴-۱۱۶۸۰۲۴-۰۹۱۲  
آدرس: خیابان قزوین، نرسیده به میدان شمشیری، نبش خ شهید کاظمه  
تلفن: ۰۵۷۴۴۷۹۸-۵۵۷۰۶۸۶۴ دورنگار: ۱۳۵۷۹۴۴۳۸۴-۱۳۵۷۹۴۴۳۸۴ کدپستی:

## مؤسسه قرآن پژوهان-تهران

مدیر عامل: حجت‌الاسلام و المسلمین آقای محمدصادق حق‌شناس  
تلفن همراه: ۰۲۳۴۵۴۳-۲۳۳۴۵۴۳-۰۹۱۲  
آدرس: تهران، گیشا، انتهای بلوار فروزان‌فر، بازارچه نصر، مسجد نصر  
تلفن: ۰۲۰-۸۸۲۴۲۰۱۷-۸۸۲۴۹۸۳-۸۸۲۴۲۰۱۷ دورنگار: ۸۸۲۴۲۰۱۷-۲۰

## مؤسسه قرآن پژوهان الزهرا (س) - آذربایجان غربی

مدیر عامل: خانم روح‌انگیز احمدی تلفن همراه: ۰۹۸۰۹۷۱۳-۹۸۰۹۷۱۳-۰۹۱۴  
آدرس: تکاب، خ امام، خ بسیج، روبه‌روی اداره آبیاری  
تلفن: ۰۴۸۲-۵۲۲۹۷۱۱-۵۲۲۹۷۱۲ دورنگار: ۰۴۸۲-۵۲۲۹۷۱۲





## برگ اشتراک مجله‌های رشد

### شرایط:

۱. پرداخت مبلغ ۷۰/۰۰۰ ریال به ازای یک دوره یک ساله مجله‌ی درخواستی، به صورت علی‌الحساب به حساب شماره‌ی ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت شعبه‌ی سه راه آزمایش (سرخه‌حصار) کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست.
۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده‌ی اشتراک باپست‌سفارشی. (کپی فیش را نزد خود نگه دارید.)

◆ نام مجله‌های درخواستی:

◆ نام و نام خانوادگی:

◆ تاریخ تولد:

◆ میزان تحصیلات:

◆ تلفن:

◆ نشانی کامل پستی:

استان: ..... شهرستان: .....

خیابان:

پلاک: ..... شماره‌ی پستی: .....

◆ در صورتی که قبلاً مشترک مجله بوده‌اید، شماره‌ی اشتراک خود را بنویسید:

کاشتراک: .....

امضا:

- صندوق پستی مرکز بررسی آثار: ۱۵۸۷۵/۶۵۶۷
- صندوق پستی امور مشترکین: ۱۶۵۹۵/۱۱۱
- نشانی اینترنتی: www.roshdmag.ir
- امور مشترکین: ۰۲۱-۷۷۳۳۶۶۵۶ - ۷۷۳۳۵۱۱۰
- پیام‌گیر مجله‌های رشد: ۰۲۱-۸۸۳۰۱۴۸۲

### یادآوری:

- ◆ هزینه‌ی برگشت مجله در صورت خوانا و کامل نبودن نشانی و عدم حضور گیرنده، برعهده‌ی مشترک است.
- ◆ مبنای شروع اشتراک مجله از زمان دریافت برگ اشتراک خواهد بود.

## مؤسسه قرآن و نهج البلاغه بوی گل یاس بقیع - شیراز

مدیر عامل: آقای خدابخش سجادی نیا      تلفن همراه: ۷۱۲۸۷۷۴ - ۰۹۱۷  
آدرس: میدان شاهزاده قاسم، جنب اداره پست، بنای مقدس کاظمیه  
تلفن: ۷۳۹۵۰۵۱ - ۰۷۱۱      دورنگار: ۷۳۶۳۷۶۵ - ۰۷۱۱  
کدپستی: ۷۱۶۴۸۹۷۱۸۷

## مؤسسه قرآن و نهج البلاغه - گیلان غرب

مدیر عامل: خانم بشری صورتیان      تلفن همراه: ۱۲۸۱۴۸۲ - ۰۹۱۸  
آدرس: گیلان غرب، خ امام (ره)، جنب مدرسه‌ی معراج  
تلفن: ۳۲۲۷۳۳۵ - ۰۸۳۵      دورنگار: ۳۲۲۷۳۳۵ - ۰۸۳۵

## مؤسسه قرآنی تفسیر جوان - تهران

مدیر عامل: آقای دکتر محمد بیستونه      تلفن همراه: ۱۰۸۵۳۲۲ - ۰۹۱۲  
آدرس: تهران، خ پاسداران، بین گلستان‌های هشتم و نهم، شماره ۳۵۳، طبقه همکف، واحد ۴  
تلفن: ۲۲۵۸۹۶۲۶      دورنگار: ۲۲۵۸۹۶۲۶  
کدپستی: ۱۶۶۸۶۳۴۳۵۳

## مؤسسه فرهنگ‌اندیشه‌ی قرآن و عترت - تهران

مدیر عامل: آقای اکبر توری      تلفن همراه: ۷۱۷۵۹۷۷ - ۰۹۱۲  
آدرس: بزرگراه آزادگان، پل شهید کاظمی، شهرک گلریز،  
نبش گلریز ۷، پلاک ۱  
تلفن: ۵۵۱۹۲۷۷۱      دورنگار: ۵۵۱۹۲۷۷۱  
کدپستی: ۱۸۹۸۶۱۵۸۱۵

## مجمع قاریان و حافظان قرآن کریم - قم

مدیر عامل: آقای علی اصغر شعاعی      تلفن همراه: ۲۵۲۶۹۷۰ - ۰۹۱۲  
آدرس: قم، ۵۴ متری عمار یاسر، روبه‌روی مسجد امام حسین (ع)  
تلفن: ۷۷۰۶۴۴۶ - ۰۲۵۱      دورنگار: ۷۷۰۶۴۴۷ - ۰۲۵۱

